

Read The Market

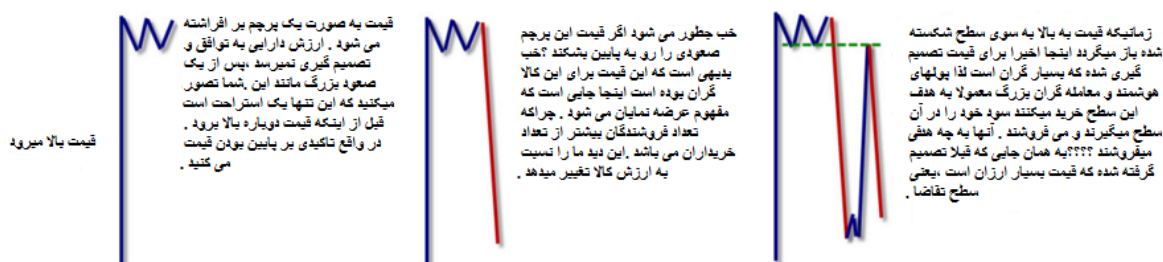
Advanced Price Reading Traders Community

Topic: Rally Base Drop, Drop Base Rally, Rally Base Rally, Drop Base Drop.

By: IFmyante

Translator: Salivan

این اساس بیشتر معاملات من و اکثر معامله گران بازار بر اساس عرضه و تقاضا است. بنابراین من اینرا بسیار مناسب و اولیه برای تدریس میدانم. اما در واقع این پر اهمیت ترین موضوعی است که من تاکنون در معامله گری دیده ام. از این جهت بی مبالاتی است که من این موضوع را نادیده بگیرم و برای شما نگویم.



اگر این موضوع را قبلا انجام داده اید از شما میخوام که بار دیگر ۲۰۰ عدد از این حالات را برای خود پیدا کنید. از شما میخوام که مثالهایی در میانه روند های رینج پیدا کنید، در کل در level های کم اهمیت و ببینید چه اتفاقی می افتد وقتی قیمت باز میگردد. به من اعتماد کنید دانستن اینکه این حالات در کجا رخ میدهند میتواند یک معامله ضرر ده را به سود ده تبدیل کند.

✓ بنابر گفته ی آقای whiteout زمانیکه یک ناحیه عرضه یا تقاضا بسیار شلوغ و بی نظم می باشد به تایم فریم های پایین تر مراجعه کنید در آنجا نحوه ی ادامه یا تغییر روند را میتوانید دریابید.



این حالت به ویژه برای تعیین نواحی DBR و RBD مفید میباشد .

✓ در ارتباط با یک معامله به قلم آقای IF نکاتی را میخوانیم :

خب در اینجا آنچه که در چارت به دنبالش میگردیم موضوعات زیر است :

➤ **به صورت کلی :** تایم فریم بالاتر ، دانستن اینکه قیمت از کجا آمده و به کجا میرود . و همچنین PA در زمان گذشته و حال در تمامی تایم فریم ها ، از تایم ماهانه گرفته تا پایین .

➤ **به صورت ویژه :** در نواحی که میخواهی وارد معامله شوی به دنبال :

▪ **زمان گذشته :** ناحیه را در تمامی تایم فریم ها از ماهانه گرفته به پایین مطالعه کن .
از خود بپرسید :

۱) نقاط تصمیم گیری کجاها بوده اند . در کجا تصمیم گیری شده است ؟ آیا ناحیه تمیزی از عرضه و تقاضا وجود دارد ؟؟؟ ناحیه شفافی وجود ندارد ؟؟؟ آیا ناحیه فشرده ای وجود دارد که در آن قیمت شروع به فشرد سازی خود نموده باشد ؟؟

۲) آیا قیمت واقع پرتاب شده است یا به صورت CP وار حرکت نموده ؟؟؟ (: CP فشرده سازی قیمت برای جذب سفارشات بیشتر و نقد شدن)

۳) آیا این ناحیه در جای درستی عمل کرده است ؟؟؟ در گذشته زیر و روی این ناحیه را نگاه کند ببین آیا ناحیه عرضه یا تقاضای بهتری وجود دارد که قیمت بخواد به آنجا برسد ، این حالت بیشتر FAKEOUT ها را میسازد .

▪ **زمان حال :**

نحوه نزدیک شدن قیمت :

۱) قیمت چگونه به ناحیه بازگشته است ؟؟؟

۲) نزدیک ترین FLAG در آن تایم فریمی که میخواهید معامله کنید کجاست ؟؟ این تارگت اول شما در آن تایم فریم است . FLAG در تایم فریم پایین تر ؟؟؟ PA به شما در آن ناحیه چه میگوید ؟؟

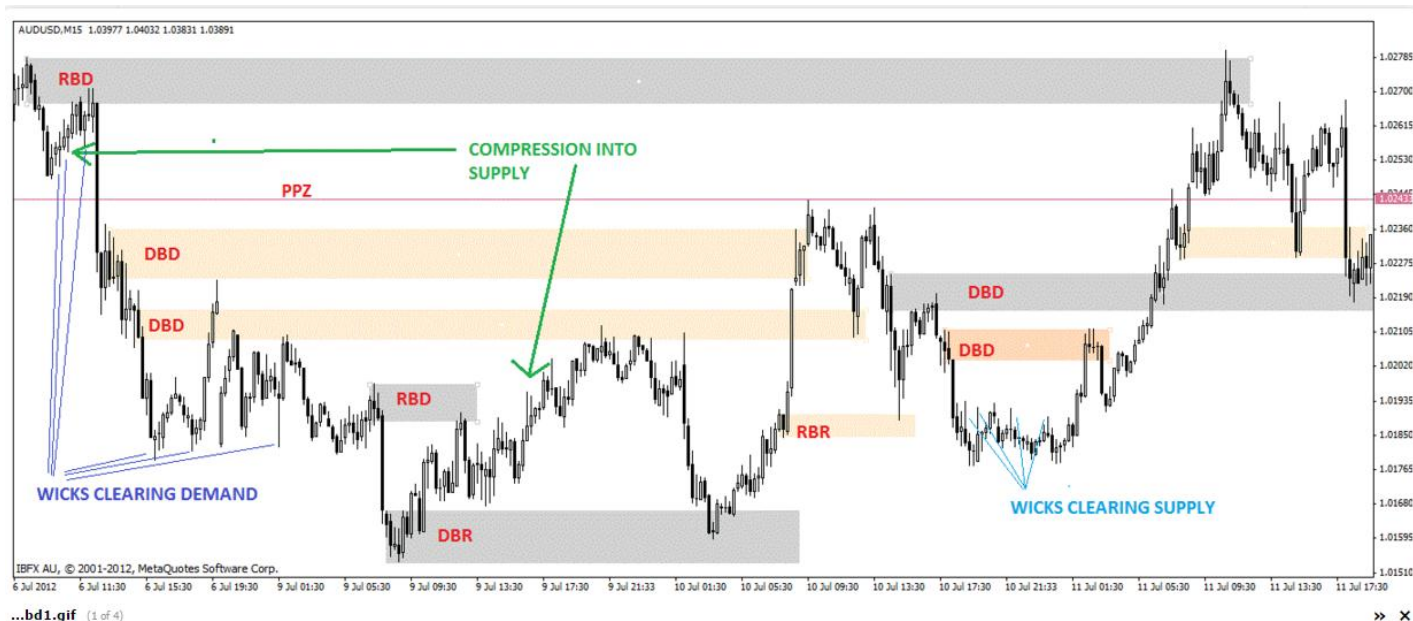
۳) آیا قیمت آخرین FLAG در دسترس را تست نموده است ؟؟ (این سیگنال خوبی است)

۴) آیا خبر بزرگی در راه است ؟؟؟ به تازگی خبر بزرگی وجود داشته است ؟؟؟

➤ واکنش ها :

- ۱) در تایم فریم پایین آیا قیمت حول اولین نقطه تصمیم گیری نوسان داشته است؟ و آیا این واکنش سریعاً نزدیکترین ناحیه عرضه و تقاضا را اینگلف نموده است؟؟ (سیگنال خوبی است)
 - ۲) آیا قیمت به سادگی توسط CP از یک ناحیه دور شده است؟ شاید بخواهد به نقطه تصمیم گیری بعدی برود.
 - ۳) در شکسته شدن اولین نقاط تصمیم گیری به دنبال علائم باش برای نزدیک شدن به دیگری و البته واکنش به آن.
- فعلاً برای اکنون این نکات را مد نظر داشته باشید. اینها را برای تاریخچه چارتهایتان به کار ببرید برای تمامی تحلیلهای اشتباه و پیروزتان استفاده کنید.

در اینجا تعدادی مثال از RBD, DBR از آقای LES-PAUL را با هم میبینیم :

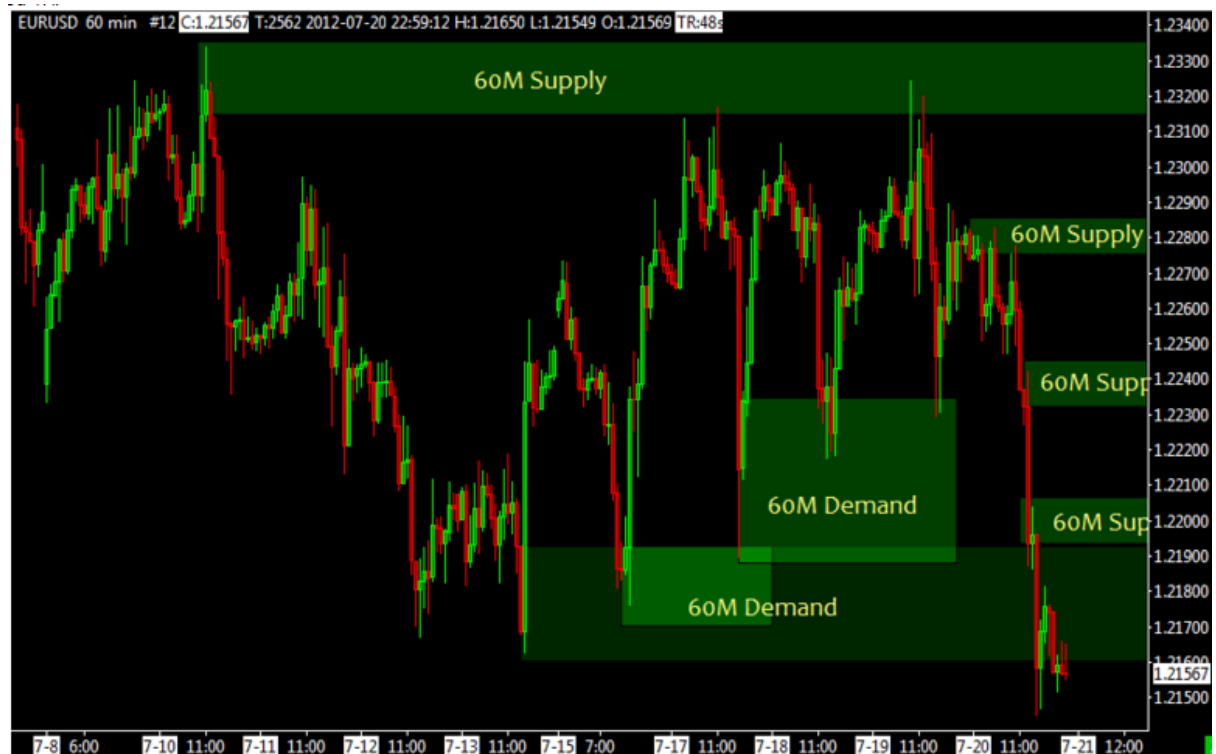
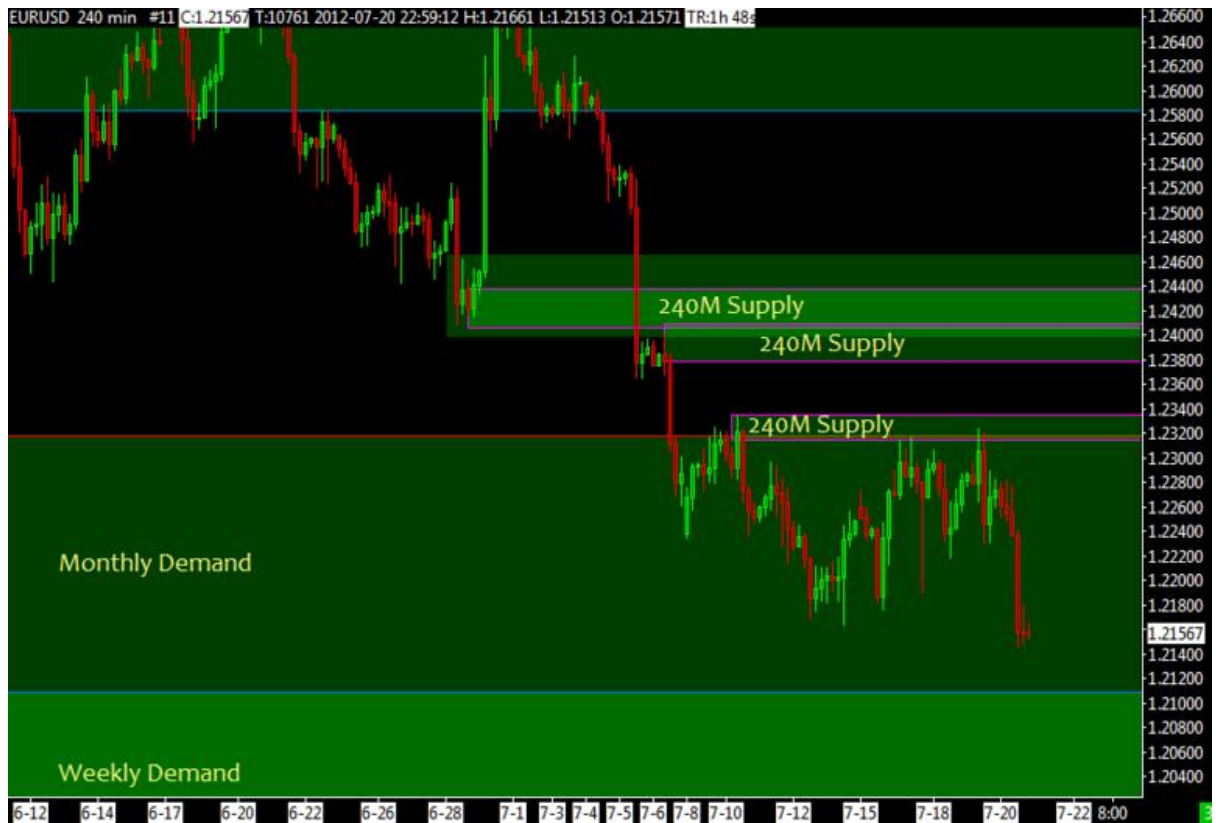


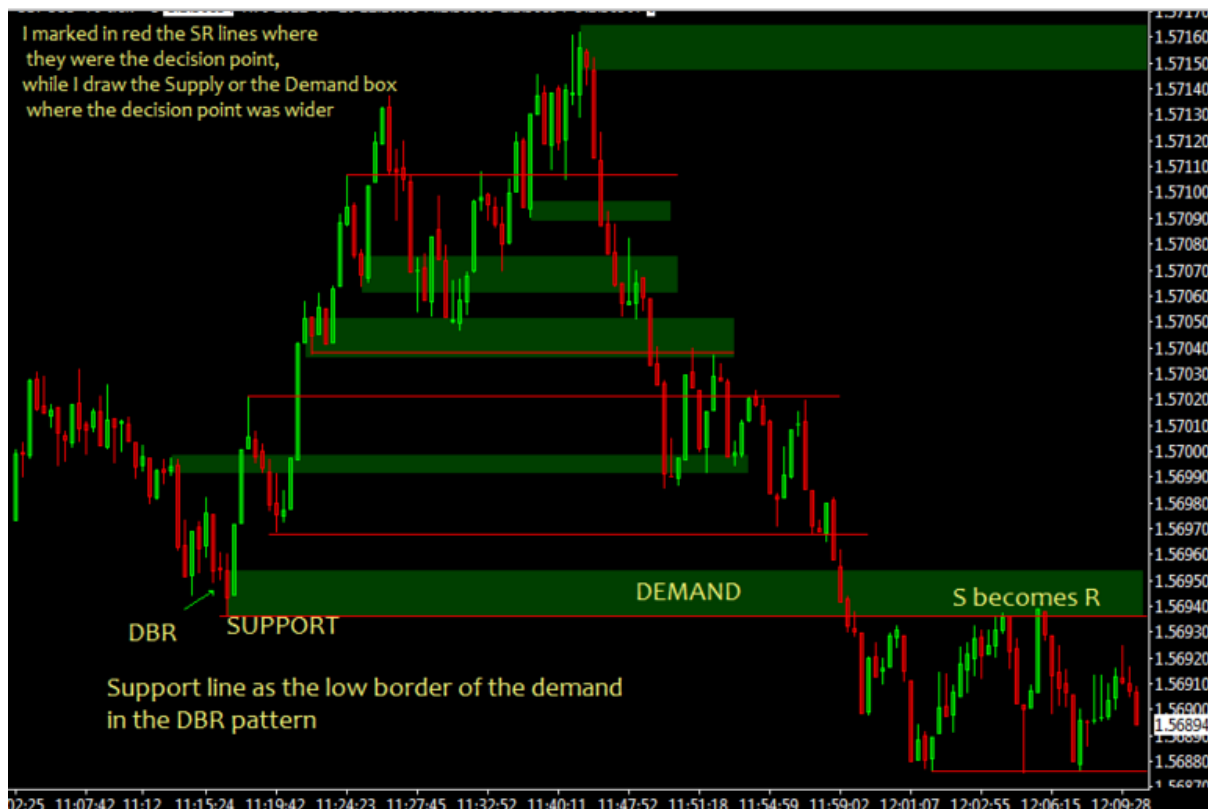


❖ به یاد می آورم زمانی که مبحث **PIE(price is everything)** را مطالعه میکردم گاهی گفتگوهایی در این باره می شد که **DEMAND** نواحی **SUPPLY** را برش می دهد. نحوه ی حرکت بسیار قوی و سریع است و تعداد زیادی سفارش در مسیر بالا رفتن پرنشده باقی می مانند. بنابراین مقاومت برای بار بعد به حمایت تبدیل می شود. از این نظر آقای **WHITEOUT** میگوید: مواظب باشید که **TRIGGER** معامله را در تمامی مقاومت های نادیده گرفته شده فشار ندهید.

نمونه های زیر از آقای OKAMI می باشد :







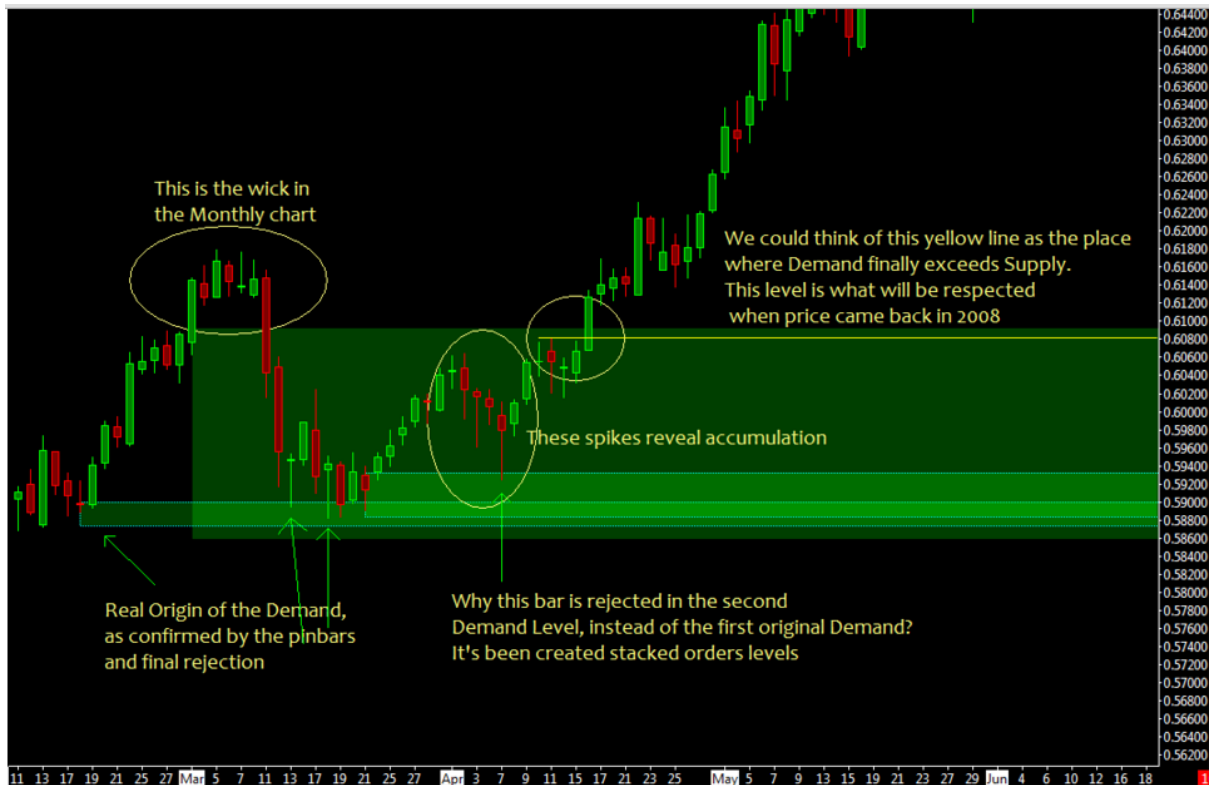
- آقای IF در ارتباط با نواحی عرضه و تقاضا و همچنین نواحی که DBR, RBD را تشکیل می‌دهند می‌گوید:
- ✓ باکس‌های خود را در جهت سمت راست چارت امتداد دهید در آینده در آن نواحی اتفاق‌هایی در راه برگشت خواهد افتاد.
 - ✓ نوشته‌هایی را در مورد باکس‌های خود تحت عنوان شرایط آن منطقه ذکر کنید.
- موضوعی که حائز اهمیت است این است که شادوهای پایین نواحی DEMAND را پاکسازی می‌کنند و شادوهای بالا نواحی SUPPLY را.

اهمیت DBR, RBD, RBR, DBD ها در این است که همه‌ی این نقاط تصمیم‌گیری هستند که معامله‌گران بزرگ در آینده این نقاط را برای ورود و خروج خود در نظر می‌گیرند. به همین دلیل است که ما به دنبال شناخت این نقاط هستیم تا دریابیم که در آینده قیمت چگونه به این نقاط می‌رسد و چه واکنش‌هایی در این نقاط دارند. این نقاط اهمیت‌های متفاوتی دارند برخی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. برای نمونه یک DBR را پیدا کنید و ببینید قیمت بار بعد که وارد این ناحیه می‌شود چه واکنشی خواهد داشت.

نکته‌ی اصلی این است که مرجع یک تصمیم‌گیری در آینده مانند یک آینه عمل می‌کند.



- ❖ از دیدگاه آقای OKAMI نگاه کردن به PIN BAR ها و یا DOUBLE TOPS فقط ما را از اصل موضوع که عرضه و تقاضا هست دور میکند ایشان نظرشان بر این است که از خود بپرسید چرا و چگونه؟؟ تلاش کنید که بفهمید دقیقاً چه چیزی پشت سر این کندلها و قیمت وجود دارد؟؟ دلیل معامله گران چیست برای انجام این عمل؟ برای مثال میتوانم بگویم:
- ❖ قیمت به ناحیه SUPPLY برده می شود چراکه سفارشات پرنشده ای در منشأ حرکت همچنان باقی مانده است.
- ❖ قیمت در ناحیه SUPPLY ننگه داشته می شود و یک پرچم را برای ما میسازد دلایش این است قیمت میخواهد تا جایی که امکان دارد سفارشات فروش را جمع آوری نماید تا زمانیکه به اندازه کافی خریدار داشته باشد تا آنها را بفروشد و نقد کند.

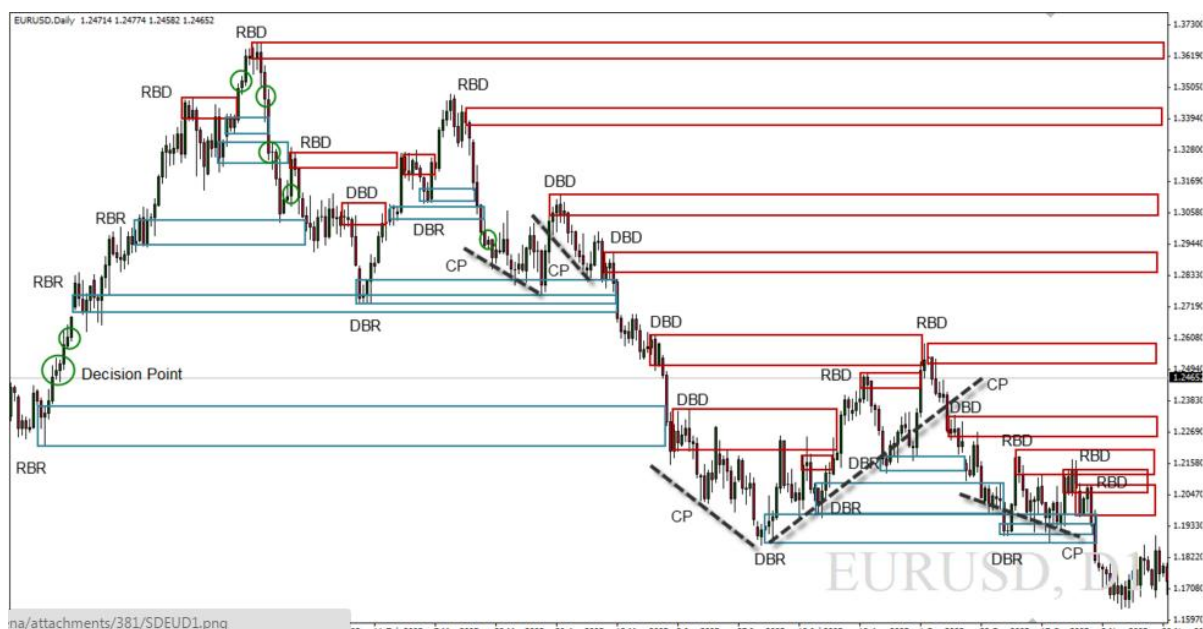


در تصویر بالا این موضوع را کاملا میتوان مشاهده نمود. شادو ها در حال پاکسازی ناحیه تقاضا برای نقد نمودن سفارشات خرید خود هستند . در واقع شادو ها جمع آوری سفارشات را فاش میکنند . در ناحیه زرد رنگ میبینیم که تقاضا بر عرضه چیره شده و ما در بازگشت بعدی به این ناحیه همچون گذشته احترام خواهیم گذاشت .





مثالی از RBD, DBR از آقای BENHUR(MASTER) :



از دیدگاه آقای OKAMI ، DP ها نقطه‌ای هستند در یک LEVEL که تصمیم گرفته می‌شود قیمت ارزان یا گران است . لذا یک DP هم خودش میتواند RBR, DBD, RBD, DBR باشد . این ادعا را میتوان با مراجعه به تام فریم های پایین تر اثبات نمود .

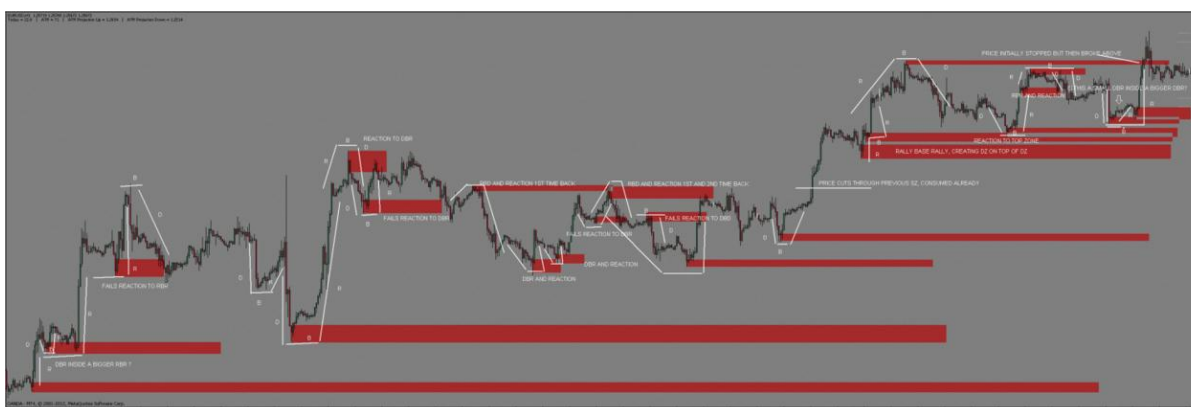
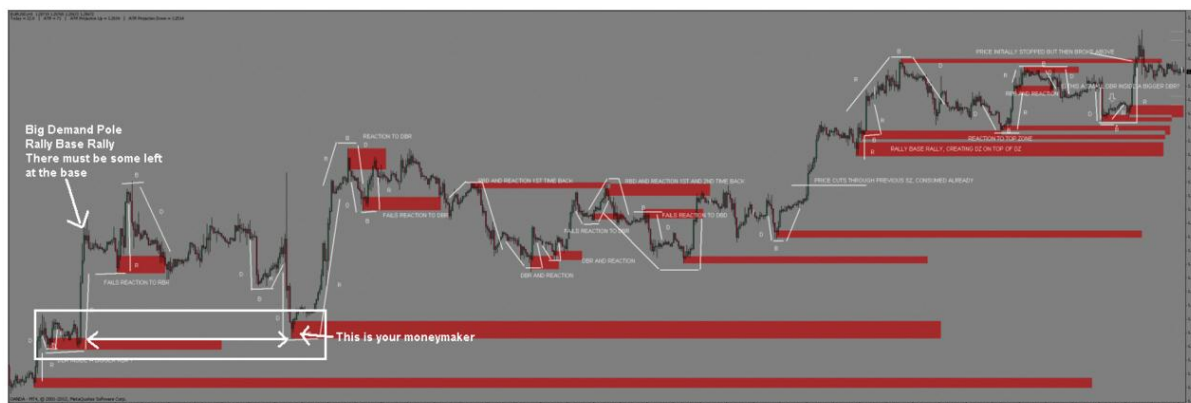
نظر آقای DOCTOR (از معامله گران نخبه) در ارتباط با تصویر بالا را با هم میخوانیم :

توجه شما به جزئیات خوب است . من چند دیدگاه رو به تحلیل شما می افزایم :

بالای اولین CP شما جایی که حرف C واقع شده است شما دو منطقه در باکس های آبی خرید دارید (ناحیه تقاضا) . این موضوع از لحاظ تکنیکالی درست است اما نگاه به تایم فریم بالاتر را دست کم نگیرید . و اینکه تایم فریم حاضر در چه موقعیتی است . در این مثال یورو به صورتی ماریپج پایین آمده و دو ناحیه DEMAND تاثیر خود را نداشته اند . نواحی عرضه و فروش در بالای چارت به شما داستان را میگوید . سایر نواحی CP و فشرده شده را مقایسه کنید و همچنین تاثیری که خریداران بر قیمت گذاشته اند وقتی که قیمت برای تست نمودن آنها پایین آمده

است . در واقع همه آنان تاثیر ناچیزی را القا مینمایند . زمانهایی وجود دارد که قیمت به سرعت حرکت میکند . مثل همان دو ناحیه آخر فشرده سازی شما ، ناحیه فشرده سازی دوم شما به آهستگی قیمت را پایین میبرد و سپس باز میگردد برای جمع آوری بیشتر فروشنده ها به ناحیه ای که شما در عکس از آنها تحت عنوان DP در سمت چپ یاد نمودید . لذا این همچنین یک ناحیه مقاومتی مهم می باشد . این پولبک های عمیق به نواحی سخت ترین قسمت معامله گری است . از این جهت که آنها شما را در تنگنا قرار میدهند تا زمانیکه شما بدانید چه سطح مقاومتی باعث می شود ریزش بیشتری را به همراه بیاورد و ادامه دهنده حرکت نزولی خود باشد .

در ارتباط با RBD و DBR ها آقای IF از ما میخواهد که آنها را با BOX هایی رسم کنیم و واکنش قیمت در آینده به این باکس ها مشاهده نماییم .



نکته ای که در اینجا آقای whiteout به آن اشاره میکند این است که RBD, DBR ها به تایم فریم وابسته هستند . همانطور که در عکس نیز مشاهده می شود به عبارت دیگر درون یک RBD در تایم فریم یک ساعته میتوان تعداد بیشماری DBR و سایر انواع را در تایم فریم ۵ دقیقه مشاهده نمود . نکته ی اساسی اینست که ما باید نقاط تصمیم گیری را پیدا کنیم و به درستی آنها را ارزش گذاری کنیم . به همین دلیل است که شما میخواهید بدانید در آینده این نقاط چه واکنش هایی را خواهد داشت . حال اگر بخواهیم به ارزش گذاری این نقاط پردازیم میتوان گفت : کندل های بزرگ که تشکیل یک پل حرکتی را برای ما میدهند میتوانند یک PAZ حرکتی خوب برای گذر باشند . لذا یکی از مهمترین نقاط تصمیم گیری ما flag base می باشد . میتوان این نقاط تصمیم گیری را در تایم فریم های پایین حتی ۱ دقیقه هم همچون آقای IF پیدا کرد یا اینکه شما میتوانید نواحی S/D را در تایم فریم های بالاتر معامله کنید . این موضوع در تایم TIME FRAME ها کاربرد دارد تایم فریم های پایین تر تنها سریعتر هستند و نویز های حرکتی بیشتری دارند .



از دیدگاه آقای **BENHUR** نحوه ی کشیدن باکس ها بسیار مهم است و میتوان دقیق تر در آنها عمل نمود :

اگر شما باکس ها را از قیمت واقعی تصمیم گیری به آخرین قیمت رسم کنید موضوع دقیق تر میشود . برای مثال فرض کنیم شما میخواهید RBD رسم کنید . پایین ترین قیمت BOX شما باید جایی باشد که آخرین سفارشات خرید قبل از DROP پر شده اند (قیمت واقعی تصمیم گیری) و قیمت بالای BOX جایی خواهد بود که فروشندگان بازگشته اند و قیمت را بر اساس PA پایین آورده اند .



مثالی دیگر و توضیحاتی را در این رابطه با هم میخوانیم :



در شکل بالا در سمت چپ تصویر یک DBD مشاهده می شود در آینده تصویر یعنی سمت راست آن پس از TEST بیس آن دوباره شاهد عکس العمل به DBD هستیم و یک DROP اتفاق افتاده است .

اینکه چه تعداد کندل در BASE میتواند جای بگیرد اهمیتی ندارد آنچه مهم است تعیین یک محدوده درست است برای خروج یک کندل با نقدینگی شدید و انفجاری از آن سطح ، در واقع ما در BASE ها به دنبال تشکیل POLE هایی هستیم .

در اینجا با هم سخنانی از آقای IF را در این رابطه میخوانیم :

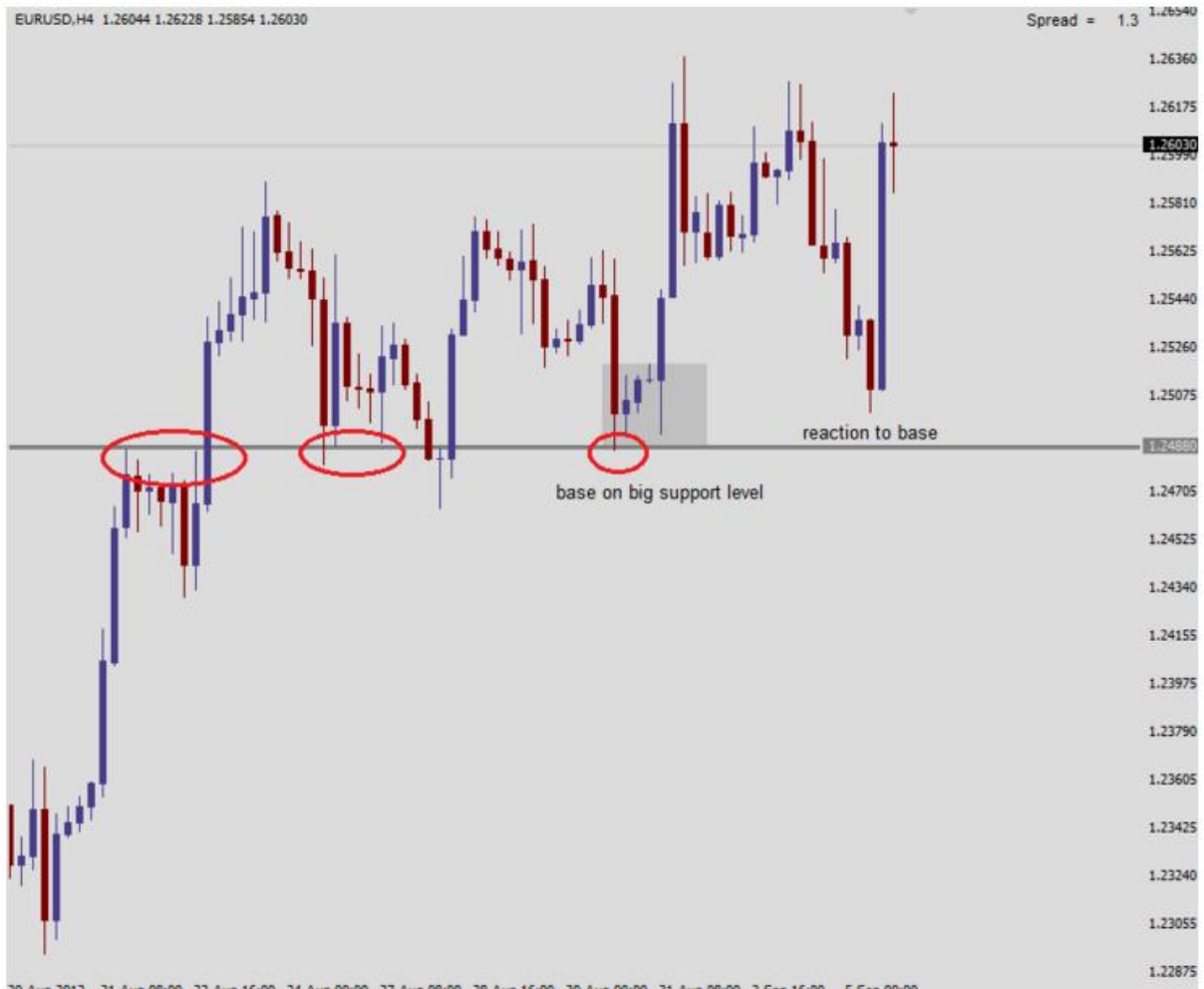
تمامی DBR , RBD ها ارزش و اهمیت و اعتبار مخصوص به خود را دارند . و تقریباً همه ی آنها قابل ترید هستند . هرکدام از آنها را که پیدا کردید به تایم فریم بالاتر مراجعه کنید و ببینید تاریخچه این نقطه تصمیم گیری از چه اهمیتی برخوردار است .

شاید این تنها یک عدم توانیابی در بازگشت به یک منطقه ی PA(PAZ) باشد . این نمونه بسیار ویژه است .

شاید در این منطقه فشرده سازی در تایم فریم های بالاتر در سمت چپ قرار گرفته باشد .

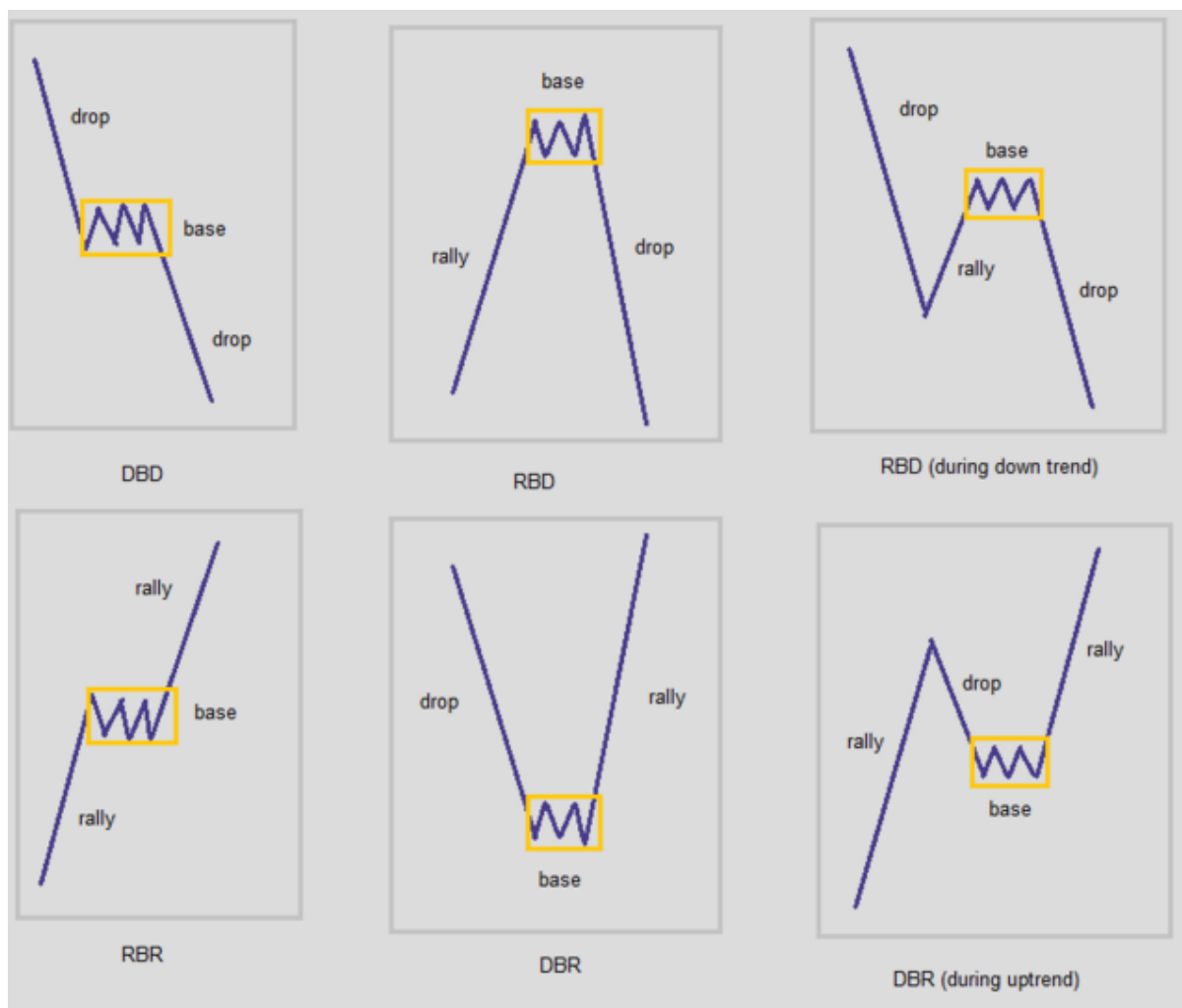
از خود بپرسید که آیا شما این معامله را انجام میدید یا صبر می کنید که قیمت به لبه ی منطقه برسد .

تصویر بزرگتر همواره به شما کمک میکند تا در اهمیت DBR , RBD تصمیم گیری نمایید .



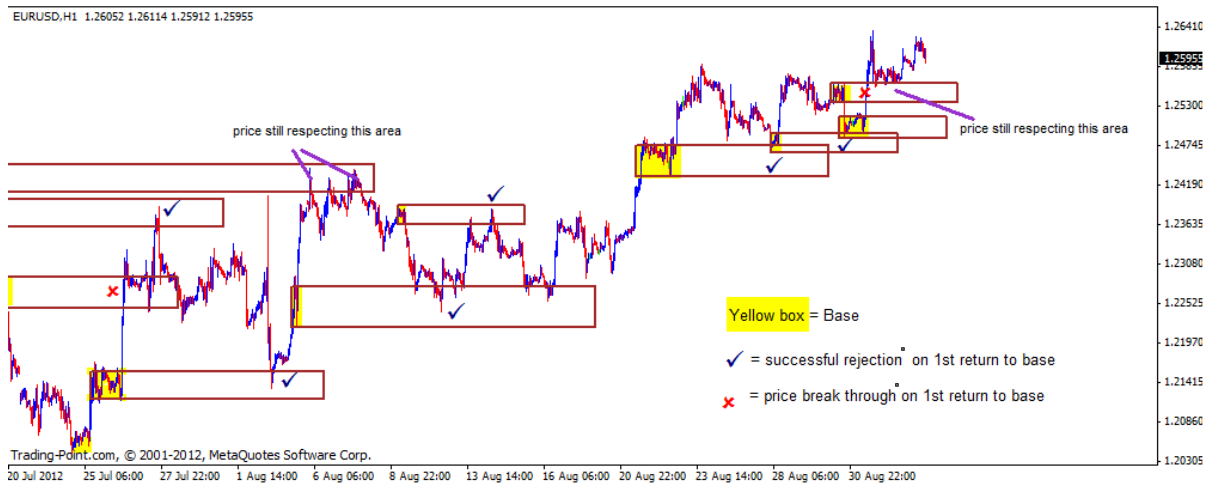
آقای TYOON از نخبگان در ارتباط با تصویر بالا میگویند :

آنچه که به نمایش گذاشته شده یک ناحیه تقاضای بر روی هم انباشته شده است . بیس حرکت بر روی سطح SUPPORT تشکیل شده است و بازگشت بعدی یک عکس العمل به سطح می باشد . و چند تصویر دیگر از ایشان را در صفحه بعد مشاهده می کنیم :

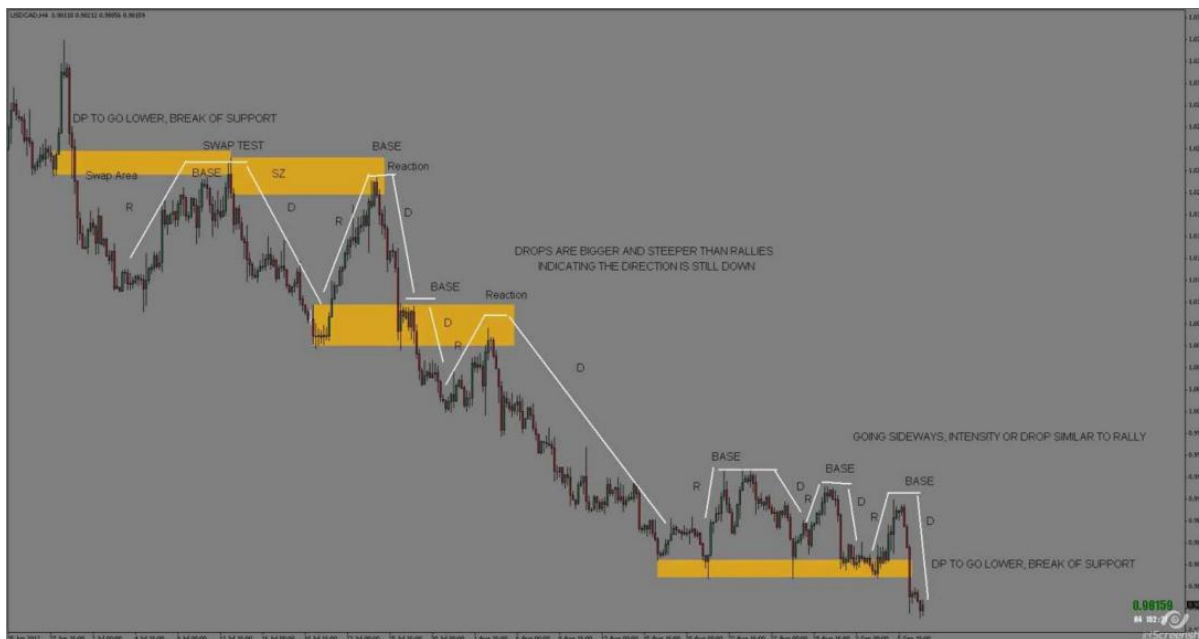


IF در ارتباط با تصاویر آقای TYOON می نویسد :

دو چارت سمت راست تصویر در تایم فریم بالاتر اغلب میتوانند همانند دو چارت سمت چپ به نظر برسند . این گونه نگاه کردن بهای بیشتری به چارت شما خواهد داد و با ارزش تر است و پیدا کردن اینکه کدام یک تمایل بیشتری به عملکرد بهتر در بازگشت قیمت را دارد .
 DROP/CONSOLIDATION/DROPS یا DROP/RBD/DROP و به همین منوال برای RALIIES .



در تصاویر بالا میبینیم که BASE هایی که در بازگشت به آنها واکنش درست نشان داده شده است آن بیس ها خود تشکیل یک نوع FLIP داده اند . از طرفی دیگر در نواحی که شفاف نیست و اصطلاحاً به صورت MESSY ZONES شناخته می شوند میتوان با مراجعه به تایم فریم های پایین تر و کشیدن برخی خطوط شگفت زده شد .

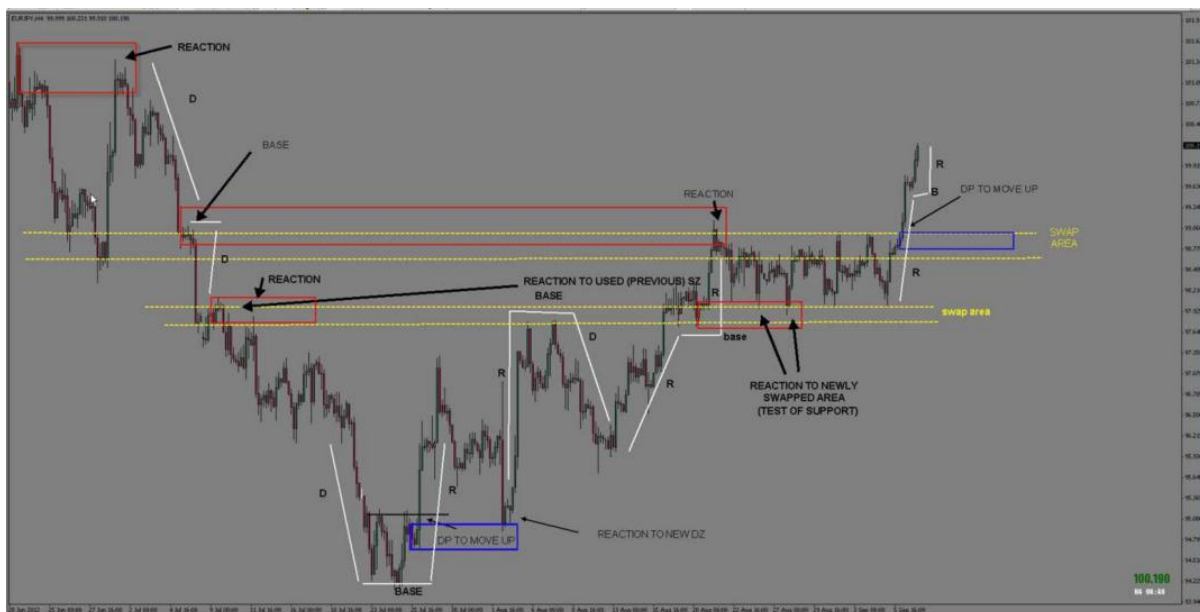


نظر خانوم MEL را با هم میخوانیم :



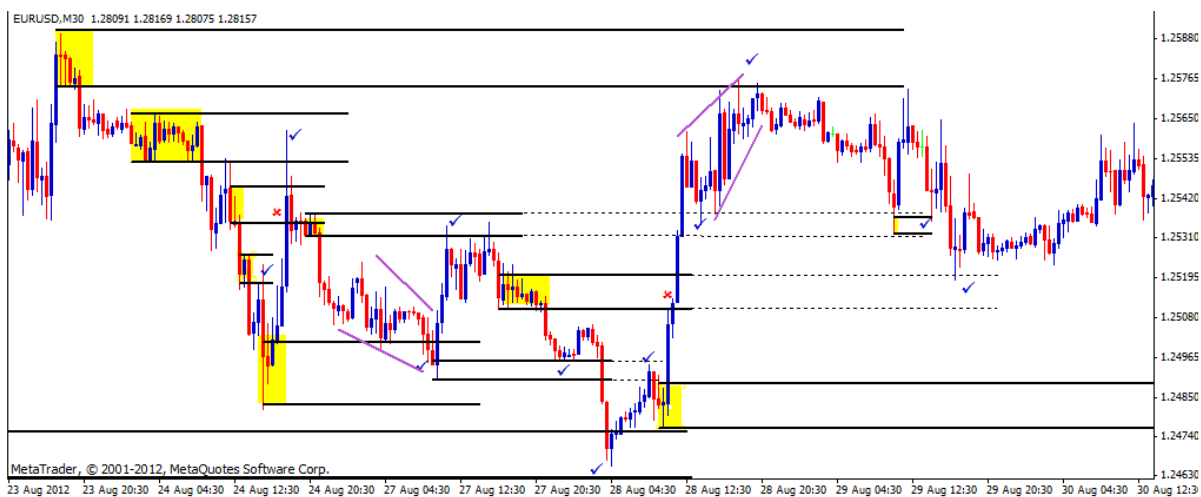
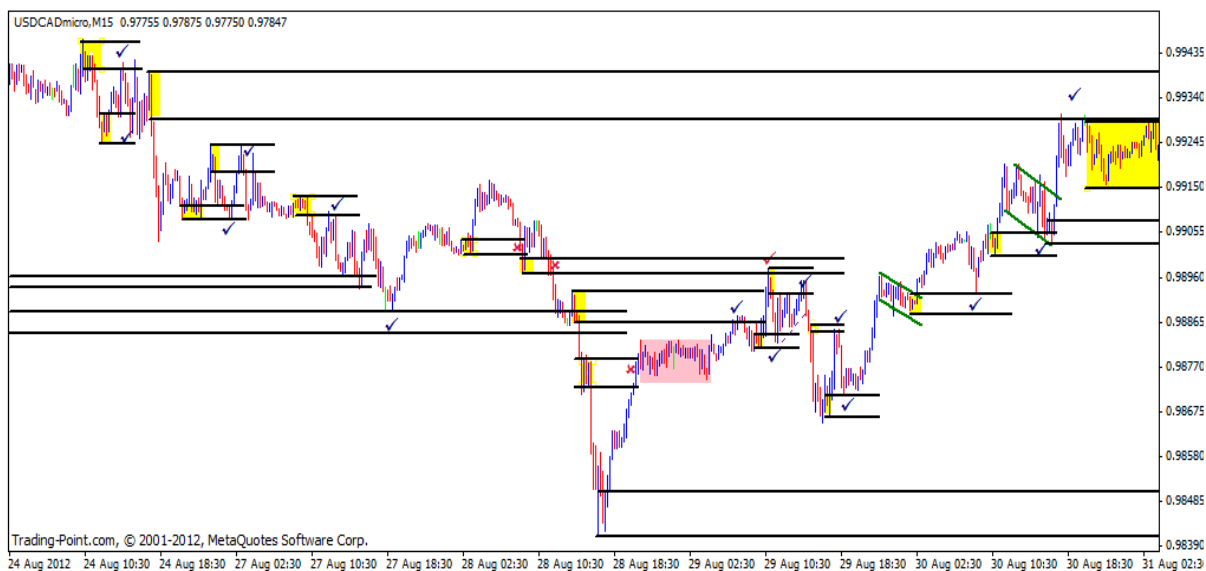
خانوم MEL در ارتباط با واکنش ها به BASE در موارد RBD, DBR, موارد می گویند :

اگر بیس حرکتی ما یک ناحیه FRESH نباشد انتظار واکنش درست و حسابی نباید داشت چراکه بسیاری از سفارشات در بازگشت های سابق مصرف شده اند لذا در آنجایی که واکنشی صورت نمیگیرد و به سادگی یک BASE نادیده گرفته می شود در آینده یک سطح مبادله ای (SWAP LEVEL) تشکیل می شود چراکه بسیاری دیگر سفارش منتظر رسیدن به سطح نادیده گرفته شده هستند. از این جهت نواحی FRESH قابلیت بیشتری در نگهداری و واکنش به قیمت را دارا هستند. (تصویر بالا را مشاهده کنید).



بنابر این از دید مترجم یکی از مباحث مهم در این قسمت واکنش به بیس و نادیده گرفتن بیس های حرکتی هست . که این موضوع را میتوان بر اساس گذشته ی چارت و اینکه در گذشته آیا این سطح به اندازه کافی مصرف شده است و مورد استفاده قرار گرفته یا خیر . از طرفی دیگر بیس هایی که تشکیل یک تاحیه FLIP و SWAP را میدهند و میتوان انتظار واکنش در آنها را داشت و تارگت های ما بیس های دیگر تازه ای که سر راه ما قرار دارند . در این میان استفاده از ساختار های PA در تایم فریم های پایین تر نظیر دقیقه توصیه میشود. در نظر گرفتن SWAP AREA نیز میتواند در تشخیص REACTION به بیس (REJECTION قیمت) کمک کننده باشد .







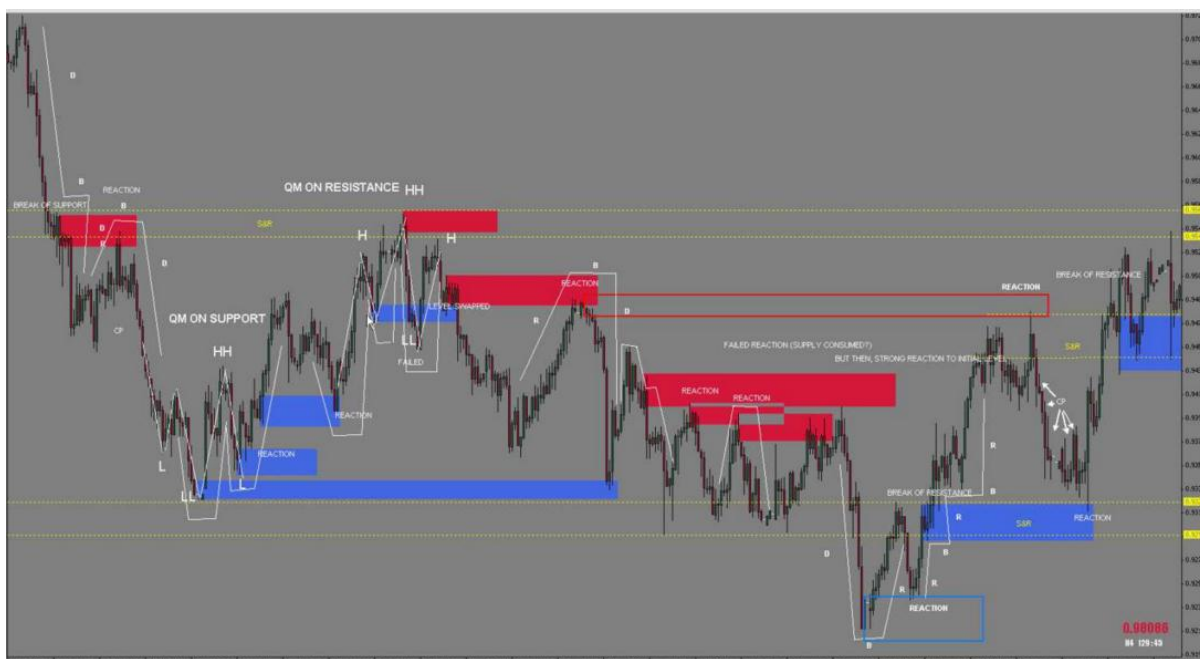


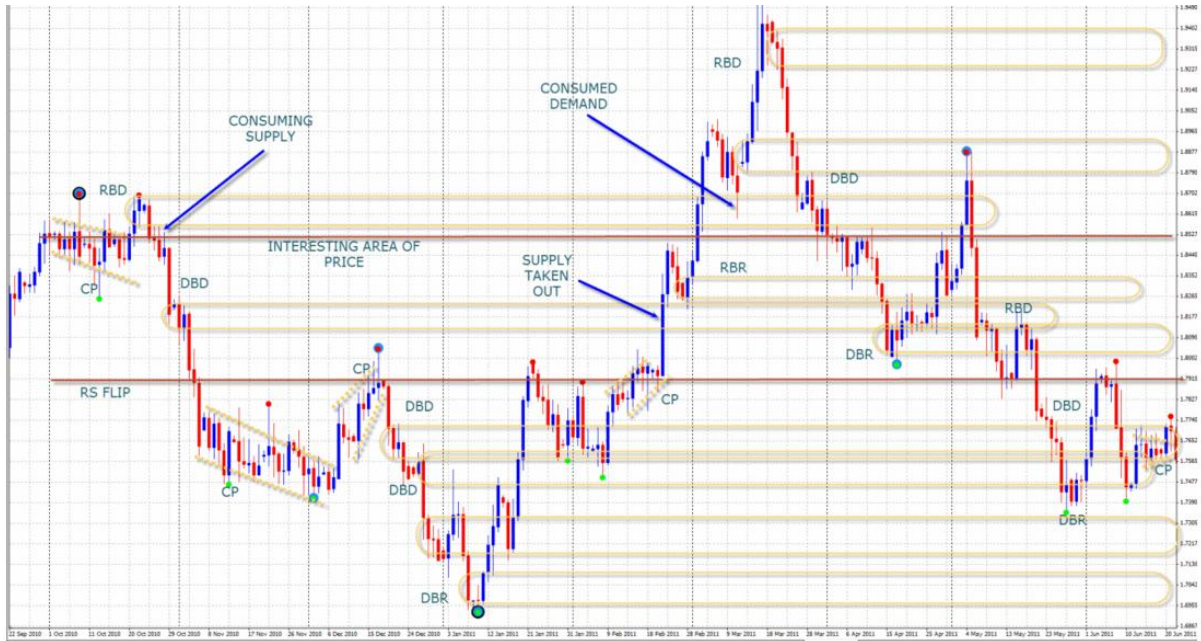
در ارتباط با تصویر بالا مترجم نکات زیر را اضافه میکند :

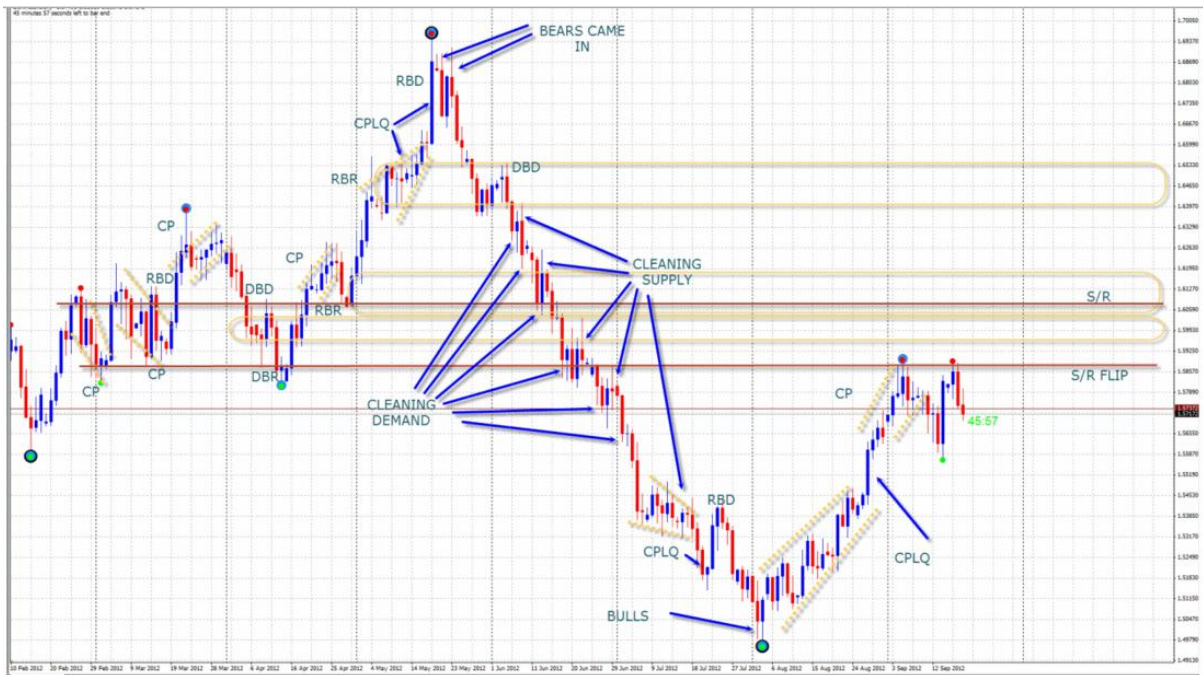
آنچه در این تصویر مشهود است نواحی تصمیم گیری که همان BASE پترن های DBR, RBD, RBR, DBD می باشد . این بیس حرکت زمانی که IGNORE می شود و مورد توجه و احترام قرار نمی گیرند در آینده یک سطح SWAP و مبادله ای و FLIP یعنی چرخشی را برای ما خواهد ساخت . لذا بار دیگر تا تمام شدن تمامی سفارشات خرید و فروش به این نواحی واکنش داده می شود .

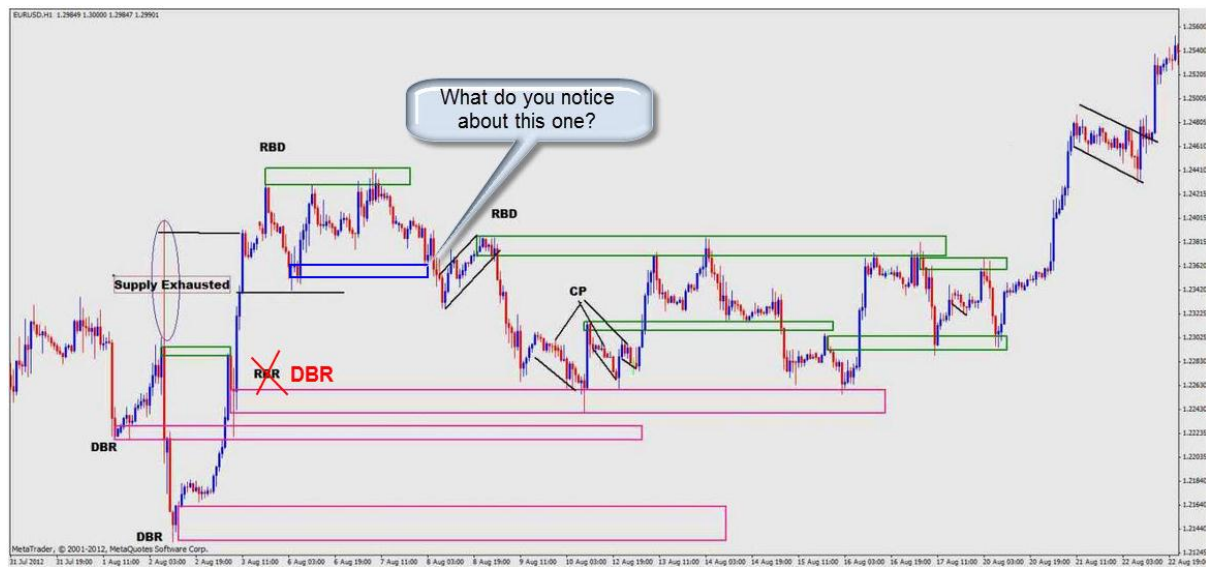
به گفته ی آقای IF انواعی از این ساختارها که به چشم نمی آیند را برای خود مشخص کنید اینکار برای زمانیکه قیمت در حوالی آنها می باشد بسیار مفید خواهد بود .

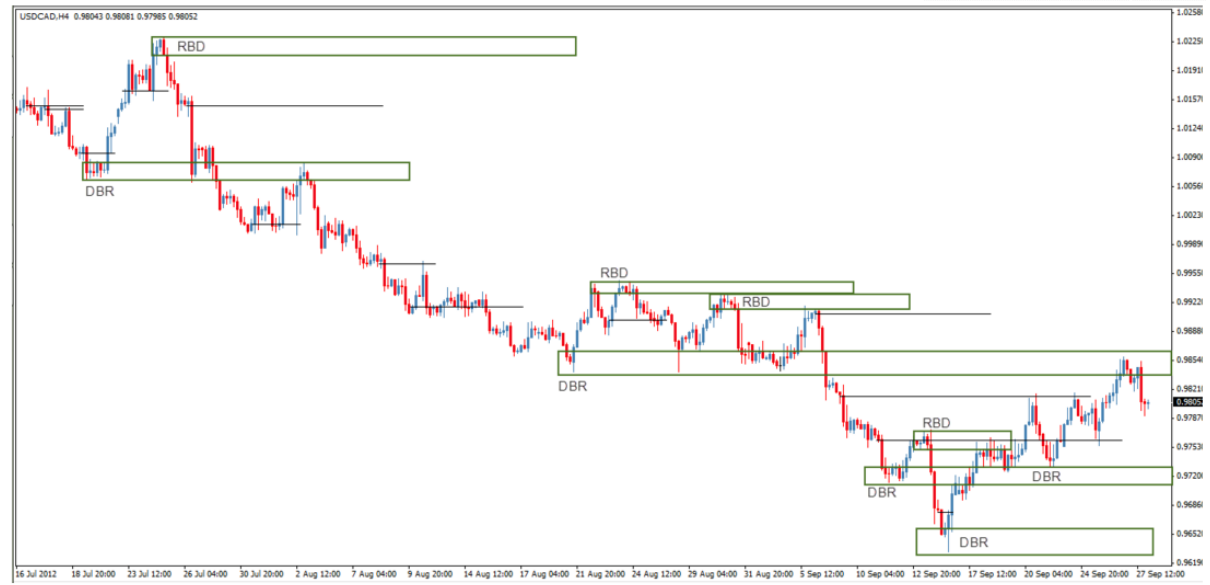
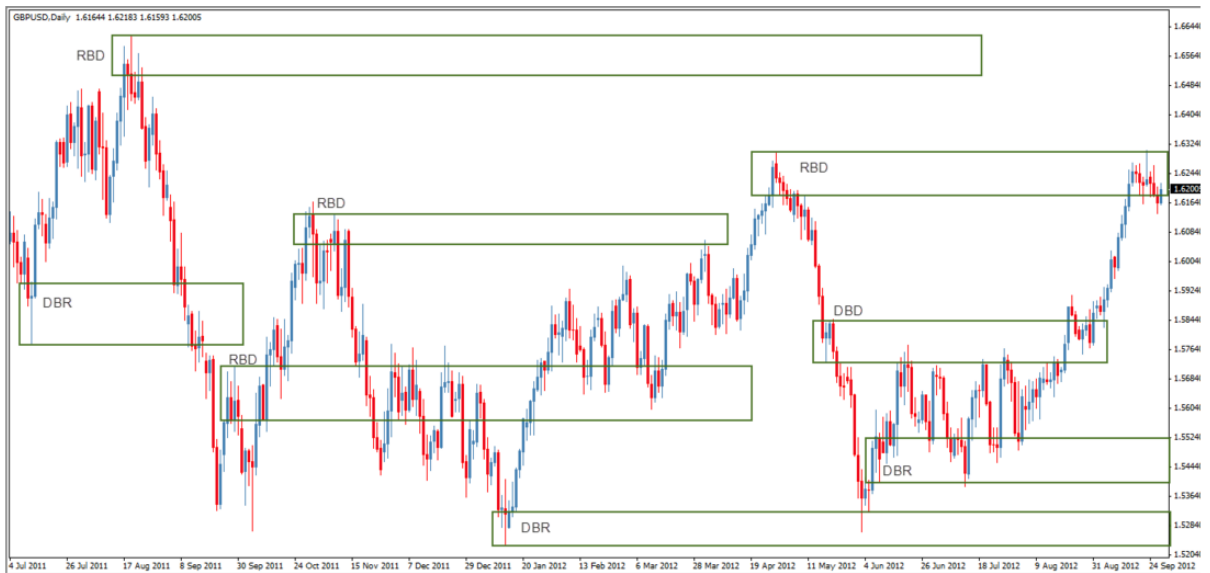
جزئیات بیشتری از تصویر بالا را با یکدیگر مبینیم :



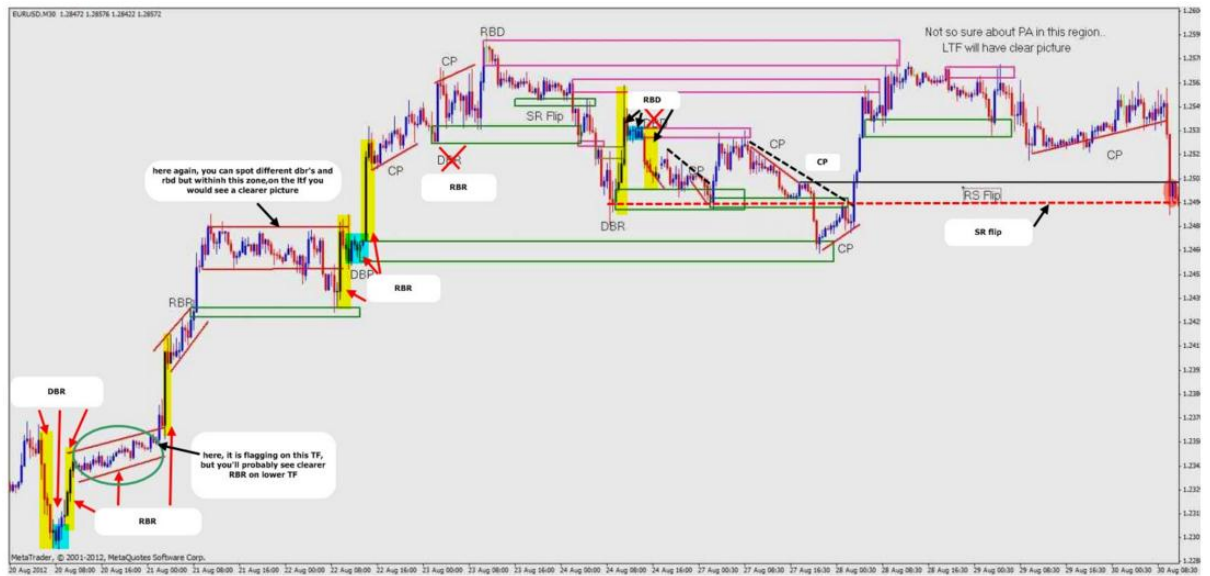


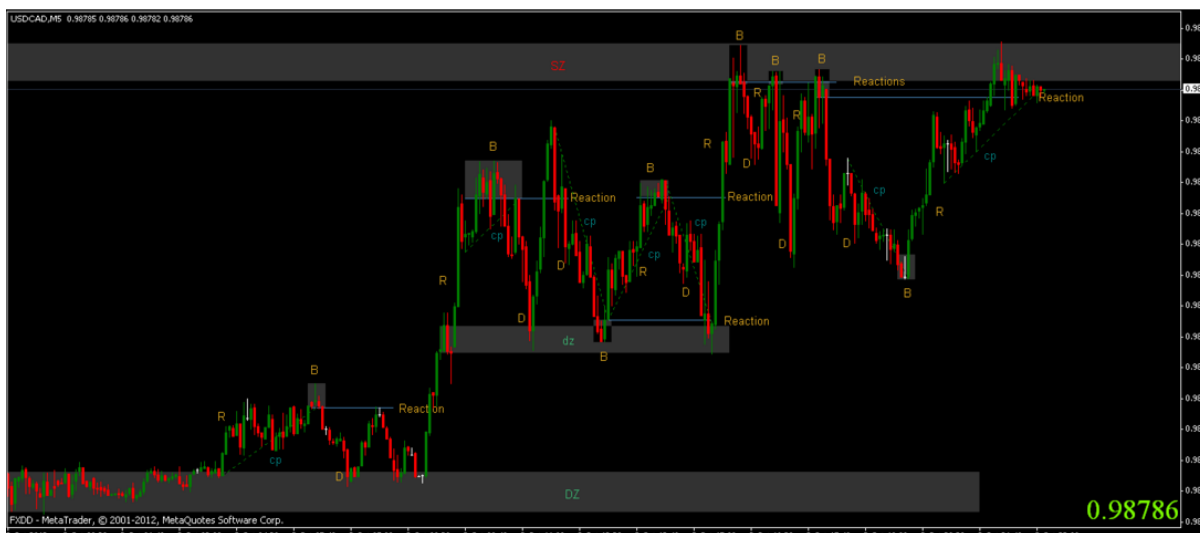


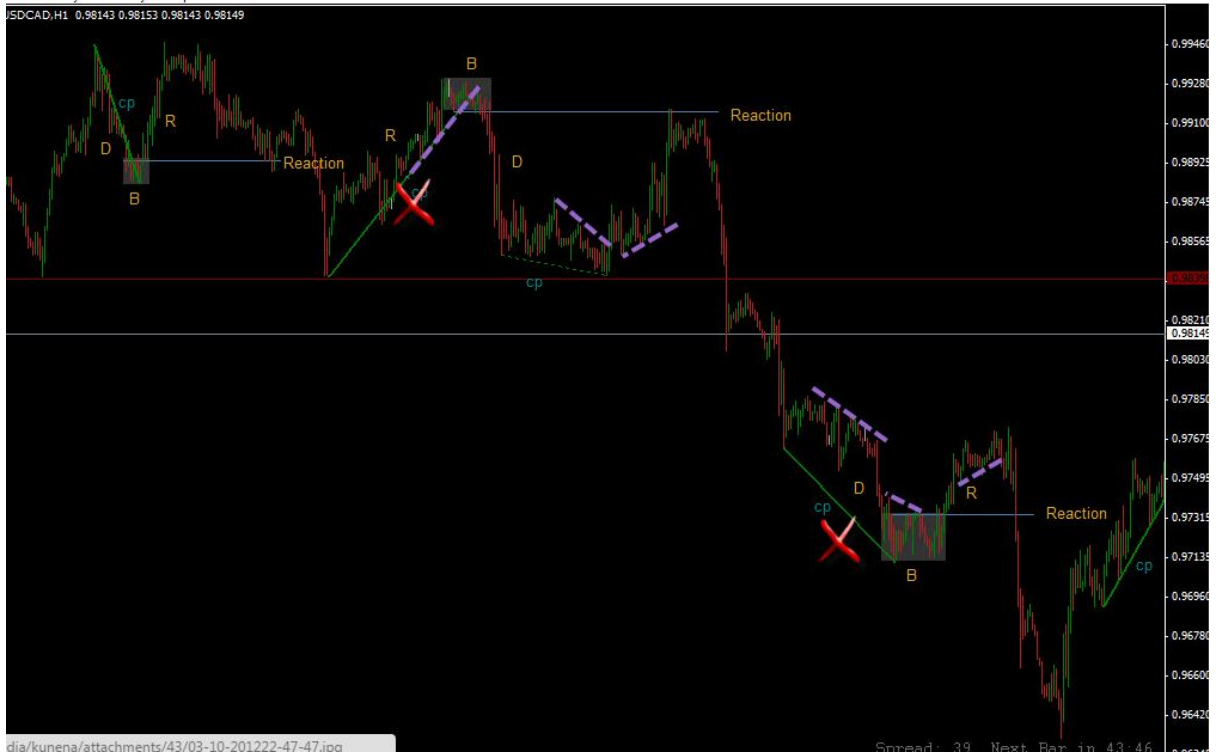




خانوم MEL در ارتباط با تصویر زیر نکات تکمیلی را ارائه میدهد :





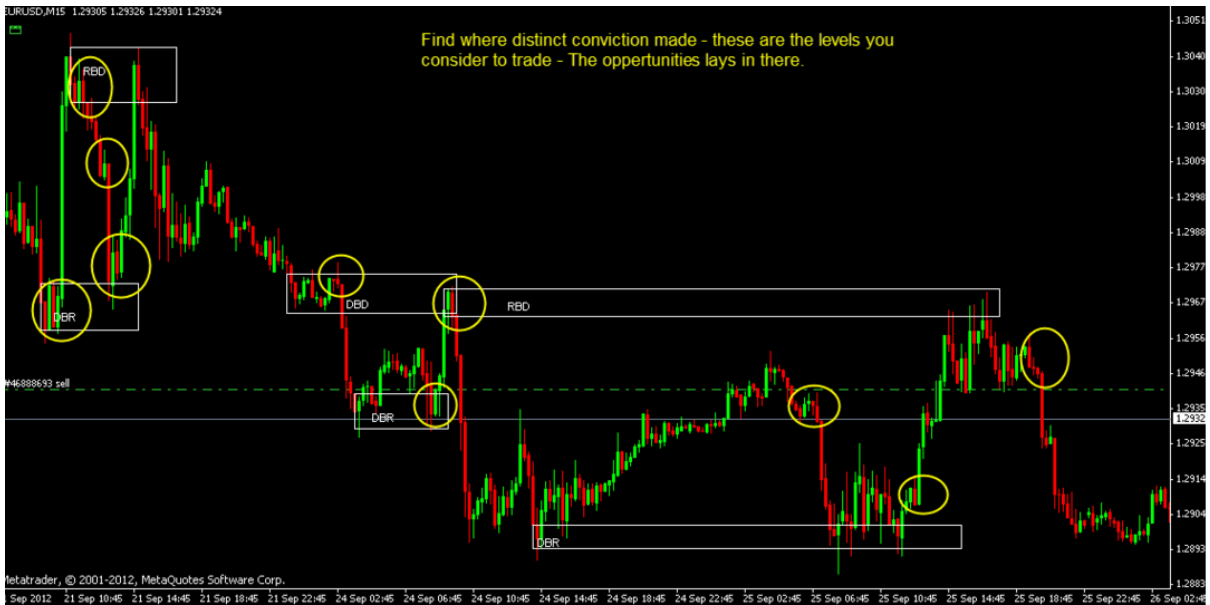


و نظر آقای HARRY در مورد تصاویر بالا :

بسیاری از مردم CONSUMTION را به جای CP در نظر میگیرند و رسم میکنند . من فکر میکنم نوعی گیجی در جایی وجود داشته است . در نواحی مانند wedge ها که شما نمیدانید قیمت کجا می رود مشکلی نیست اما در باقی مانده ...



و نظر آقای Benhur را میبینیم :





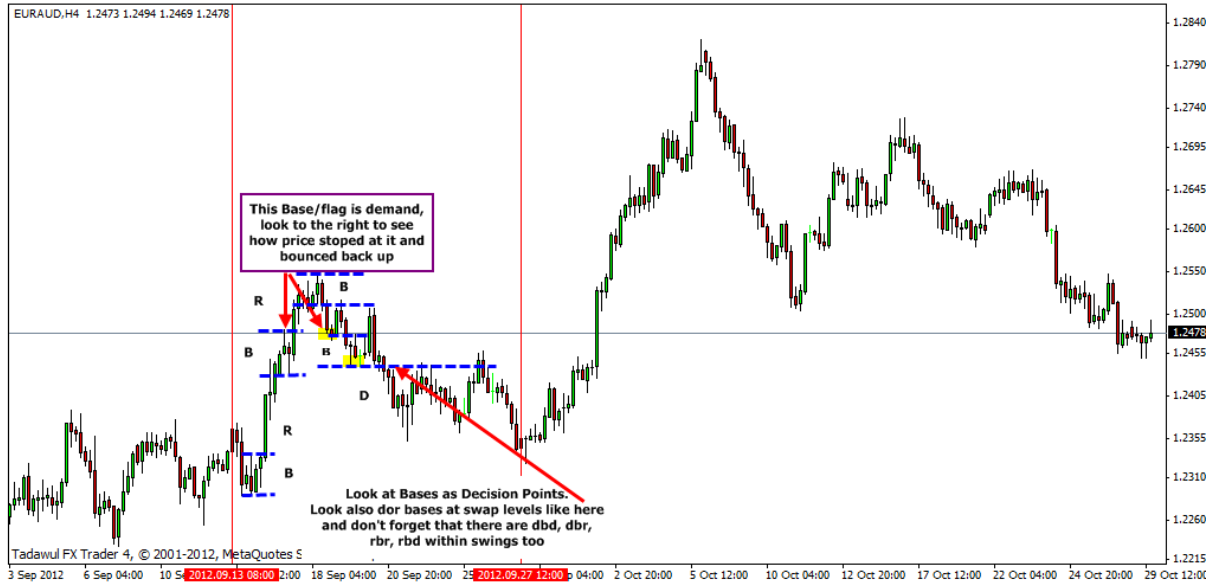
در ارتباط با نواحی DYNAMIC ZONES آقای BENHUR تصویری را ارائه کرده اند : خطوط زرد رنگ از ایشان است .



نواحی عرضه و تقاضایی (RBD, DBR, ...) که در اعداد رند هستند مورد توجه قرار گیرند چراکه در این نواحی انتظار داشتن واکنش بسیار زیاد است چراکه از نظر روانشناسی قیمت این نقاط برای معامله گران بسیار حائز اهمیت است. به شما پیشنهاد میکنم که مطالب آقای Emene را مطالعه نمایید که در ادامه بحث در قسمت مربوطه به آن میپردازیم .

دیدگاه Rufus در ارتباط با نواحی عرضه و تقاضا :

نواحی عرضه و تقاضا برای من بسیار خوب به نظر می رسند . برای اینکه دید کدام یک شکسته می شوند و کدام یک واکنش هایی را قبول میکنند باید موضوعاتی را در نظر گرفت . این به شما نشانه های در مورد اینکه نواحی قوی چه پتانسیلی دارند قبل از اینکه قیمت به آنها بازگردد . برای من اینکه چگونه قیمت یک ناحیه را رد میکند مسئله ای است که در مورد آن ناحیه قضاوت کنم . موضوع دیگر این است که چه هنگام یک ناحیه تشکیل می شود و قیمت به آن باز میگردد . در کل وقتی یک ناحیه توسط تایم فریم هفتگی تشکیل می شود و شکسته می شود پس از هفته ها به آن باز میگردد .





در نواحی که یک flag base اینگلف می شود و می شکند آن ناحیه flag base را در آینده تحت عنوان ناحیه swap در نظر بگیرید . به عبارت دیگر به base/flagها تحت عنوان DP نگاه کنید و همچنین به آنها جزئی سطوحی که در آن در آینده مبادله صورت میگیرد بنگرید . و فراموش نکنید که در داخل سوینگ ها انواع dbr,rbd,rbr,dbd وجود دارند .



دیدگاه آقای Benhur در ارتباط با سطوح :

من نظریه جمع آوری احتمالات را دوست دارم. گمان میکنم این خوب ست که در هنگام معامله با بعضی تضمین ها معامله را انجام دهیم. به شما پیشنهاد میکنم از شمردن در حال حاضر دست بکشید. و تلاشتان را در جمع آوری و شناخت سطوح خوب به کار ببرید. زمانیکه شما به راحتی قادر به شناسایی نواحی خوب شدید پس از آن به احتمال زیاد شما در حین معامله اعتماد بنفس خواهید داشت. عقیده ی من این است که نواحی ممکن را برای خود مشخص کنید و سپس ببینید که قیمت چگونه عکس العمل نشان میدهد وقتی به این نواحی میرسد. برخی از سطوح که توسط قیمت نادیده گرفته می شوند دارای علائم قبلی هستند. من به شما پیشنهاد میکنم که دنبال DBR/RBD بگردید چراکه این سطوح قوی تر هستند. میتوانید نواحی قوی را با دو ضابطه برای خود تشخیص دهید :

۱- نحوه ی و دور شدن از آن سطح به چه قدرتی است؟؟؟ هر چقدر دور شدن از آن سطح قدرتمند تر باشد در راه بازگشت آن سطح قوی تر خواهد بود. چرا؟؟؟

ما اینگونه در نظر میگیریم که در آن ناحیه تصمیم گیری پس از اینکه در میان خریداران و فروشندگان عدم تعادل صورت گرفته تعداد بسیار زیادی سفارش در آن ناحیه قرار داده شده است که در راه بازگشت پر شوند.

۲- چه مدت زمانی طول کشیده که قیمت در یک ناحیه باقی بماند قبل از اینکه عدم تعادل در میان خریداران و فروشندگان اتفاق بیفتد. هرچقدر این زمان کمتر باشد بهتر است. چرا؟؟؟

هرچه زمان بیشتری به خریدار و فروشنده برای مشاجره بر سر قیمت داده شود، بیشتر سفارشات بسته می شوند. هرچه زمان کمتری برای مشاجره وجود داشته باشد ما فرض را بر این میگذاریم که تعداد سفارشات بیشتری در آن ناحیه وجود دارند که پر نشده است.

U = untested on this screen >> FRESH

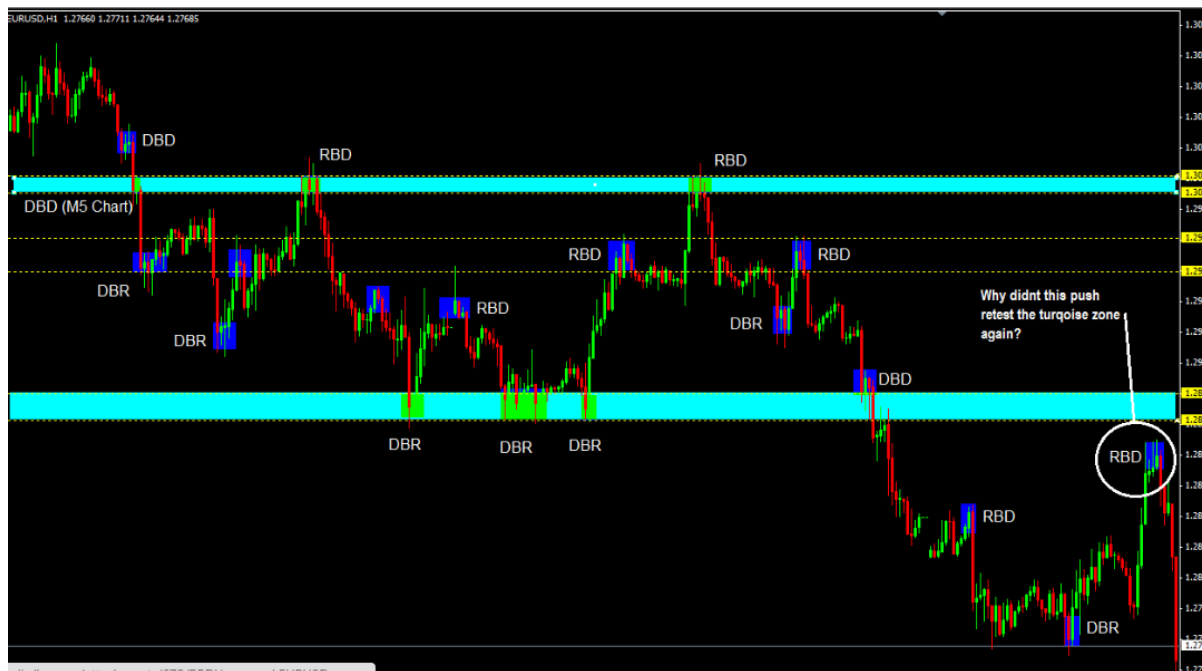
R = reaction (normally first) >> TOUCHED

B/E = breakeven, i.e. price reacts, but then goes through the level (decision point) often time you may be able to move you're the original stop loss to breakeven >> SWAP >> although I like the idea of this one...

Ig = ignored (at first) >> SWAP



در ارتباط با RBR/DBD می توان گفت که در DP ها اتفاق می افتند بدین معنی که سطوح مبادله ای را برای ما میسازند که از قبل تصمیم به شکست آن گرفته شده است توسط R یا D.



در پاسخ به این سوال که چرا قیمت در اصلاح خود به ناحیه فیروزه ای نرسیده است و DROP شده یک دستیار IF می گوید : در پایین خط فیروزه ای که بریک شده است سفارشات فروش پس از اصلاح کوچک خود پر شده اند لذا پس از آن DROP که L خود را شکسته قیمت تا ناحیه DROP قبلی باز گشته است . به این نواحی نواحی DP می گویند .

از دیدگاه آقای Madwt که یکی از تریدر های عادی می باشد ، زمانیکه قیمت در بالای یک ناحیه Demand دسته ای از کندل ها را می بینید (cluster) این نشانه ای است که آن سطح شکسته و نقض خواهد شد . وقتیکه که قیمت تشکیل یک cluster در زیر ناحیه supply می دهد این نشانه ای است که آن سطح نقض خواهد شد . وقتی که این اتفاق می افتد معمولا Base یک RBR یا DBD صورت گرفته است . احتمالا این موضوع بهترین نشانه برای اینکه یک ناحیه نقض می شود می باشد .

از طرفی دیگر زمانیکه یک Demand نقض می شود و ما دقیقا در زیر ناحیه Demand یک Base داریم در این حالت این نقض شدن و شکسته شدن ناحیه تقاضا ممکن است یک False Breakout باشد و قیمت ممکن است برگردد و و به بالا بپرد و فروشندگان را در تله قرار دهد . در صورتیکه یک ناحیه Supply نقض شده و شکسته شود و قیمت درست بالای این ناحیه تشکیل یک Base دهد در این حالت ممکن است قیمت به پایین بازگردد و تله ای برای خریداران ایجاد کرده باشد .

این دو مطلب همواره اتفاق نمی افتند لذا در جاهایی که بریک رخ میدهد بهتر است ناحیه Clear روشن و واضح وجود داشته باشد برای ادامه حرکت .



خانوم MEL در ارتباط با توضیحات بالا میگوید :

من از شما میخواهم که تفاوت بین نواحی واقعا FRESH و نواحی که تست شده اند را بدانید .





زمانیکه من از لفظ FRESH استفاده میکنم یعنی نواحی تاچ نشده ی عرضه و تقاضای تازه





یک منطقه تازه و Fresh از یک منطقه قدیمی به نوعی دیگر ساخته می شود . در واقع یک ناحیه Demand قدیمی میتواند به یک ناحیه Fresh Supply تبدیل شود زمانیکه قیمت یک FLIP ZONE را می سازد .

در شکل بالا زمانیکه قیمت نقطه ۱ را میشکند تمام سفارشات فروش پاک می شوند و سفارشات خرید در آن ناحیه قرار میگیرند . ما نمیدانیم قدرت این سطح به چه صورت است تا زمانیکه قیمت با آن باز میگردد و نحوه ی بازگشت به بالای آن سره نخ هایی را به ما میدهد . در Retest اولیه این ناحیه پس از تعداد کمی کندل می بینیم که تعداد زیادی Demand در این ناحیه وجود داشته است . در نقطه ۲ قیمت دوباره به این ناحیه باز میگردد اکنون این ناحیه یک ناحیه تقاضای قدیمی در نظر گرفته میشود اما همچنان میتواند قیمت را سرپا نگه دارد و به بالاتر هدایت کند . این را از نحوه ی بازگشت اولیه می فهمیم . در شماره ۳ واکنش های ناچیزی به بالا دیده میشود که ناشی از مصرف تعداد باقیمانده سفارشات خرید میباشد . بنابراین DEMAND به طور کامل مصرف شده و قیمت کاهش یافته و تشکیل یک ناحیه عرضه جدید در آن سطح را داده است . قیمت با قدرت کامل به زیر سطح ما میرسد بنابراین ما میتوانیم تخمین بزنیم که این یک ناحیه مناسب برای فروش در FTB می باشد . نقطه شماره ۴ اولین بازگشت قیمت به ناحیه عرضه جدید می باشد بنابراین یک منطقه خوب برای فروش است . این ناحیه اکنون به عنوان یک ناحیه عرضه قدیمی در نظر گرفته میشود . ما نمیدانیم آیا یک سطح قیمت را نگه میدارد یا چند بار میتواند قیمت را نگه دارد لذا به دنبال سر نخ های جهت فهمیدن این موضوع هستیم .

توضیحات خانوم MEL در این رابطه را با هم میخوانیم :

آفرین OUTAPIPS

این همان چیزی بود که من از تو میخواستم که مشاهده کنی . به خاطر بسیار آنچه ما میخواهیم یک BASE و بریک این BASE می باشد RBR/DBD را به عنوان مثال بپذیر . به خاطر دارم اولین باری که من در مورد نواحی عرضه و تقاضا میخواندم همه در مورد نواحی Fresh صحبت میکردند . بنابراین من به چارت مراجعه کرد و سعی کردم که این نواحی را برای خودم مشخص کنم . هر بار که یک ناحیه را در نظر میگیرم میدیدم که این تنها یک واکنش به ناحیه قبلی می باشد در این شرایط مغزم درد میگیرد . اما بعدا نواحی عرضه و تقاضای شکسته شده و اینگلف شده را دیدم که نواحی SWAP یا مبادله ای نامیده می شدند . پس از اون فهمیدم که یک ناحیه عرضه تنها زمانی Fresh Supply است که تقاضا کاملا پاک شود و همچنین برعکس یک ناحیه تقاضا تنها زمانی Fresh Demand است که عرضه کاملا پاک گردد . اینگونه به موضوع نگاه کن .

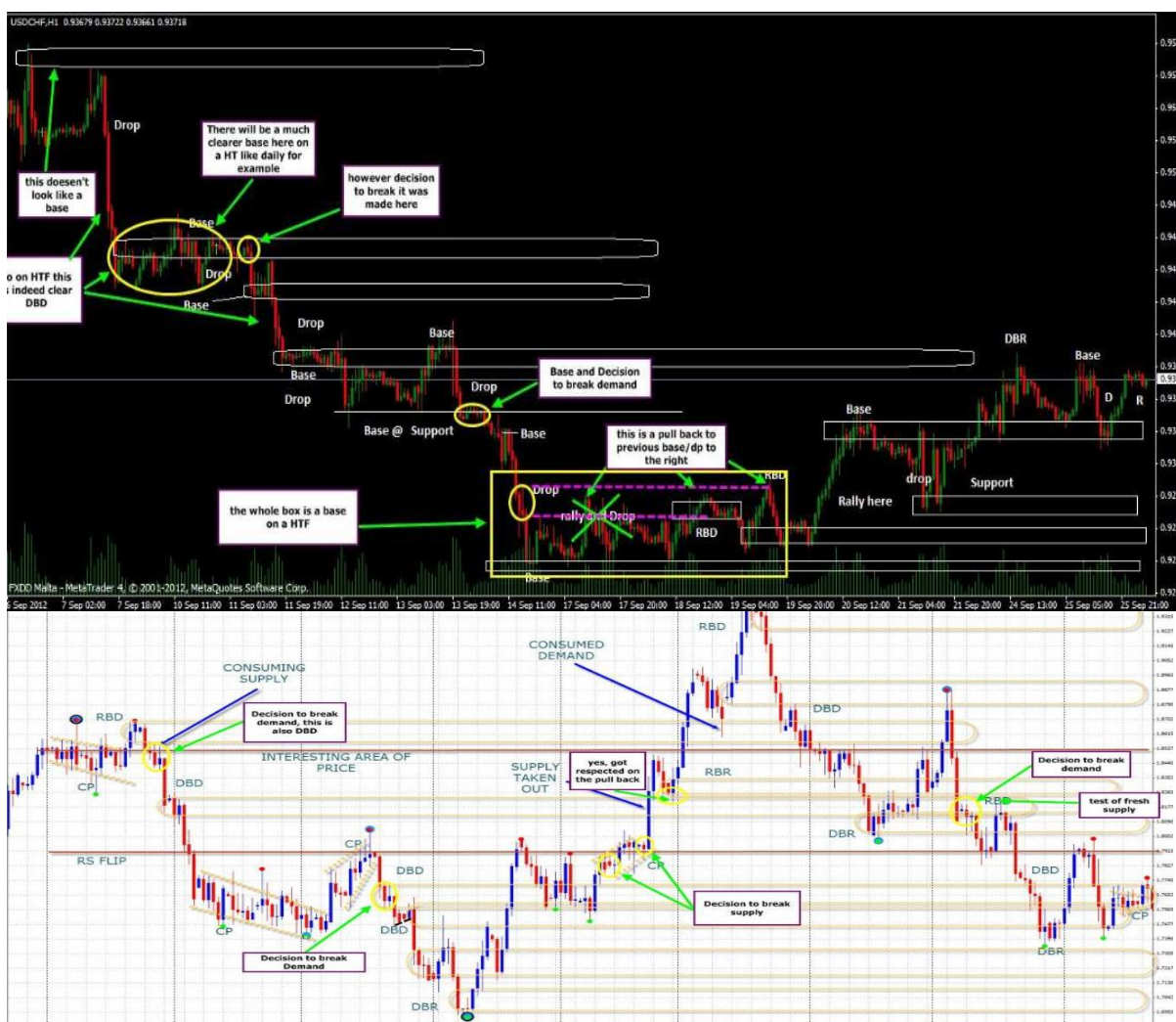
یک **SUPPLY ZONE** وجود دارد و یک تصمیم گیری برای شکستن این ناحیه هم گرفته شده است بنابراین **Supply** تمام شده و کارش را انجام داده است و تنها **Demand** در اینجا قرار داده می شود. بنابراین اکنون ما یک ناحیه **Fresh Demand** داریم تا زمانیکه تست نشده است.

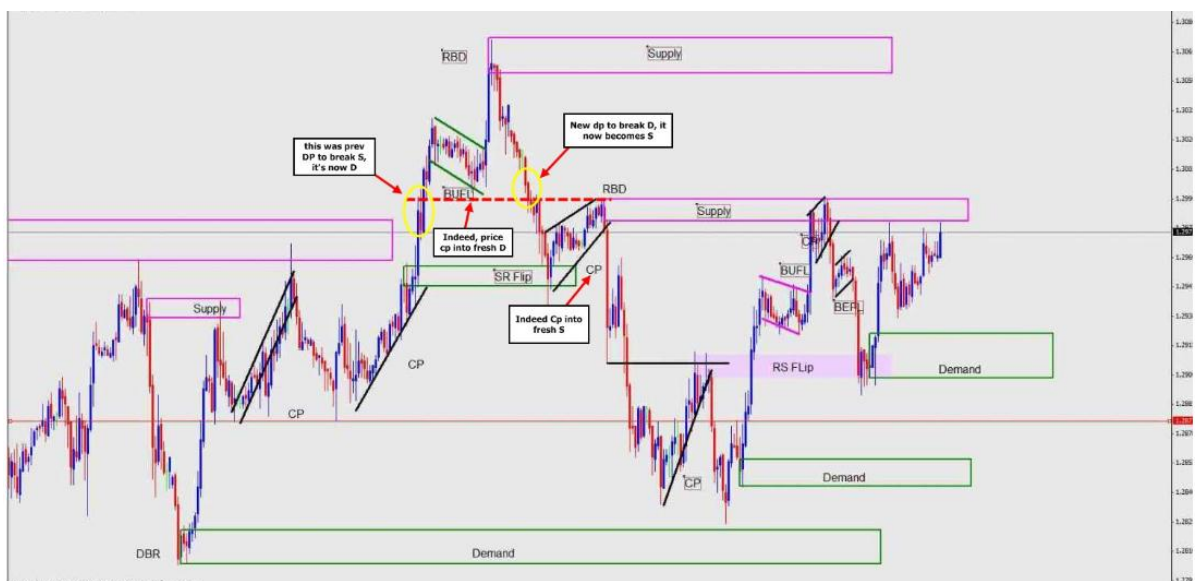
امیدوارم قابل فهم توضیح داده باشم.

آقای **IF** می گویند:

موضوع این نیست که هر آنچه را در چارت مشخص کرده ایم قابل معامله باشد موضوع این است که ما در آن نواحی به دنبال **PA** هستیم.

مثالی دیگر و توضیحات خانوم **MEL** در آن:



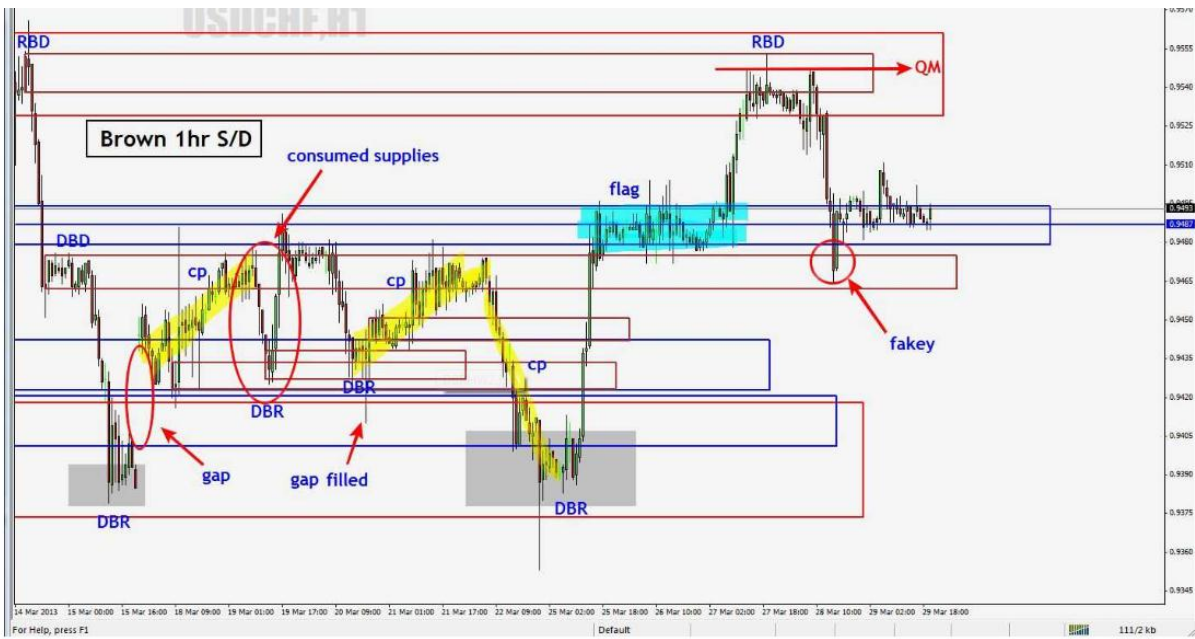


در تصویر بالا میبینیم که پس از اینکه قیمت تصمیم به شکستن یک ناحیه عرضه یا تقاضا میگیرد نحوه ی بازگشت به آن ناحیه میتواند بسیار به ما اعتماد به نفس بخشد که آن ناحیه میتوان به یک ناحیه Fresh برای معامله تبدیل شود. لذا CP بودن نحوه ی بازگشت بسیار بهتر است.

آقای Fxfury میگوید :

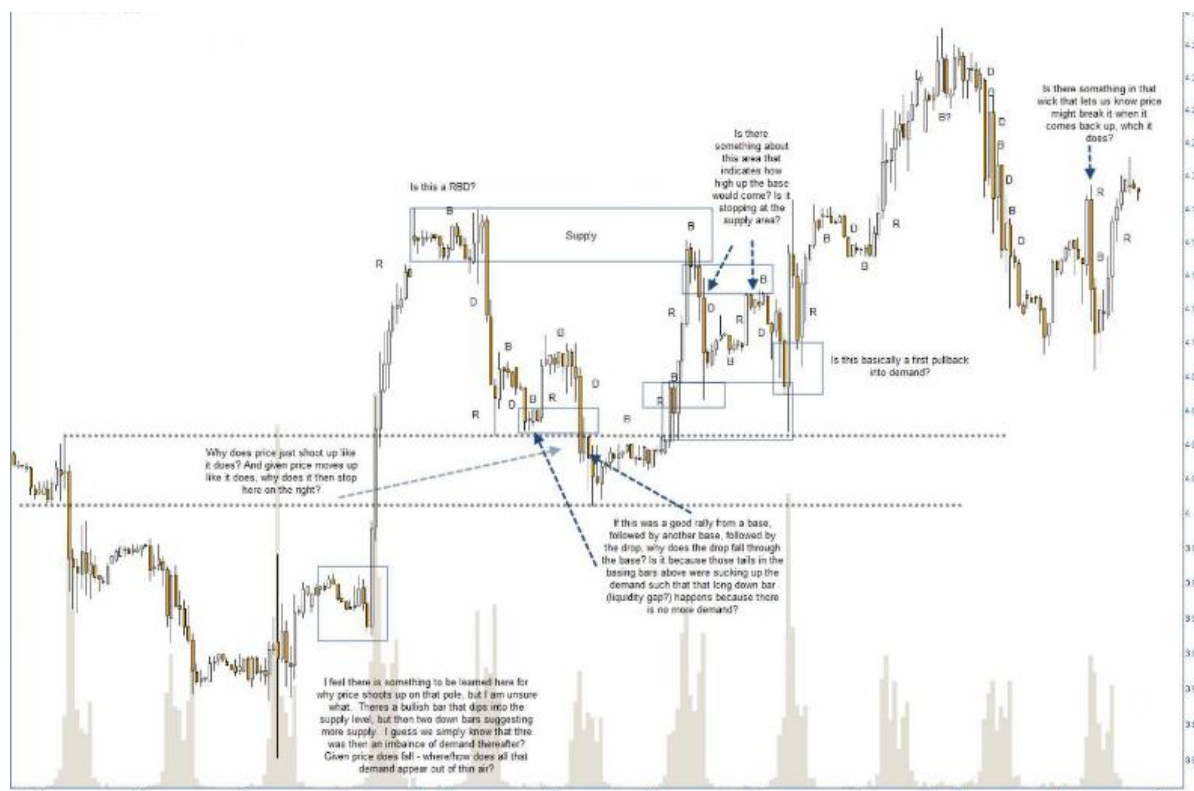
در صورتی که شما DBR/RBD را با نواحی تصمیم گیری فشرده CP ترکیب کنید من مطمئنم که شما به ارتباط متقابل با مارکت خواهی رسید. به گفته ی آقای IF بریک هایی که ناپایدار هستند در بازگشت به CAP میتوانند معاملات خوبی را رقم بزنند.





از آقای IF سوال می شود که چگونه برخی DBR ها در تایم فریم ما نیستند اما در آینده در نظر گرفته می شوند . در جواب ایشان میگوید :
 اگر به تایم فریم پایین تر نگاه بیندازید میبینید که برخی از بیس ها وجود دارند که در یک رفت تمامی سفارشات را پر نکرده اند و همچنان معامله
 گران در آن نقاط سفارشات را گذاشته اند .

در ادامه :



در ارتباط با سوالات بالا در مورد اساس حرکت قیمت آقای **Benhur** اینگونه پاسخ میدهد .

من میبینم که شما در گرفتن پاسخی برای پرایس اکشن بسیار جدی هستید. خب دلایل زیادی برای تغییر قیمت، ادامه قیمت، بازگشت آن وجود دارد همه اینها به اساس باز میگردد که بیانگر ارتباط میان خریداران و فروشندگان می باشد تا اونجایی که من میدانم موضوع عرضه و تقاضا هست. عرضه و تقاضا اصولی ترین توانایی هست که شما برای درک رفتار قیمت نیاز دارید. پیشنهاد من برای شما اینست که شما در ابتدا در مورد عرضه و تقاضا تحقیق نمایید.

نواحی که بیشترین وجوه و آشکاری را دارند رسم کنید و مشخص نمایید و سپس در مورد بازگشت قیمت به آن نواحی تحقیق کنید. مرحله بعدی خواندن چارت تنها گسترش مفاهمی عرضه و تقاضا هستند. بنابراین ابتدا تلاش کنید که نواحی عرضه و تقاضا را درست بخوانید و بشناسید.

آقای **Harry** در این رابطه توضیحاتی را ارائه میدهند :

همانطور که میدانید قیمت یک فراکتال است اتفاقی که در تایم روزانه یا ماهانه می افتد در تایم یک دقیقه هم در حال رخ دادن است. دلایلی وجود دارد که چرا یک سطح قیمت را نگه نمی دارد، گاهی برای دیده شدن در تایم فریم پایین تر وقتی یک سطح نادیده گرفته می شود چه اتفاقی می افتد در بازگشت به آن. در نهایت اگر بخواهم پیشنهادی بدهم زمانیکه قیمت تصمیم به شکستن چیزی میکند یک تصمیم گیری جدید صورت میگیرد (اینکه قیمت ارزان یا گران است) معمولا وقتی این ناحیه دوباره دیده میشود قیمت عکس العمل نشان میدهد چراکه تصمیم گیری اخیرا در آن سطح اتفاق افتاده است.

آقای **IF** در این رابطه میگویند:

یک چیز که من قبل از این بسیار به آن اشاره کرده ام این است که در یک تصویر بزرگ از ناحیه **Range** نواحی عرضه و تقاضا نزدیک لبه ها ممکن است به خوبی دیگر نواحی قیمت را نگه ندارند. معمولا **Fake out** ها رخ میدهند زیرا قیمت به محدوده **Range** جذب می شود.

شما آزادانه می‌توانید یک ناحیه مورد علاقه را در تایم فریم بالا تعریف کنید و به تایم فریم پایین تر بروید برای تصمیم گیری و تنگ تر نمودن آن .
 اولین بازگشت به سطوح Flip بهتر عمل میکند چراکه معامله گران سرشار از ترس و طمع هستند و سفارشات خود را بر اساس ترس و طمع قرار داده اند.





دیدگاه آقای Mettafort را در ارتباط با RBD/DBR به عنوان یک تریدر عادی میخوانیم :

از نگاه کردن به RBD/DBR ها دوری کنید :

۱- زمانی که قیمت از یک سطح خارج می شود مهم نیست چقدر سریع و زود بازگشت به آن سطح اتفاق بیافتد، آن سطح بیشترین احتمال معامله کردن را دارد زیرا احتمال وجود سفارشات پر نشده در آن سطح بیشتر است .

۲- زمانی که قیمت به سمت یک RBD دوباره RALLY می کند ناحیه عرضه ای که از DROP قبلی الگوی RBD تشکیل شده است باعث می شود که یک ناحیه عرضه جدید ایجاد شود که کمی پایینتر از SUPPLY است (اغلب به این صورت است) . این باعث می شود که ساختار LH در مارکت تشکیل شود . زیرا یک سطح جدید عرضه در زیر سطح قبلی بالاتر ایجاد شده است . در بند قرار دادن قیمت از دسترسی به سطوح بالاتر . به هر دو صورت این موضوع رخ میدهد و این رخداد همیشگی نیست تنها گاهی رخ خواهد داد .

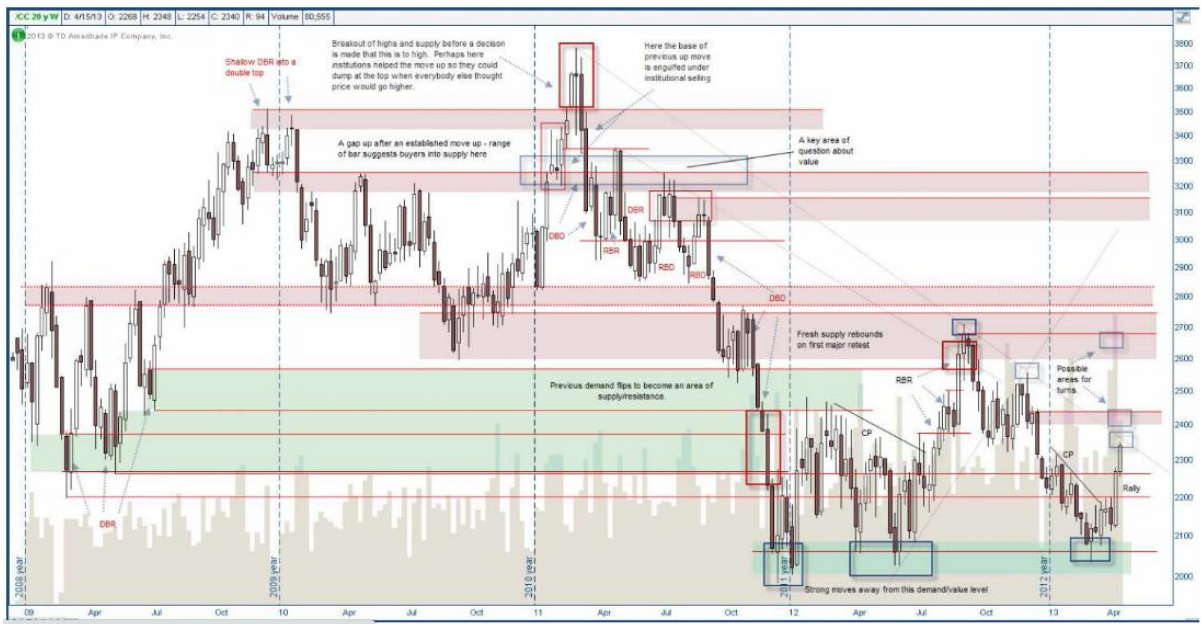
۳- قیمت برای من کامل و واضح است که همواره در حال حرکت به اطراف جهت یافتن انبوهی از سفارشات است و بسته به نوهی دور شدن پس از جذب این سفارشات ما میتوانیم بهتر دلیل بیاوریم که چه احتمالاتی در بازگشت و ملاقات دوباره قیمت و تست دوباره آن سطح وجود دارد .

۴- شادو ها به این معنا هستند که قیمت در یک نقطه به آن حد رسیده است یک ناحیه S/D وجود داشته که قیمت را در جهت مخالفش هل داده است اما بعدا آن حرکت توسط سفارشات که لمس شده و پر شده اند در هم شکسته است .

۵- زمانیکه سفارشات باقی مانده در یک سطح قرار داده می شوند تنها راه اجرا این است که خود مارکت آنها را جذب کند و یا سایر اعمال نمودن های مکانیکی باعث وارد شدن آن سفارشات در جریان مارکت شوند . این مصرف کنندگان نقدینگی است که باعث حرکت قیمت از این سطوح می شوند .

۶- زمانیکه قیمت H اخیر یا BASE را بریک میکند معمولا در جهت دیگر برمیگردد و دوباره تست میکند . Retest یک عمل آگاهانه را نشان میدهد که ممکن است قیمت به سطح قبلی خود بازگردد . برای من اینگونه به نظر میرسد که این بیشتر نتیجه نوسان قیمت از یک ناحیه عرضه است و در جهت بازگشت به ارزش خود حرکت مینماید . اما از آنجایی که قیمت تقاضا را تاج میکند این قدرت کافی برای شکستن آن H ها را دارد . آن جایی است که سفارشات جهت اینکه این سطح را حمایت کنند وجود دارد این در واق S/R می باشد .





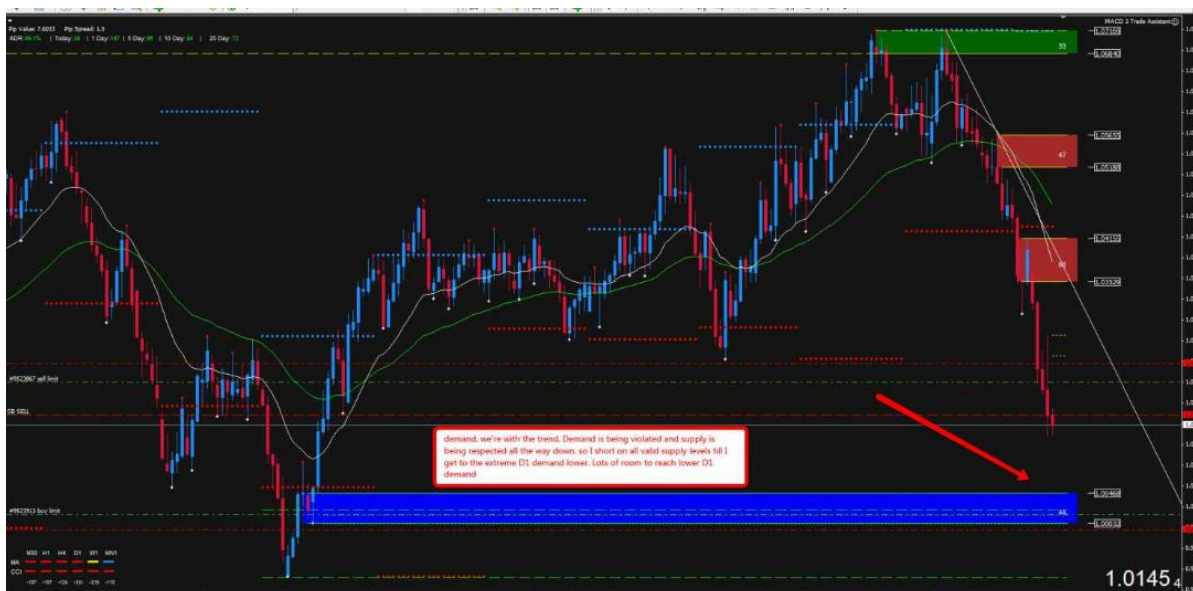


MEL : من فکر میکنم که شما خوب توانسته اید موضوع RBD/DBR را بفهمید. آنچه میخواهم در اینجا اضافه کنم اینست که :

هیچگاه نگاه کردن به نواحی Demand بریک شده و تبدیل آنها به Supply را فراموش نکنید و برعکس برای مثال در نقطه شماره ۲ به سمت چپ چارت نگاه کنید که یک ناحیه Demand شکسته میشود و سپس تبدیل به Supply میگردد لذا نقطه شماره ۲ یک پولبک به ناحیه FRESH SUPPLY می باشد .

در اینجا یک تصمیم گیری شده برای شکستن ناحیه DEMAND لذا ما در آن نقطه تصمیم گیری وارد فروش میشویم و میدانیم که DEMAND به SUPPLY تبدیل شده است . این بسیار ساده است که اگر تصمیم گیری نبود قیمت ریزش نمیکرد و سطح DEMAND را بریک نمی نمود لذا اکنون که قیمت ریزش کرده باید یک تصمیم گیری وجود داشته باشد از قبل که این نقطه میتواند در تایم فریم حال حاضر یا در تایم فریم پایین تر دیده شود .





Those levels look good to me for the most part. I would suggest that you include the entire extreme of the zone - for a RBD, the upper wicks and for a DBR the lower ones. Also, I've marked a couple areas in red that should be observed. As others have shown, when a level is broken through, especially in a strong fashion ("ignored"), the zone "flips". Supply becomes demand and demand becomes supply.



آقای Benhur در ارتباط با نواحی می گوید :

هیچ قراری بر این نیست که یک ناحیه قیمت را نگه دارد حتی در اولین دیدارش با قیمت. نواحی که ما در چارت مشخص میکنیم عموماً نقشه ای از نقاط تصمیم گیری در مارکت هستند و نقاط تصمیم گیری میتوانند قیمت را به هر سمتی سوق دهند. نواحی ممکن است که شکسته شوند و این تصمیم گیری مارکت شرایط خاص خود را دارد. هرچه بیشتر توانایی های خود را در خواندن بالا ببرید شما قادر خواهید بود نکات و سرخ هایی را که آیا یک ناحیه قرار است شکسته شود یا قیمت را نگه دارد تشخیص دهید. اولین مرحله شما این است که تحقیق کنید قیمت چگونه در اطراف این نواحی رفتار میکند. چند موضوع وجود دارد که شما باید به ذهن بسپارید هنگامیکه این کار را انجام میدهید.

۱- آگاه باشید که چگونه قیمت یک ناحیه را که شما رسم کرده اید را ساخته است و برای شما به نمایش گذاشته است. (رفتار قیمت در آن ناحیه که مشخص کردید را بشناسید)

۲- آگاه باشید از نحوه ی نزدیک شدن قیمت به یک ناحیه که مشخص کرده اید . دینامیک آن سطح چگونه است ؟

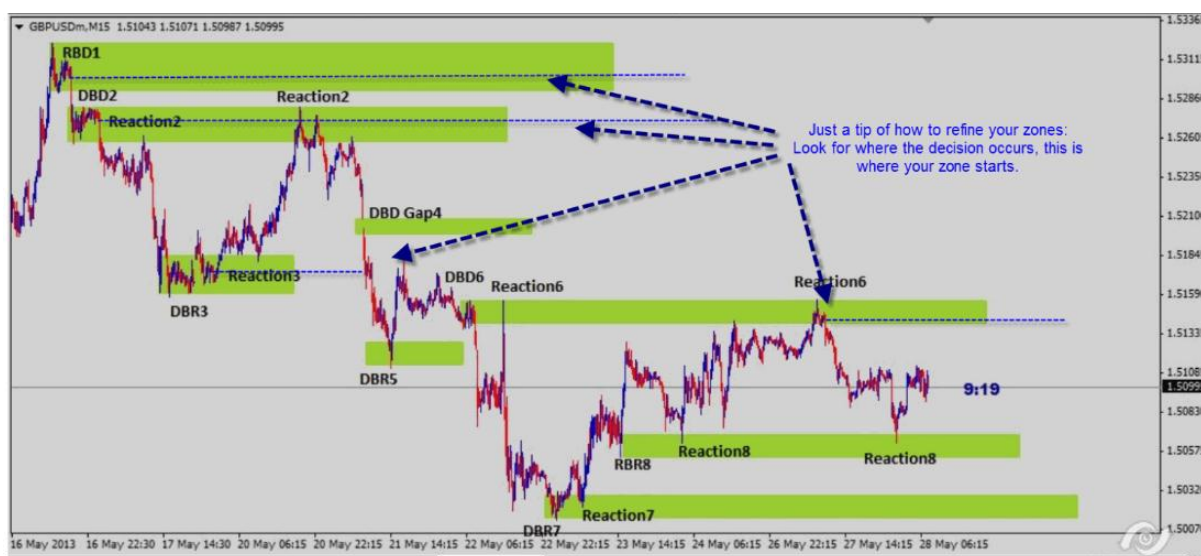
۳- آیا قیمت از یک سطح متضاد معتبر می آید؟؟؟ به یاد داشته باشید که قیمت همواره از تقاضا به عرضه و از عرضه به تقاضا می رود .

۴- مواظب واکنش قیمت در تماس اولش با سطح باشید. به چه اندازه قیمت عمیقا نفوذ کرده است در آن سطح. و چه چیز باعث متوقف شدن نفوذ گردیده اگر توفقی وجود داشته است .

۵- تایم فریم های بالاتر و پایین تر به شما چه میگویند ؟ نظم و انضباط عرضه و تقاضا یک مفهوم چند تایم فریمی است . ما سطوح قیمتی را معامله میکنیم نه کندل های قیمتی را . بنابراین داستان در تایم فریم های مختلف ممکن است زیاد باشد .

شاید موضوعات بالا تشریح آمیز باشند . اما در واقع باید بسیار ساده باشد . نواحی همواره یک واکنش به تحرکات قیمتی در گذشته هستند . (تا انجایی که من میدانم همواره سمت چپ را نگاه کن .) هرچه بیشتر بتوانید به گذشته باز گردید بهتر خواهید فهمید که قیمت چگونه در حرکت است . هیچ تصادفی بودن در این بازار وجود ندارد . تمام مارکت را میتوان با واکنش به تحرکات قیمتی (PA REACTIONS) و نتایج و تصمیم گیری ها توضیح داد تنها به دلیل تشکیل یک سطح یا ناحیه نگاه کنید .

در ارتباط با نحوه ی رسم این نواحی عرضه و تقاضا DP بسیار مهم هستند به عبارتی دیگر به دنبال جایی بگردید که تصمیم گیری های شما اتفاق افتاده است این ها آغاز ناحیه شما هستند .



چیز دیگری که شما باید به دنبال آن باشید نواحی انباشته قیمت است . با شناسایی آنها کل نقشه راه را دارید . هر دفعه که یک ناحیه مورد احترام قرار میگیرد یک ناحیه در زیر یا بالای آن تشکیل می شود .

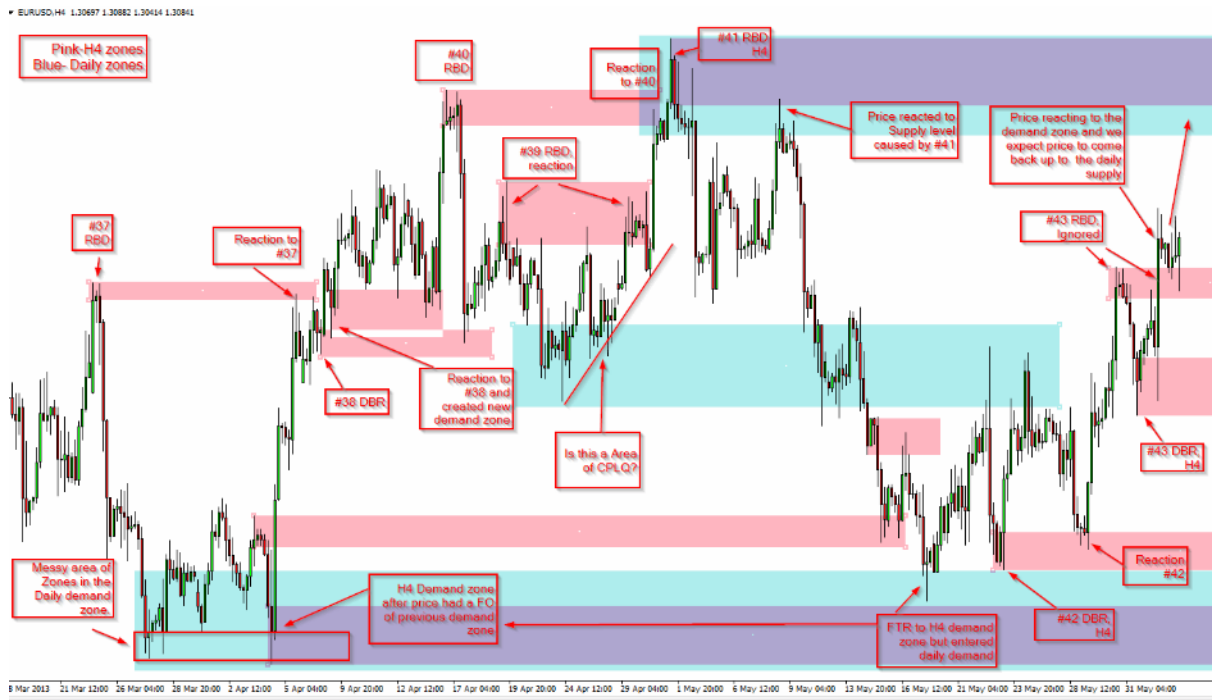
در ادامه در ارتباط با نواحی SWAP آقای Benhur می گویند :

همانند خطوط حمایت و مقاومت وقتی یک ناحیه عرضه یا تقاضا شکسته می شود بر عکس می شود . که به آنها سطوح مبادله ای میگویند اما اهمیت آنها همچنان معتبر می باشند .



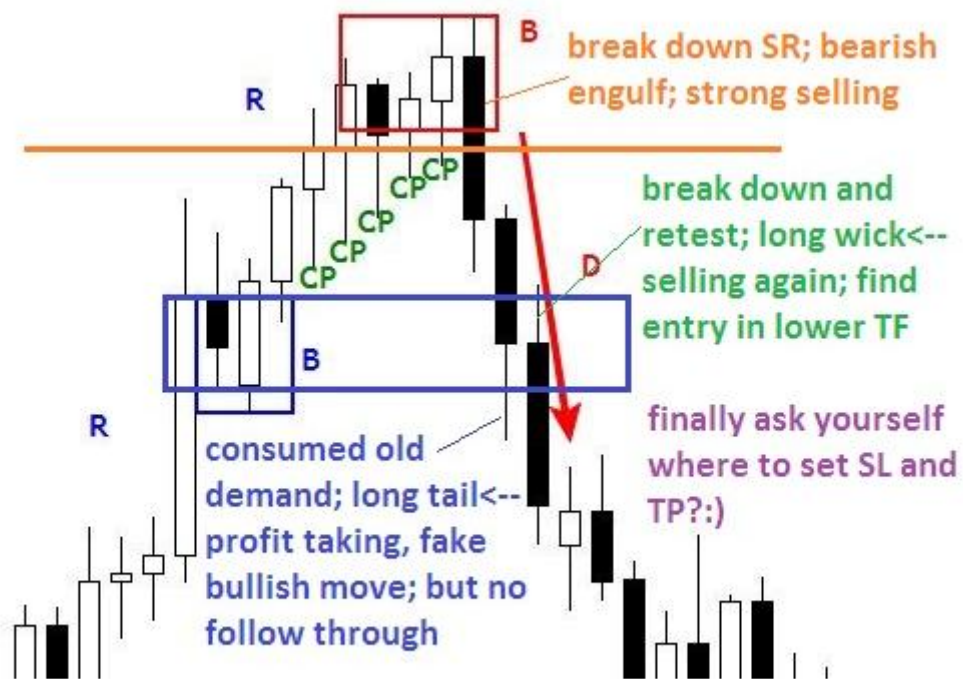
موضوعی که وجود دارد FO ها هستند . FO ها زمانی اتفاق می افتند که قیمت میخواهد از یک ZONE وارد ZONE دیگری شود . زمانی که قیمت به ZONE بعدی می رود و رخنه میکند بدانید که قیمت خیلی بالاتر ها نیز میرود . این یک قطعه از پازل است .





آقای **Benhur** پیشنهاد می دهند که با بالاترین تایم فریم ها شروع کنید سطوح هر تایم فریم را با یک رنگ مشخص تعیین کنید و به تایم فریم های پایین تر شیرجه بزنید در حالی که تایم فریم های بالاتر خود را مشخص کرده اید .





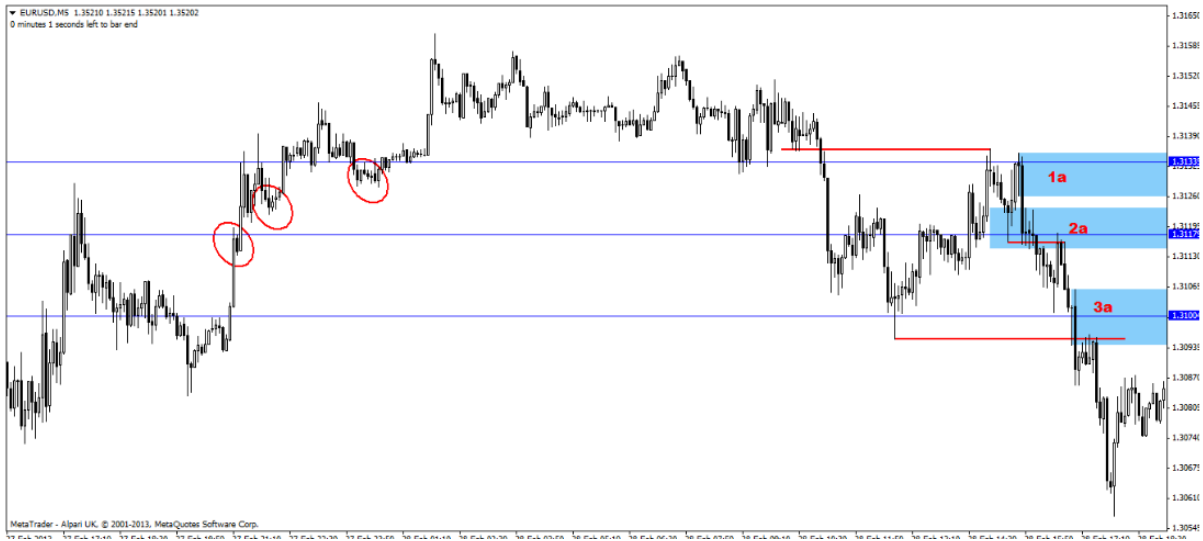
it to oo. not on what vou fear.

نکته ی دیگری که آقای Benhur به آن اشاره میکنند این است :

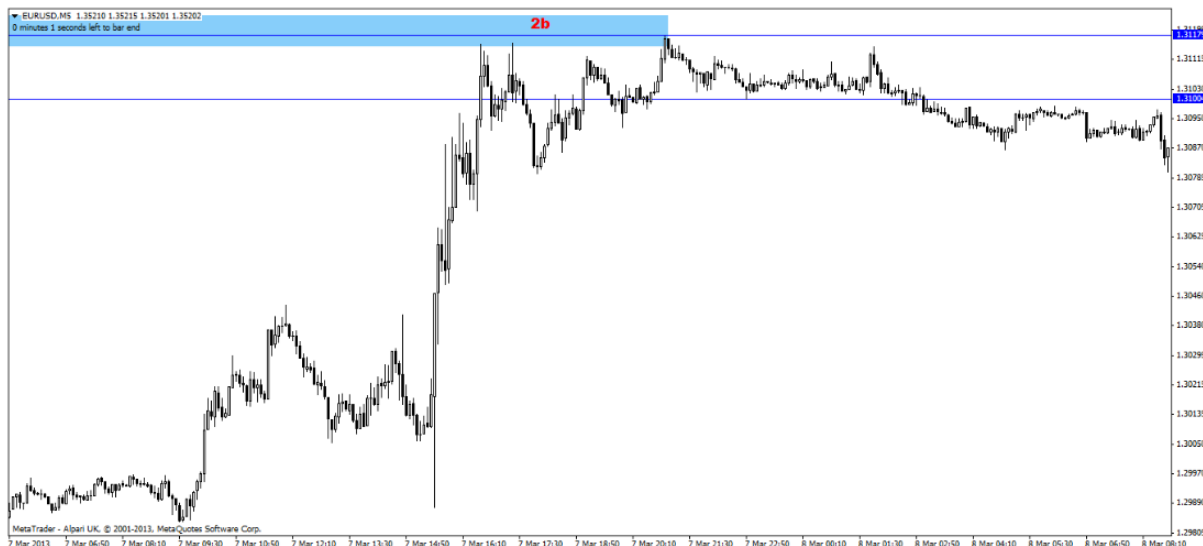
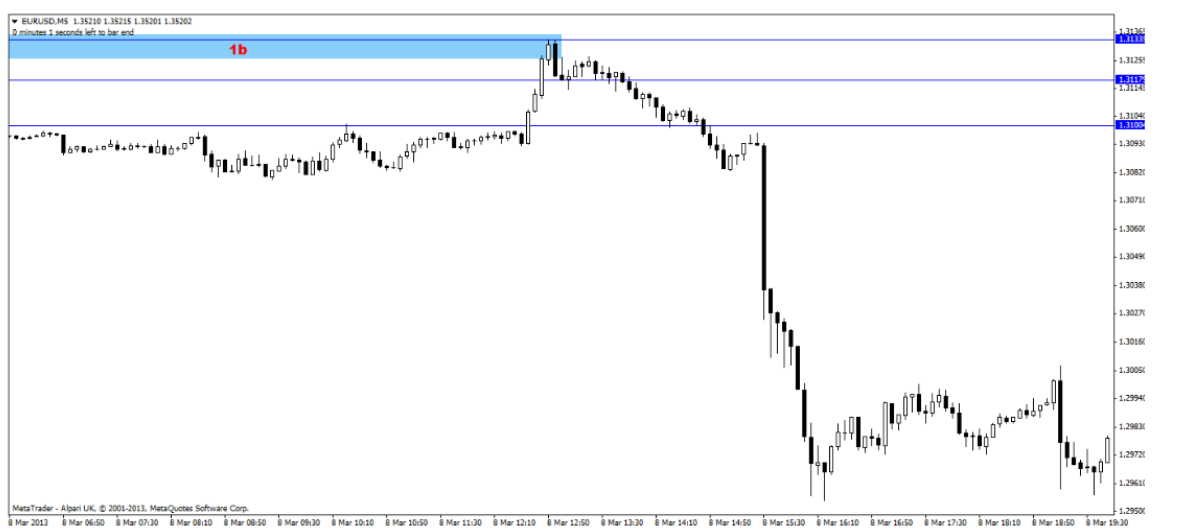
به طور قرار دادی SL را باید در زیر یا بالای ناحیه عرضه یا تقاضای مشخص شده مان قرار می دهیم لذا در تعیین این نواحی دقت لازم را داشته باشید به طوریکه همانطور که عرض کردم نواحی عرضه یا تقاضا را باید به دنبال جایی گشت که تصمیم گیری اتفاق افتاده و ناحیه ما باید از ابتدای این تصمیم گیری آغاز شود .

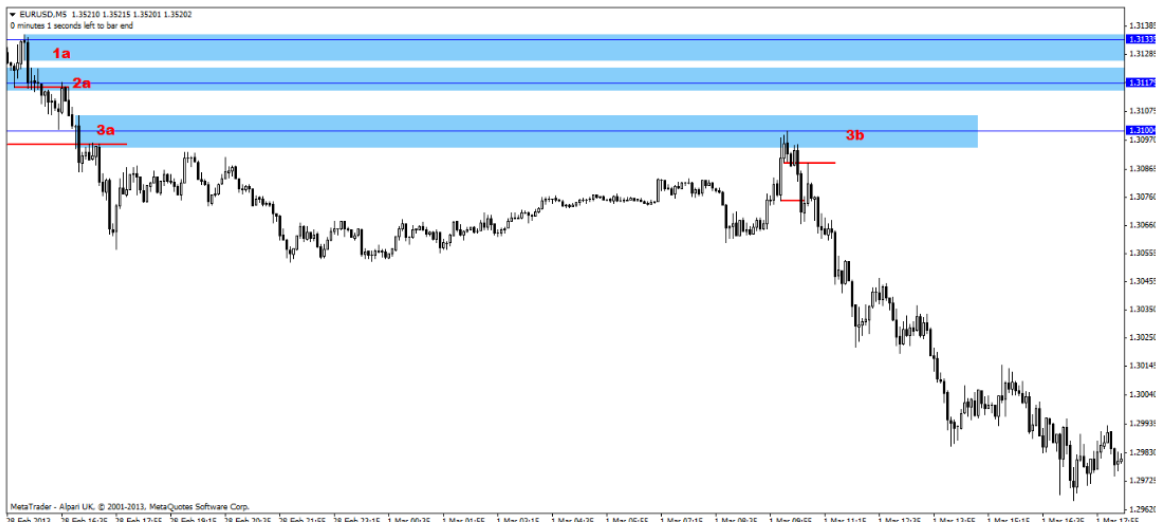


در جایی دیگر تریدری میگوید من به شدت به این موضوع گره خورده ام که هر کندلی یک FTR به جایی است .



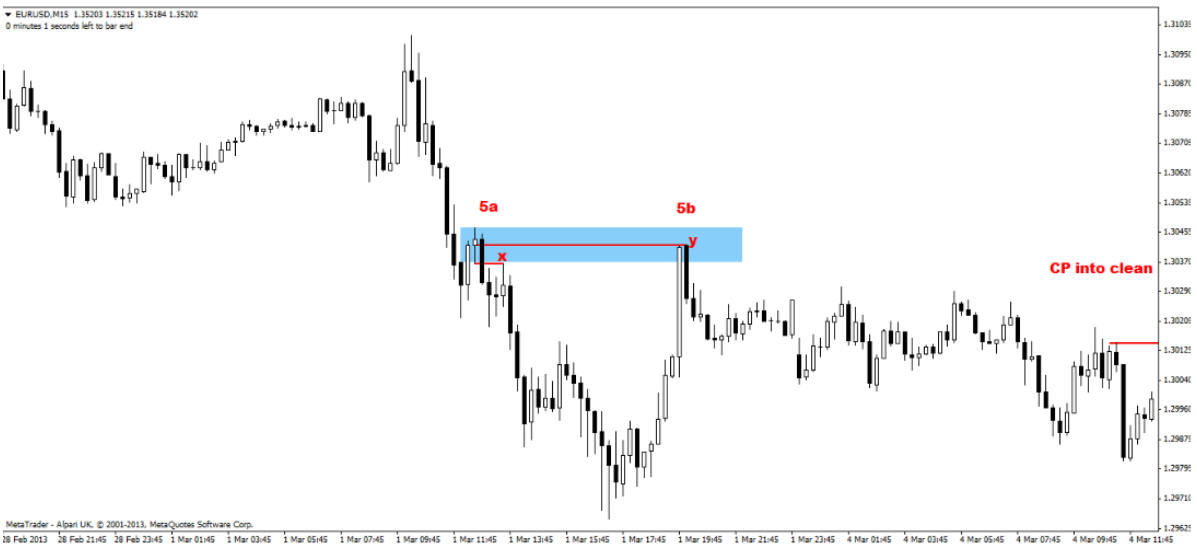
واکنش به نواحی مشخص شده را ببینید . ببینید که این نواحی همان تصمیماتی هستند در قالب RBD/DBD که تصمیم به اینگلف یک FL را داشته اند و در ادامه واکنش به این نواحی را با هم میبینیم .





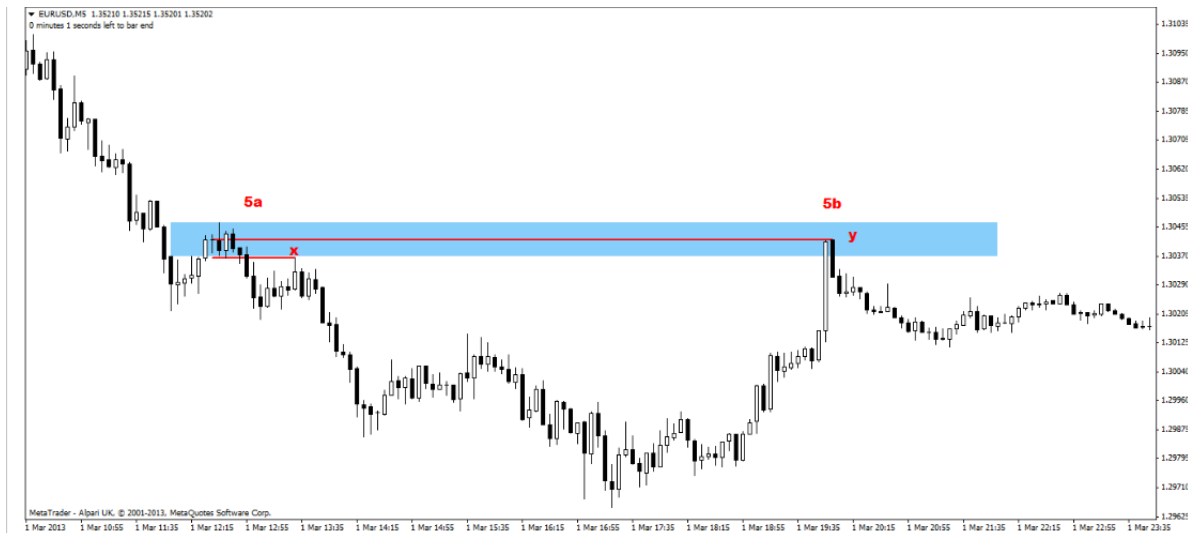
در هر کدام از معاملات بالا یک استاپ بالای هر ناحیه میتواند قرار داده شود. نکته ای که باید در این رابطه بسیار به آن توجه کرد این است که تمامی نواحی که دارای این قابلیت هستند باید FRESH باشند یعنی یک ناحیه FLIP در آنجا دیده شود. (-);

به مثال زیر دقت کنید :

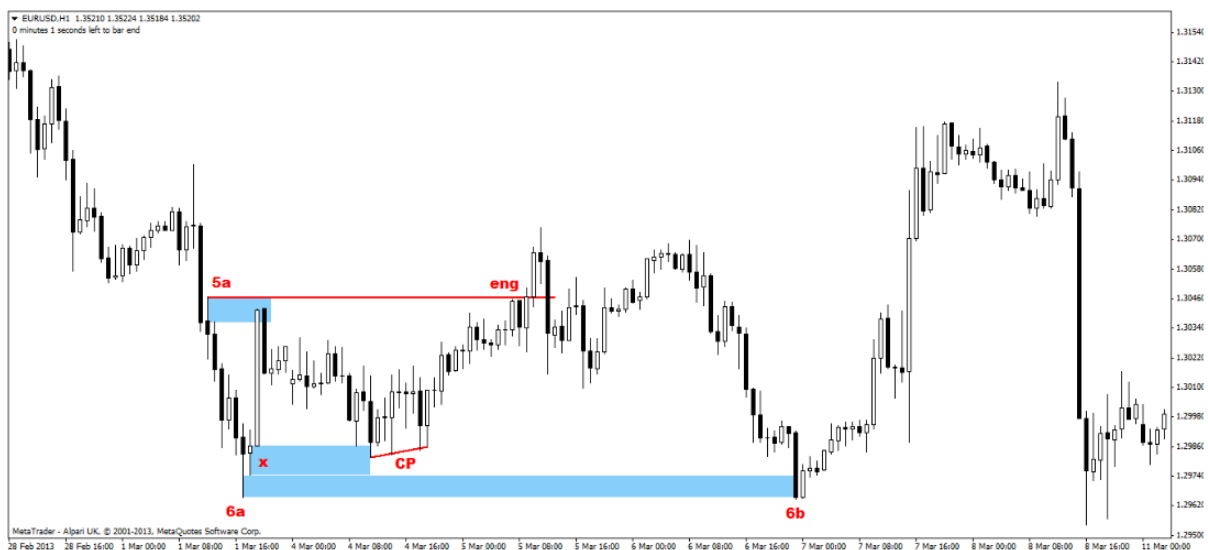


همانطور که بحث از RBD/DBD کردیم که تصمیم به اینگلف میگیرند در شکل بالا میبینیم که بار دیگر قیمت یک DP را تست کرده است اما چگونه :

این DP تحت عنوان X نشان داده شده قبل از حرکت به سمت قسمت عمده ی ناحیه ما یعنی Y . حالا موضوع این است که آن X ، FTR ، RBD است یعنی همان نقطه 5a . و این به ما میگوید که ما باید انتظار واکنش در برگشت به ناحیه را داشته باشیم که این واکنش در منطقه y صورت گرفته است . چیزی که برای من در این حالت بسیار زیباست این است که ما میتوانیم استاپ خود را بالای RBD قرار دهیم .

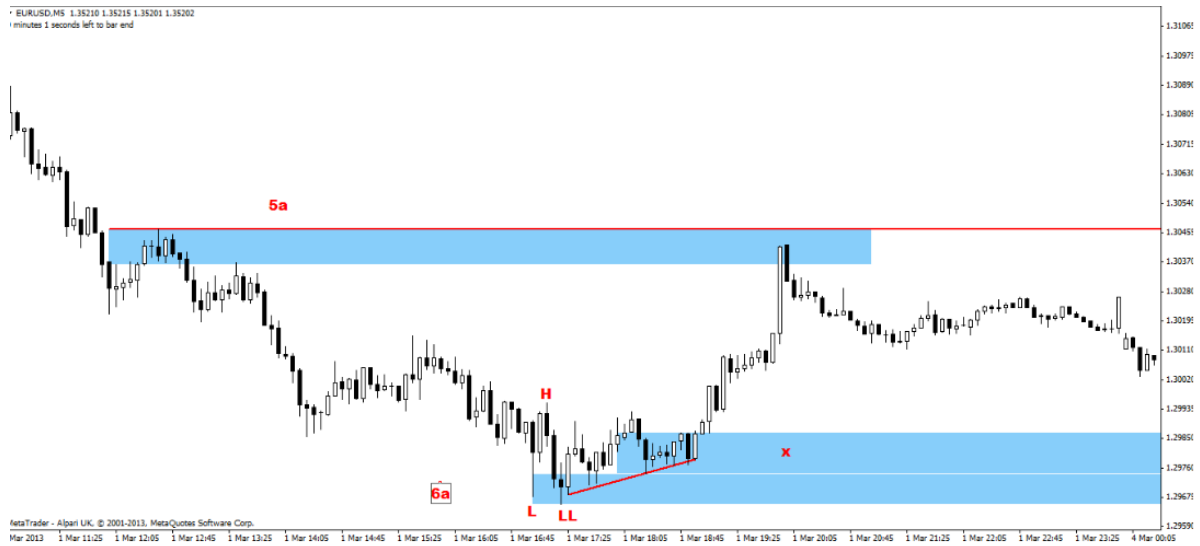


در ادامه :

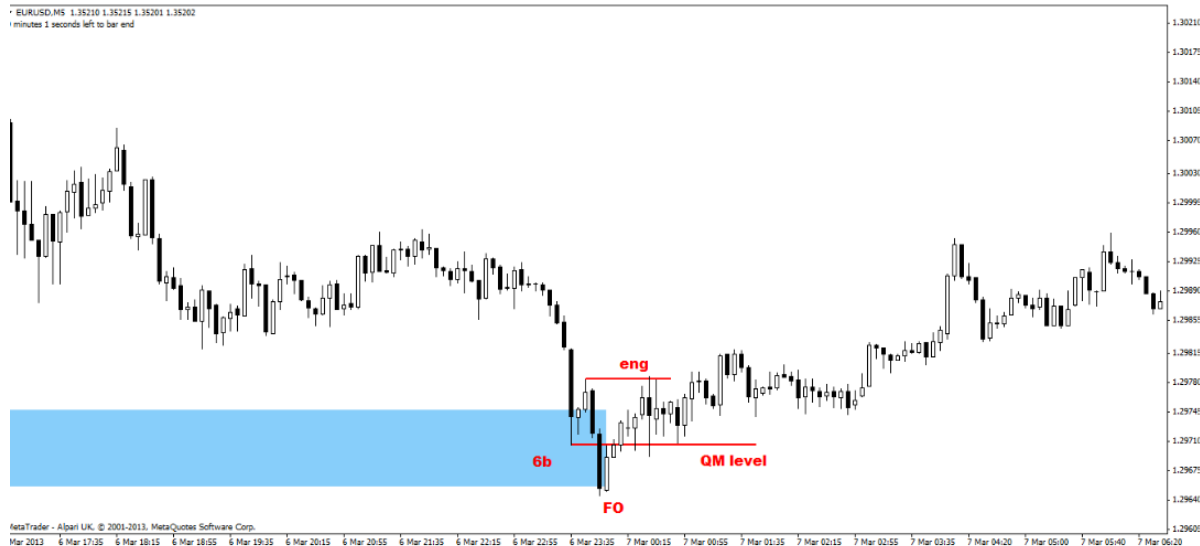


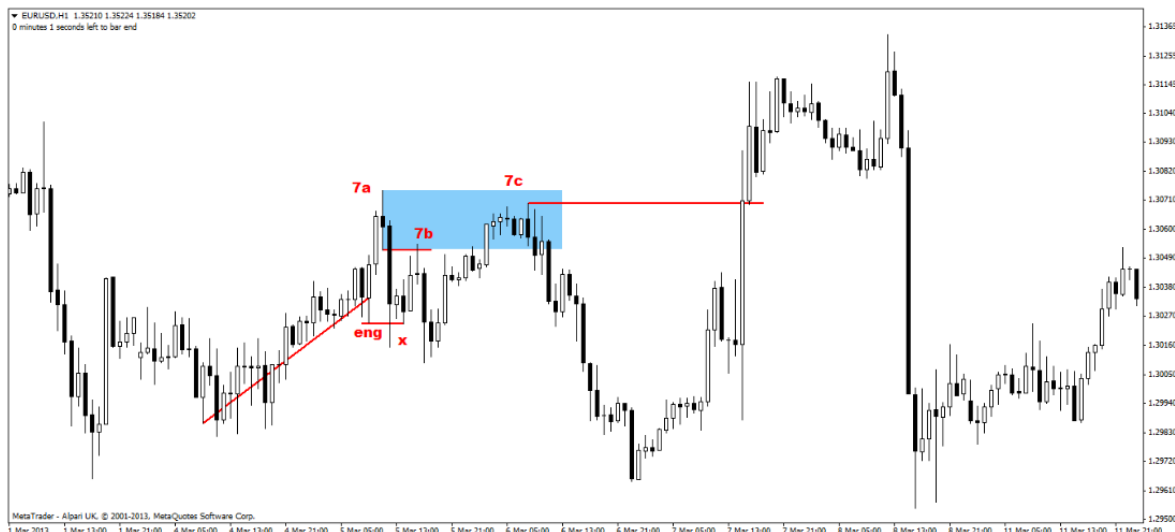
ما در نقطه ۶ یک DBR تعیین کرده ایم و منتظر می مانیم ببینیم چه اتفاقی می افتد . همانطور که برای ۵ اشاره کردیم ، یک CP به نقطه ی X وجود دارد (که خودش یک DBR است) که قیمت از ناحیه X فشرده شده است یک ناحیه تقاضای انباشته را ایجاد کرده است ما نباید سوپرایز بشویم که قیمت به پایین تر آمده و در 6b ریورس داشته است . حالا بار دیگر x یک ftr به 6a می باشد .

شاید ممکن است نگاه کردن به PA در ناحیه ای به آن کوچکی خطرناک باشد اما تایم ۵ دقیقه نشان میدهد که قیمت CP وار از 6a دور شده است و تنها ناحیه fresh demand در دور ترین نقطه این ناحیه قرار دارد که شمایل یک QM را در خود دارد .



واکنش در تایم فریم ۵ دقیقه یک حرکت قوی به داخل ناحیه است که با یک FO همراه بوده و ENG کندل صعودی. لذا ما چیزی شبیه به QM را داریم. من واقعا از اهمیت نواحی FREASH سپاسگزارم :-)



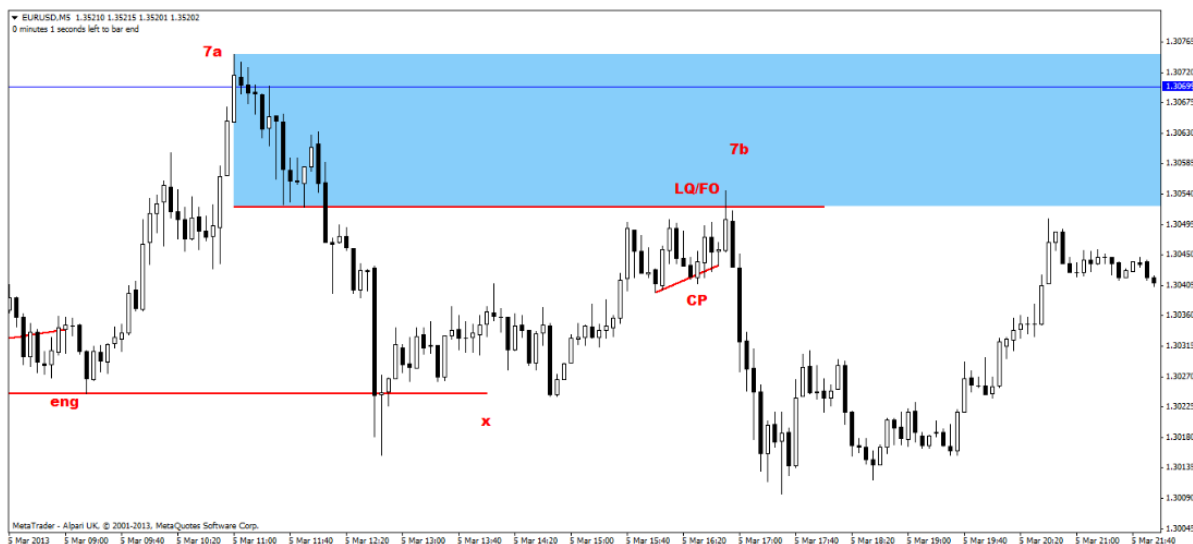


RBD : 7a

این بسیار جالب است، به شما نشان میدهد که چرا تغییر دادن استاپ به نقطه ورود یک ایده بد است و میتواند شما را از یک معامله برنده خارج کند به ویژه اگر شما در نقطه 7b فروش بزنید. تست دوباره DP برای بریک بالای RBD (این یک FL در تایم فریم پایین است). فروریختن قیمت در بالای RBD یک اینگلف زیبا را ایجاد کرده است بنابراین قیمت حداقل تا آن اینگلف به پایین بر میگردد یعنی محدوده X معقول است که یک ریسک به ریوارد 1:1 ایجاد میکند. آنچه من اکنون از آن فرا میگیرم این است که DP تست شده است ما باید به دنبال موقعیت های فروش در نواحی بالاتر ZONE باشیم. این نمایش همچنین نشان میدهد که تست دوباره DP یعنی تست RBD (نقطه 7b) تنها می تواند نسبتاً یک FTR واضح باشد در صورتی که قیمت در یک سطح قوی فرو ریخته باشد قبل از اینکه به بالا (FTR) بازگردد. من میدانم که این موضوع مرکزیت مطالب RTM را بیان میکند اما این برای خودم من چرایی اش همین می باشد. اگر قیمت این اتفاق را عملی نسازد و یک حرکت رو به بالا به سمت FTR را ایجاد کند ما باید منتظر اینگلف FTR به سمت بالا باشیم و سپس ورود به منطقه به صورتی عمیق. و این دلیل دیگری است که SL باید بالای X قرار گیرد و نباید به محل ورود انتقال یابد تا زمانی که چیزی MAJOR به ست پایین اینگلف شود. و همچنین در سمت چپ یک ناحیه CP را مشخص کرده ام که تعدادی تقاضا در آن ناحیه وجود دارد که در آن 7a, 7b در حال مبارزه به درون آن هستند. اما به محض اینکه قیمت به بالا میرود یعنی ناحیه 7c این مسیر پاکسازی شده برای پایین آمدن است.

در شکل زیر :

توجه داشته باشید که فشرده سازی قیمت را به سمت 7b به بالا میبرد و LQ/FO معامله گران Breakout ای را میمکد و خورد میکند. تثبیت قیمت زیر سطح بیانگر این است که سطح شکسته خواهد شد. بنابراین این مهم است که ما بین فشرده سازی قیمت و نوسان قیمت در یک سطح صاف تفاوت قائل شویم (فکر میکنم این همان BASE است) و همچنین یک BUFL فرورفته و یا شما ممکن است در هنگام گسترش RBR وارد فروش شوید، یک فروریختگی قریب الوقوع نیست. بنابراین ما میخواهیم که HHS و HLS را ببینیم وقتی که قیمت به یک ناحیه SUPPLY نزدیک می شود در صورتی که قیمت شبیه به ترتیب خودش در پایین منطقه باشد.



در شکل زیر :

خط آبی در نقطه 7a نهایت واکنش را در نقطه 7c نشان میدهد. وقتی که قیمت به سمت 7c بالا می‌رود نقطه تصمیم‌گیری 1 ساعته را برای ریزش در نقطه 7a تست کرده است بنابراین ما باید اکنون انتظار داشته باشیم که قیمت به صورت عمیق‌تری به درون ناحیه فرو رود و از آنجایی که اینگلف‌های زیبایی را در مسیر پایین رفتن ایجاد کرده است و برای مدتی از آن ناحیه جدا شده است می‌توانیم واکنش قابل توجه‌تری را انتظار داشته باشیم. اما کجا؟؟؟

خب، بالاترین H به نظر می‌رسد که به سمت لبه‌ی CP PAZ در نقطه 7a برود (اما من هنوز روی این تمرکز نکرده‌ام) اما راه آسانتر برای هدف‌گیری QM این است که در نقطه 7c ایجاد شده است. شادوی قرمز رنگ به شما می‌گوید چرا نباید استاپ خود را به نقطه‌ی ورود انتقال دهید. و در واقع شما ممکن است دقیقاً روی آن شادو به حجم فروشتان بیافزایید.



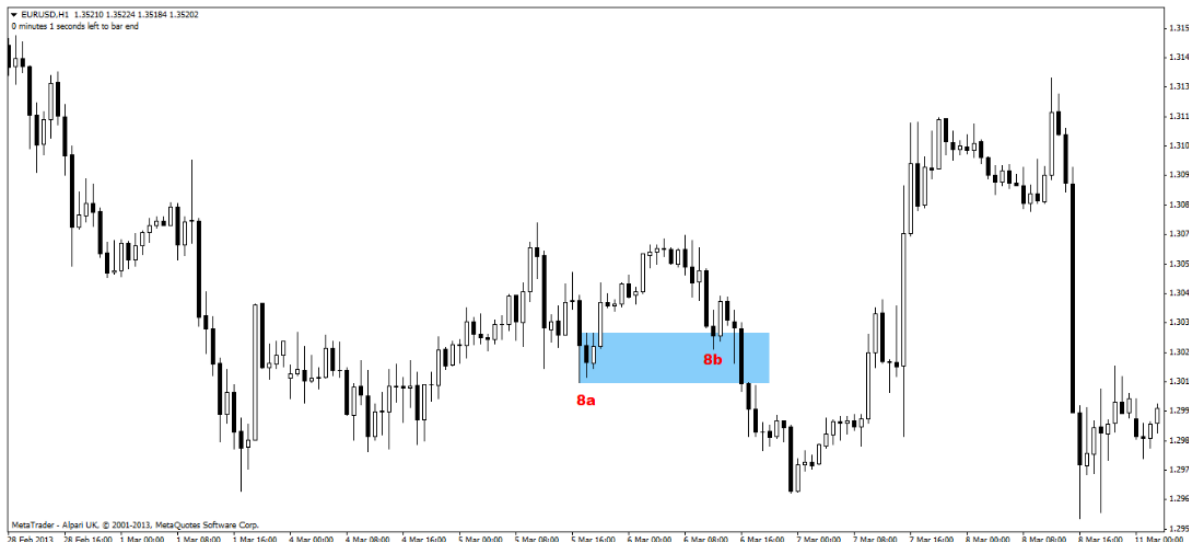


بسیار ممنوم Harry . من این تمرین را شروع کردم و در نظر دارم که باکس ها به جلو منتقل کنم تا زمانیکه ارتباط آنها قطع شود . و شما میتوانید ببینید که چگونه تاثیرات آنها در زمان قابل توجه پیش می رود . اما اینها به آسانی قابل تردید نیستند . میتوانم بگویم این پروسه مفاهیم مقدماتی حرکت مارکت را به من آموخته است . برای مثال فروریختن عظیم که در سمت راست اتفاق افتاده FL ما را به طور کلی نادیده گرفته است (که من آنرا با یک خط دیروز مشخص کردم) و تو الان میدانی که اتفاقاتی در راه بازگشت رخ میدهد .



مثالی دیگر :

این نمونه کمی شلوغ است اما این دلیل نمیشود که آن را بهانه قرار داد. اگر اینجا شلوغ است ما نیاز داریم یک یا دو تایم فریم پایین تر برویم و ما میتوانیم اکنون ببینیم که قیمت برای مدت زمانی در آنجا آویزان بوده است. و یک اعتقاد راسخ برای خروج از ناحیه را به ما نداده است. دلایل بیشماری وجود دارد که ممکن است دلیل باشد برای اینکه قیمت به تنهایی این ناحیه را ترک کند.



واکنش در نقطه ی 8b به یک ناحیه تصمیم گیری Flip در سمت چپ رخ میدهد و بسیار شبیه به fo ناحیه x به نظر می رسد پس من حدس میزنم باید مواظب پتانسل ناحیه Flip برای قرار دادن استاپ خود باشم. بسته به مدیریت معامله ممکن است شما با این خارج شوید اما می ارزد در صورتی که شما بتوانید برخی RBD/DBR تازه در اطراف بیابید.



8c واکنش به چیزی است که من نمیتوانم بصورت شفاف ببینم اما این یکی از واضح ترین نواحی قدرتمند Demand است. در صورتی که شما Touch Trade این را از دست داده اید ضرر بزرگی کرده اید. شما می شد TT در LEVEL یک ناحیه DEMAND اثباتش انجام دهید. و نکته ی آخری که وجود دارد اینست :

آن نقطه ای که نوشته ام تست شده است یک FTR برای این ناحیه DEMAND H1 است با وجود اینکه چقدر کوچک است این نقطه یک واکنش کوچک در Z انجام داده اما حرکت صعودی بزرگی را ایجاد نکرده است در نظر بگیرید که قیمت به صورت CP وار از این FTR خارج شده نه بصورت LQ. بنابراین ما نباید FTB آن را بگیریم.

من اطلاعات بیشتری را از تایم فریم ۱ ساعته بدست آورده ام :

در این مورد :



FTR به وسیله ی RBD در نقطه 9a ایجاد شده است و با یک حرکت قوی خارج شده است این حالت این را یک گزینه خوب برای فروش در FTB قرارداد است اما ما کجا باید انتظار داشته باشیم که نزول اتفاق بیافتد ???

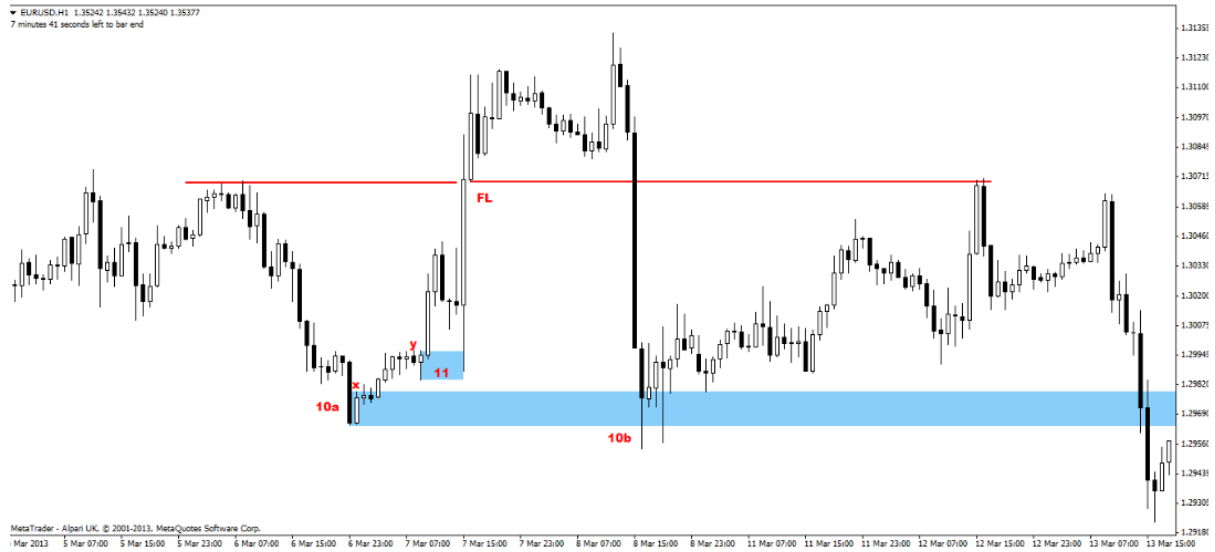
نیاز داریم که به تایم فریم پایین تر نگاه بیندازیم تا ایده ای بگیریم . اما در تایم یک ساعته میتوانیم ببینیم که نقطه ی تصمیم گیری برای پایین رفتن قیمت اخیرا تست شده است این موضوع در تایم ۵ دقیقه شفاف است .

موضوعی دیگر این است که بهترین نقطه تصمیم گیری برای رفتن دقت در آن FTR در مکان مناسب خودش است . من FTR هایم را از تایم یک ساعته میگیرم و برای ورود به تایم ۵ دقیقه میروم . اگر FTR ی در تایم ۵ دقیقه یافتم آنها به احتمال زیاد از توسط واکنش در تایم یک ساعته بین میروند .

به 9a نگاه بیندازید در تایم فریم ۵ دقیقه میتوانم ببینم که در بالای یک ناحیه عرضه انباشته وجود دارد . که این یک خبر بد است هرچند این در تایم یک ساعته یک FTR/RBD خوب به نظر می رسد بنابراین این برای فروش خوب است که باید تایم فریم عمده در نظر گرفته شود . اما همانطور که قبلا گفتیم CP به ما گوید که ما انتظار ریورس در بالاترین سطح را داشته باشیم . هرچه بیشتر این تمرینات را انجام میدهم اعتبار منطقی آن بیشتر برایم ثابت می شود .

در منطقه 9b ما یک CP زیبا میبینیم و یک نقدینگی به صورت spike درست در بالای ناحیه که در نزدیکی یک Pin Bar زیبا را نمایش گذاشته است .

موضوع آخر ، در تایم یک ساعته به کندل صعودی در سمت راست 9b نگاه کنید که ممکن است واکنش هایی را در راه بازگشت در سطح 9b برقرار سازد . اینگونه به نظر می رسد که یک ناحیه عرضه نقض شده است که باید به تقاضا تبدیل شود . که هنوز اتفاق نیفتاده است . تفکر اولیه من این است که خب این یک معامله شکست خورده است اما نه فکر کن این Ignored supply نیست در حالیکه supply با ۳ بار بازگشت به سطح عرضه قبل از فرو ریختن به سطح واضح ما پاکسازی شده است . برای ناحیه 9b ما نباید انتظار داشته باشیم که قیمت به آن محدوده بازگردد در صورتی که آن رد کرده باشد .

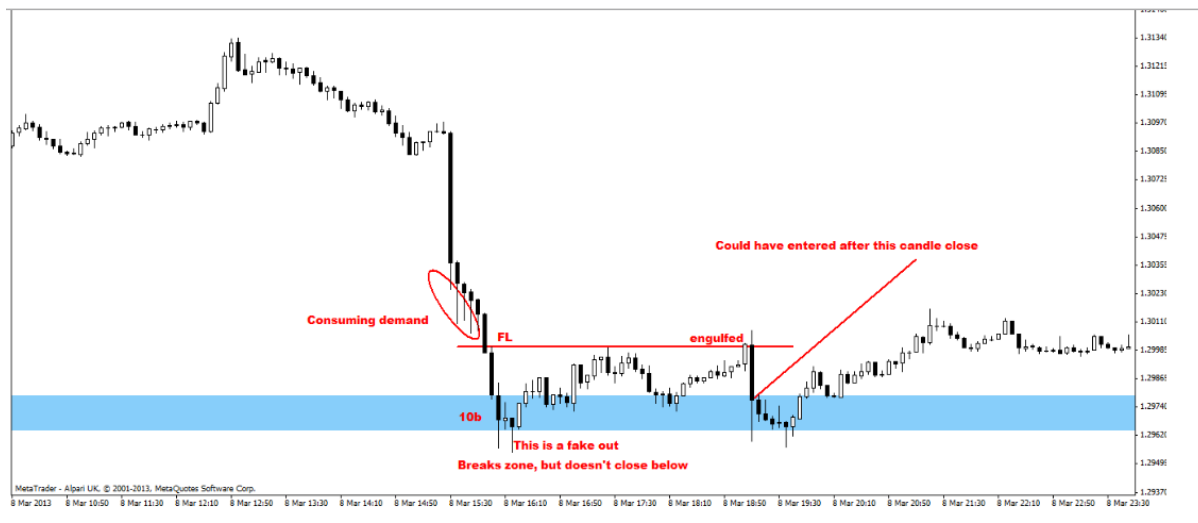


این یکی حرکت قوی را برای خروج از بیس ندارد و تصمیم گیری برای شکست را به بالا در نقطه x راضی کننده نیست. شکست در نقطه y قدرت بیشتری دارد ناحیه 11 چشم انداز بهتری دارد. اما به هر حال به 10a نگاه بیندازید من میخوام دور شدن حرکت قیمت از x را ببینم و سپس یک بازگشت برای تست دوباره. همانطور که با تصمیم گیری های دیگر تاکنون نگاه کرده ام و این اتفاق نیفتاده است شاید این یک عامل کمک کننده به قیمت برای عبور از یک منطقه است در بازگشت که توسط 10b علامت گذاری شده است. قبل از اینکه قیمت به ناحیه بازگردد یک حرکت عظیم رو به پایین را شکل داده است و محدوده ی FL که نشان داده ام را رد نموده بنابراین آنجا تنها میتواند یک هدف برای معاملات خرید در منطقه 10b باشد و همچنین یک موقعیت فروش عالی در آنجا وجود دارد.

در تایم 5 دقیقه حرکت برای خروج در نقطه ی 10a شلوغ است و همچنین قسمتی به صورت فشرده می باشد و قیمت برای مدتی در منطقه آویزان بوده است که این خوب نیست در حالیکه ما باید سفارشات خود را در نهایت یک ناحیه قرار دهیم که باید یک ناحیه معقول و مناسب باشد.



بسیار جالب توجه است زمانیکه ما یک واکنش در نقطه 10b را میبینیم قیمت به صورت مستقیم به درون ناحیه می رود اما در تایم ۵ دقیقه زیر آن تثبیت نمی شود این یک fake out به ناحیه demand از مدت زمانی قبل است . من مطمئنم که limit order استاپ میخورد اما PA همچنان سیگنال ورود میدهد.



در ادامه :

برنامه من اینست که اینکار را در چارت EUR/USD در تایم فریم های 1H/5MIN انجام دهم تا از لحاظ زمانی به حال حاضر چارت برسم :

مترجم :

اینبار به DBR می پردازیم :

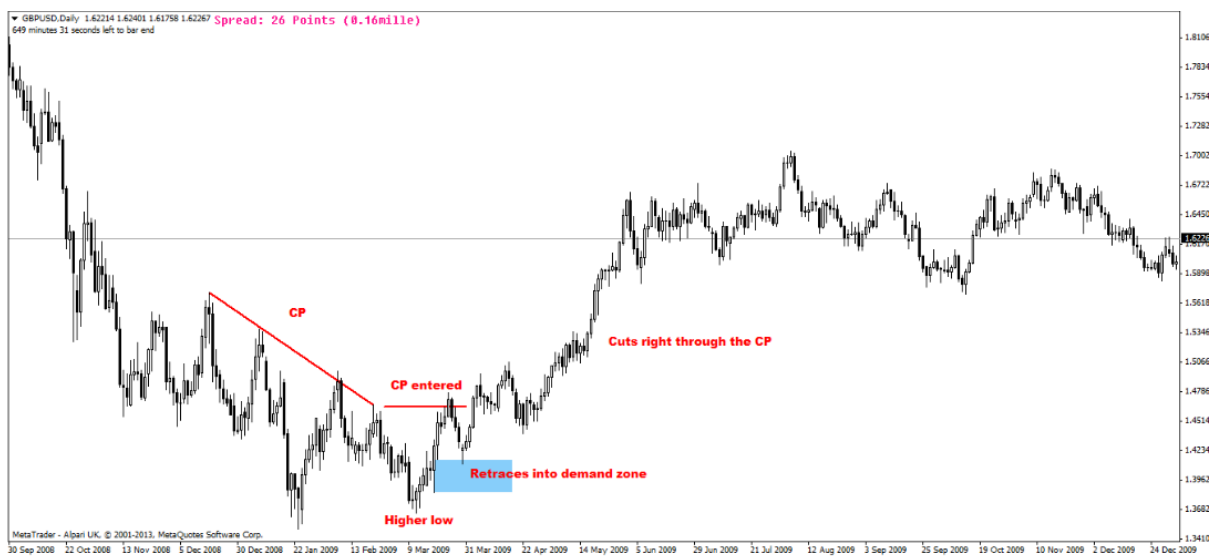
11a :

این DBR کوچک یک spike ساخته است که مرتبط با اراده و تصمیمی قوی برای شکست h است که تحت عنوان DP نشان داده شده است . هیچ تست فوری از DP وجود ندارد و اتفاق نیافتاده است ، حتی در تایم فریم ۵ دقیقه ای . و در واقع وقتی قیمت باز میگردد در دیدار اول بصورت عمیق تری وارد ناحیه می شود که تست DP صورت بگیرد .

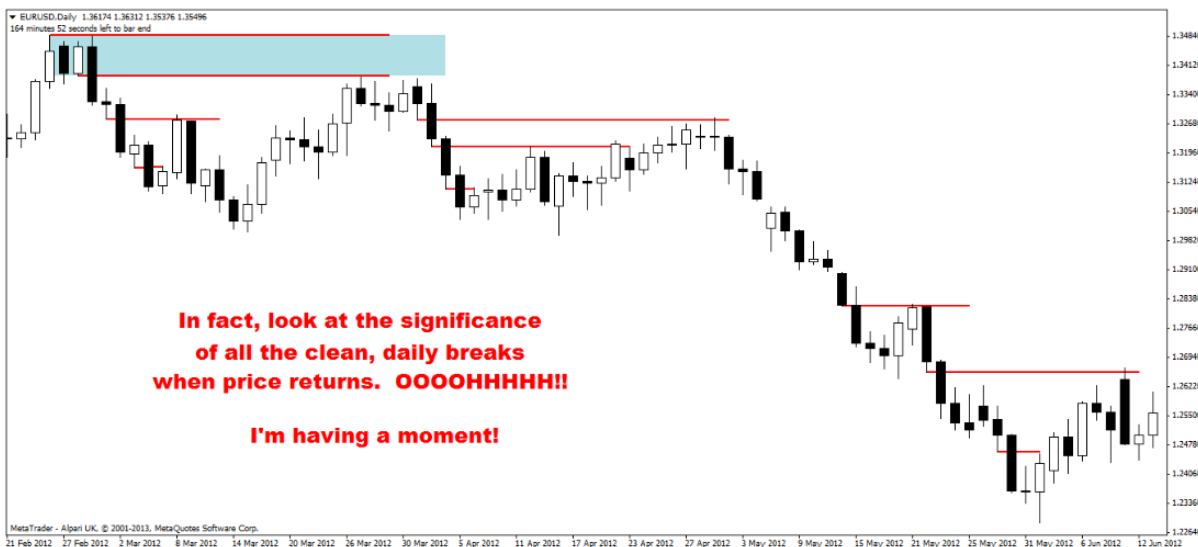
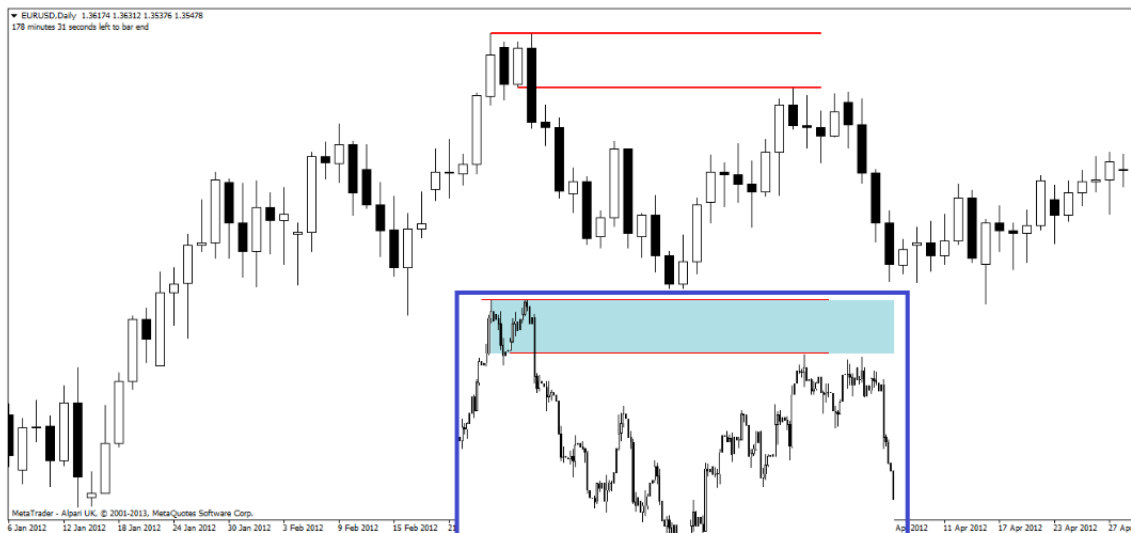
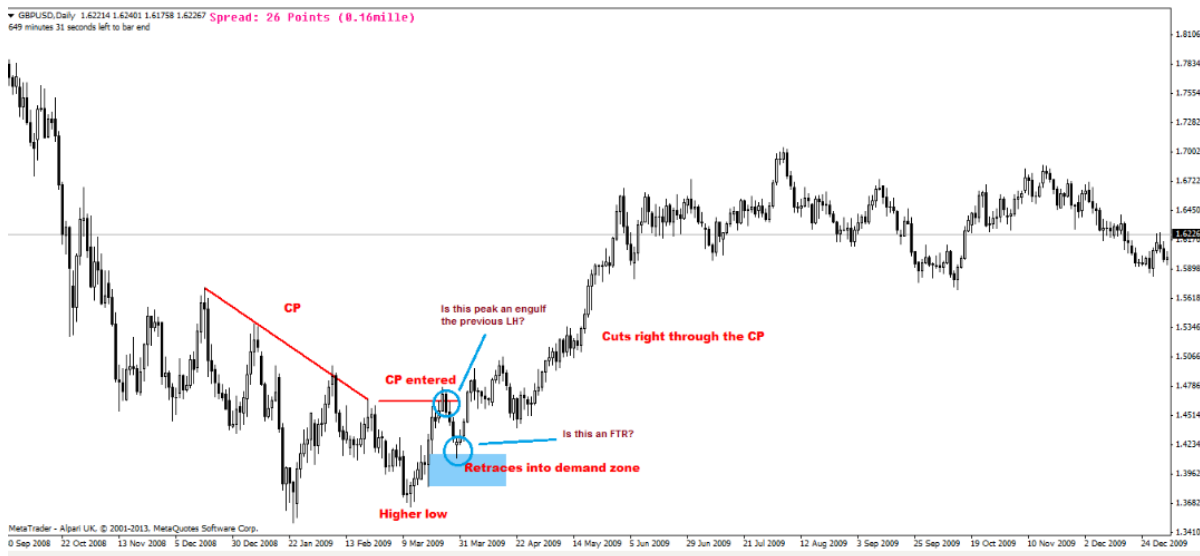
واکنش در 11b بسیار قوی تر است که یک rejection خوب به بالای ناحیه به ما میدهد (در دایره نشان داده شده است) که عرضه را مصرف کرده و خورده است و دور شده است .



مثالی دیگر

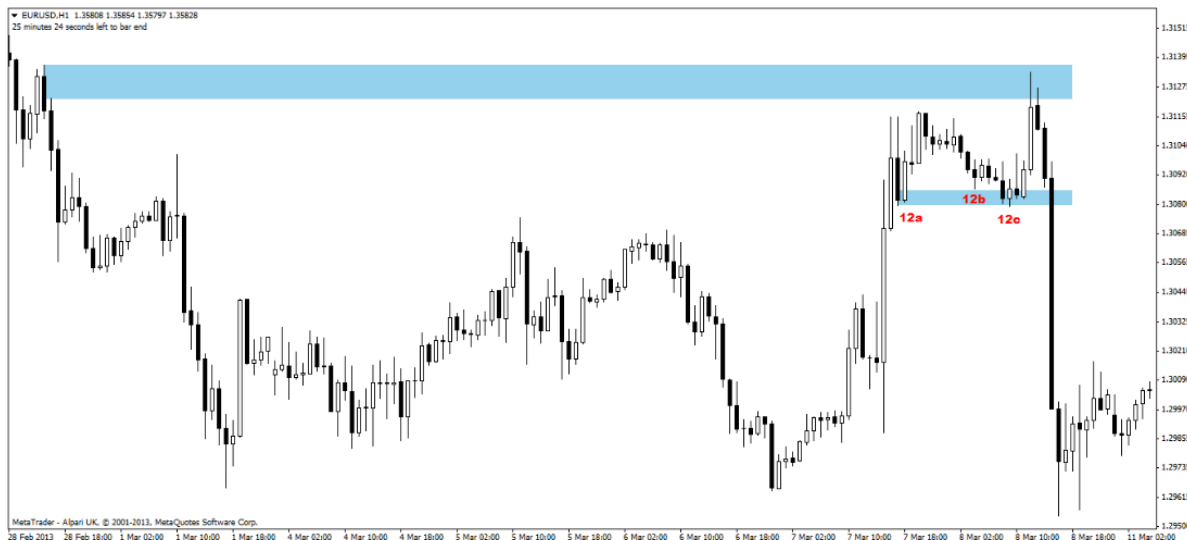


موضوعی که وجود دارد ورود به ناحیه PAZ یک CP هست که این ورود با اندازه اینگلف یک High level مهم نیست. در واقع می خواهیم بگوییم در صورتی که CP نمی داشتیم و ورود CP را نمیدیدیم میتوانستیم از تصویر زیر ورودمان را بگیریم :



اهمیت بریک کندلها به این صورت است که در آن نقاط قیمت تصمیم به فرو ریختن نموده است لذا این نقطه یک نقطه مهم است . و از طرفی دیگر مارکت تمایل به تست نمودن آن نقاط را دارد تا ببیند آیا سفارشی در آن سطح باقی مانده است یا نه، تمام اینها دست به دست هم میدهند و ما یک معامله را انجام میدهیم .

نمونه ای دیگر :



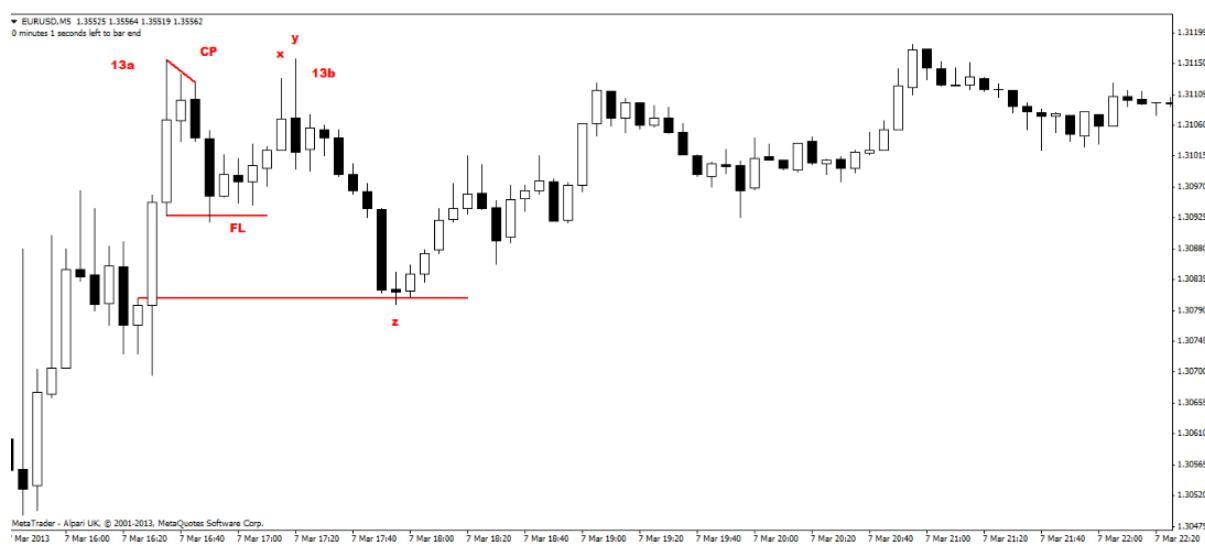
بسیار خوشحال خواهیم شد اگر همه اینها به تکراری ترین و قابل پیشبینی ترین رخداد ها در زندگی من تبدیل شوند :

اینجا یک RBD کوچک در دو کندل در تایم فریم ۱ ساعته وجود دارد با یک DROP قوی و یک RALLY قوی ، و قیمت بعدا به پایین حرکت کرده به ناحیه تقاضایی که درست شده است یعنی 12b . ناحیه آبی رنگ بالای 12 یک RBD می باشد و نشان می دهد که چرا تعریف یک هدف بر اساس گذشته اهمیت دارد .





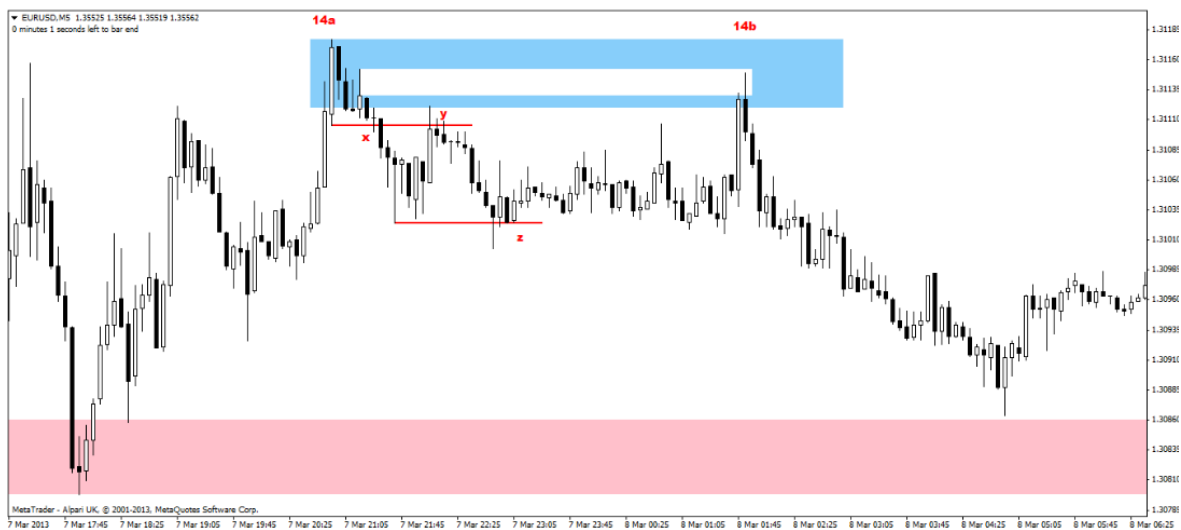
در تایم ساعتی دو REJECTION آشکار وجود دارد بنابراین من میخوام که نگاهی به اطرافش بیندازم .



در تایم ۵ دقیقه ای میتوانیم یک POLE UP را به H اول ببینیم که دارای یک مکث در بالا رفتن می باشد یک FL (RBR) در تایم فریم پایین تر بیشتر (سپس قیمت بالا می رود تا ما اولین H در تایم فریم ۱ ساعته را ببینیم در راه پایین آمدن از این H قیمت قبل از ریزش برای شکستن FL یک ذره فشرده شده است. بنابراین ما باید منتظر شرایط فروش تا POLE BASE باشیم. اولین شرایط مناسب در X به وجود می آید اما از آنجایی که ما CP داشته ایم در نقطه 13a (عرضه ی انباشته) ما باید با احتیاط عمل کنیم چرا که قیمت میتواند به لبه ی ناحیه stacked supply برود. و این اتفاق در y رخ میدهد. سپس قیمت به پایین می آید به base pole که تصمیم به ساختن pole گرفته شد یعنی نقطه z. خب در این ناحیه شاید راحت نباشد که معامله ای انجام گیرد اما مطمئنم در ناحیه پایین تر چیزهایی برای گفتن دارد.



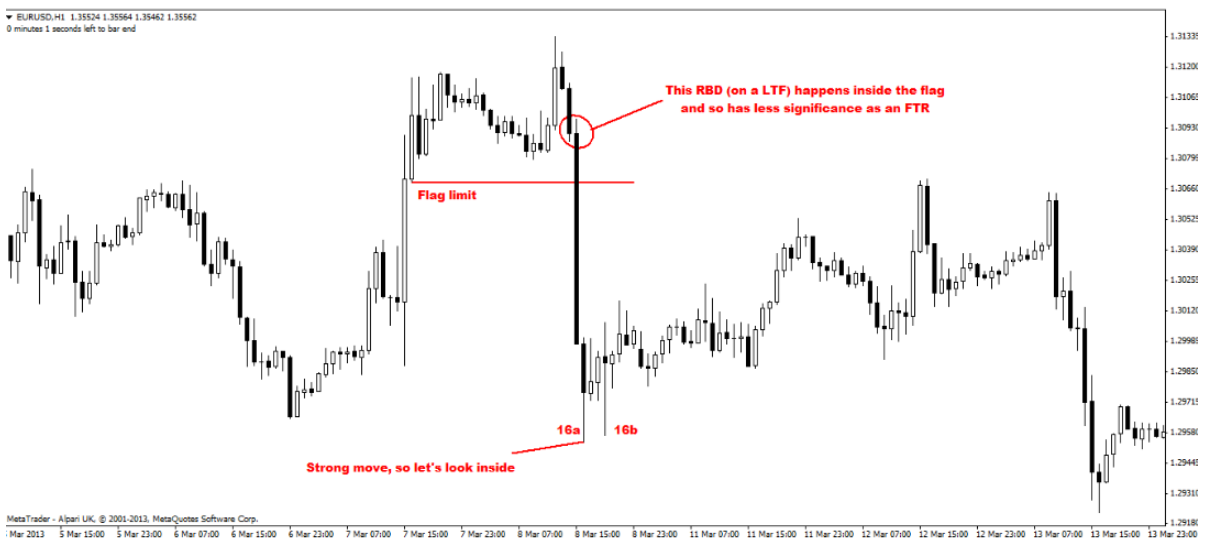
خب این یک مثال عالی نیست اما خیلی جالب است که اشاره کنم که کندل دوم در تایم یک ساعته که H دوم را زده شادو ندارد . شنیده بودم به این کندلها می گویند عرضه ی خالص (pure supply) بنابراین این ممکن است ارزش توجه کردن را داشته باشد .خب با این لازم است به تایم ۵ دقیقه برویم ببینیم چه خبر است .

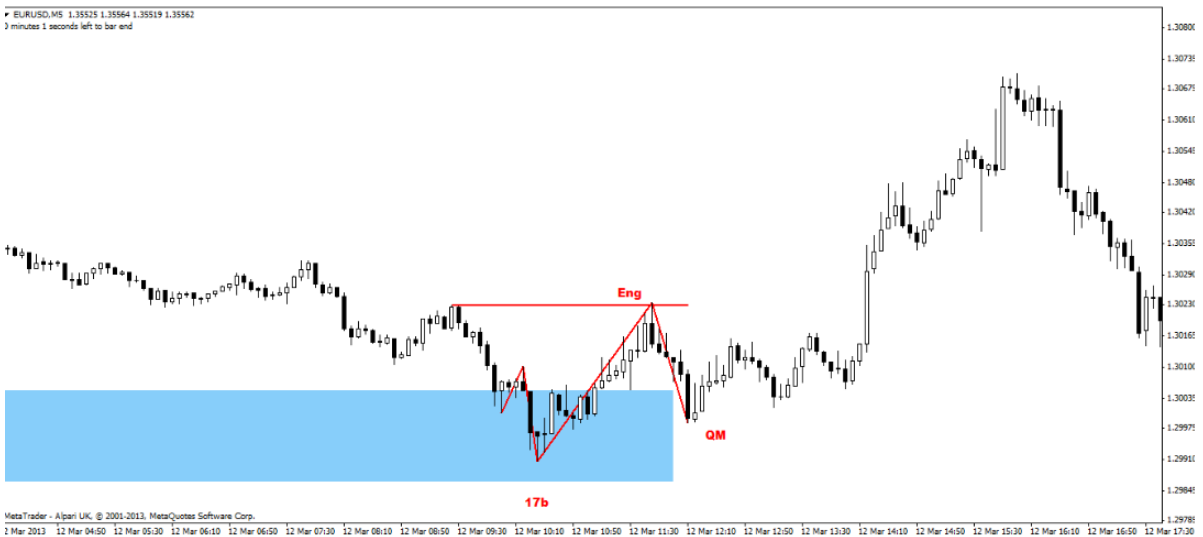
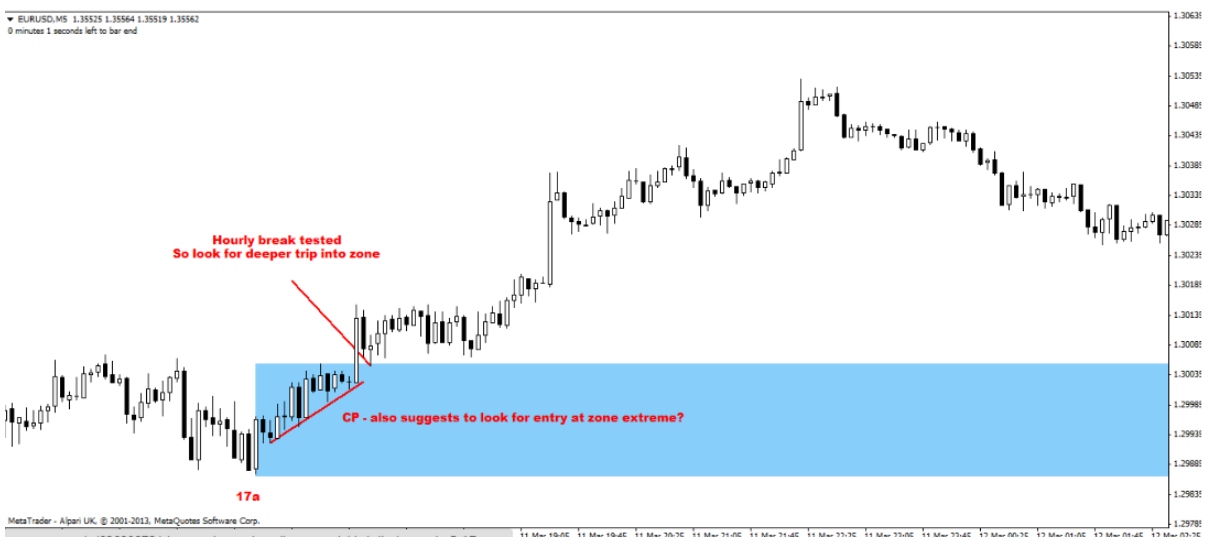
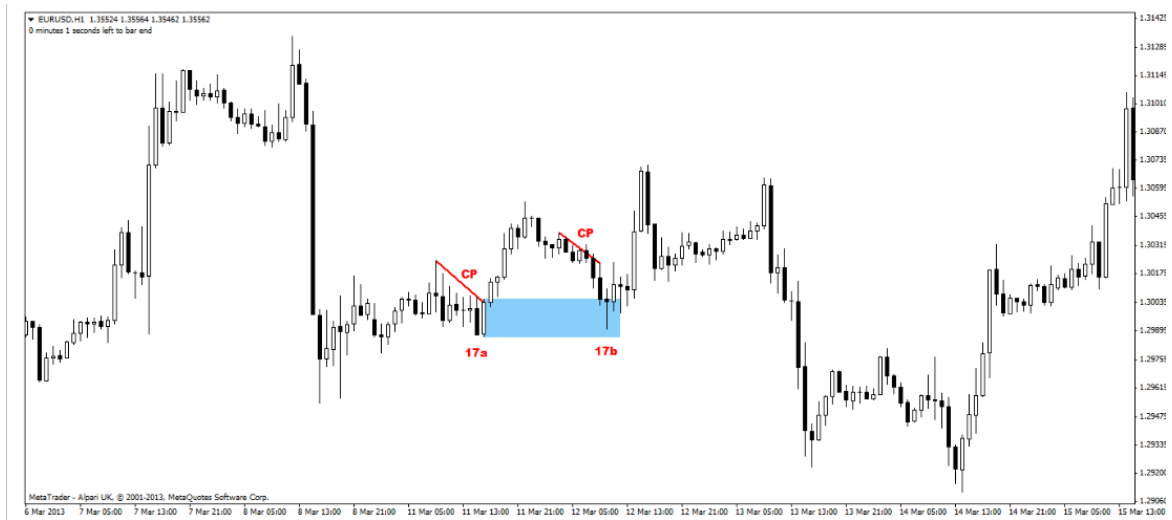


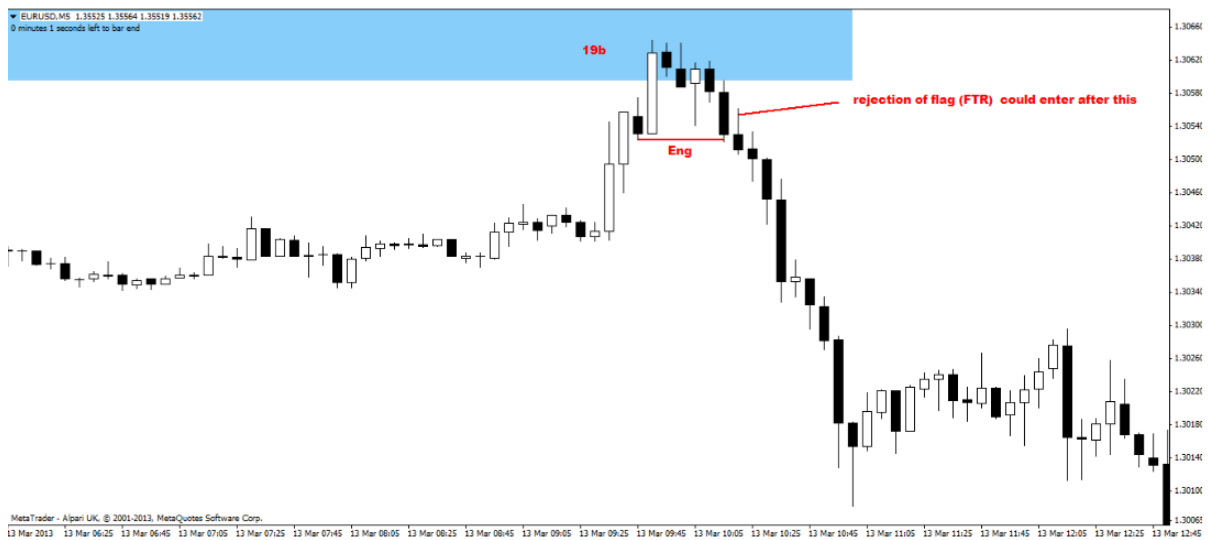
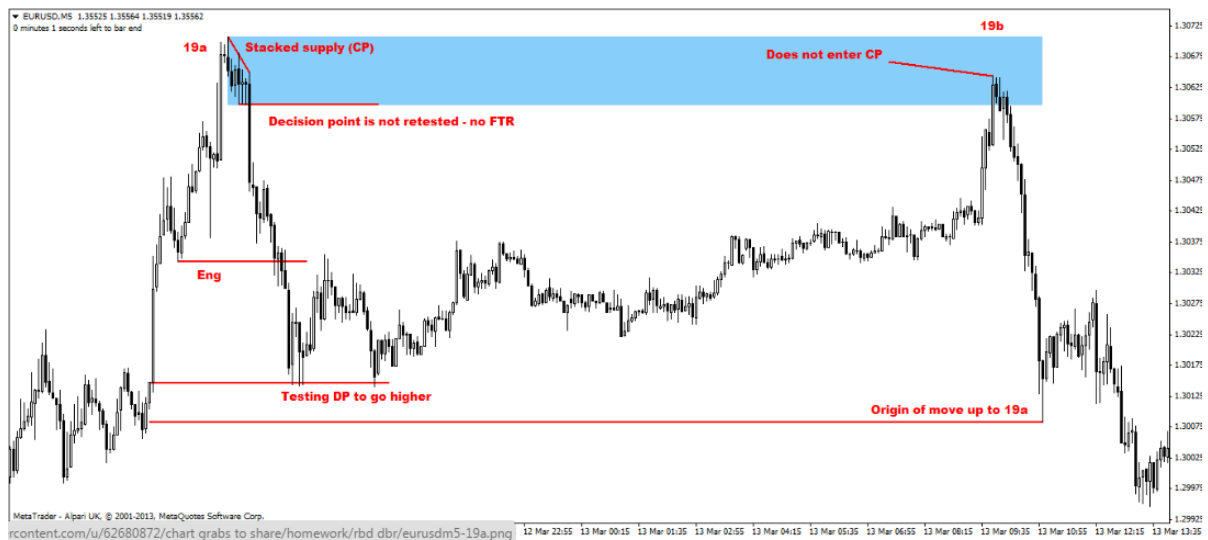
تایم ۵ دقیقه ای یک FL را نشان می دهد که در x شکسته شده است و تست این تصمیم در صورت گرفته است . قیمت برنامه ای نداشته که بالای FL LINE بسته شود و این توسط یک اینگلف در z تعیین شده است بنابراین موضوعات آماده اند برای یک DROP ممکن در بازگشت به RBD . دور شدن از ناحیه 14a به اندازه کافی قوی نبوده اما یک ناحیه عرضه خوب در تایم یک دقیقه در جایی که سفید باقی گذاشته ام وجود دارد که یک FTR M1 می باشد یک حرکت قوی در 14b به درون ناحیه وجود دارد (من H ناحیه y را به عنوان لبه پایینی ناحیه در نظر گرفته ام) و همچنین یک rejection زیبا . در این تایم فریم PA برای فروختن وجود ندارد اما به عنوان یک TOUCH TRADE میتوان در این نقطه وارد شد .



مثالی دیگر :

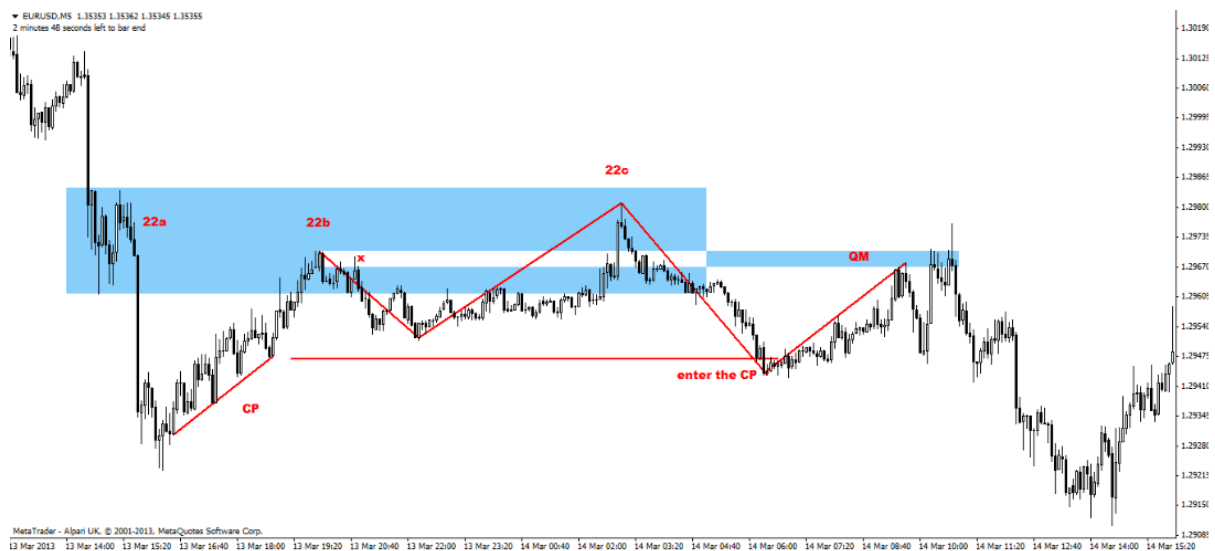


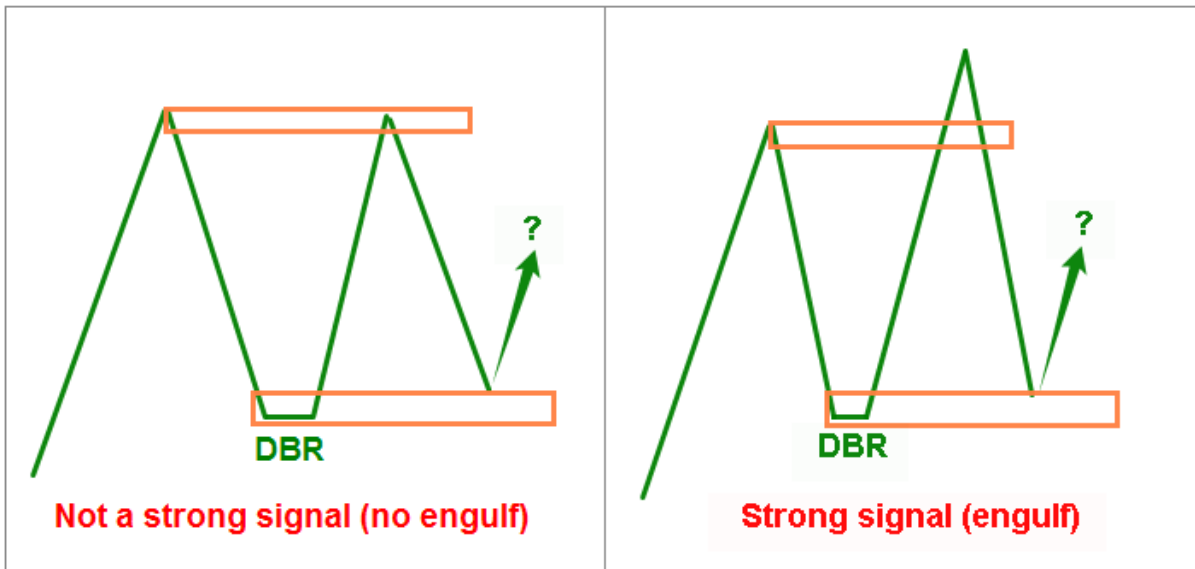


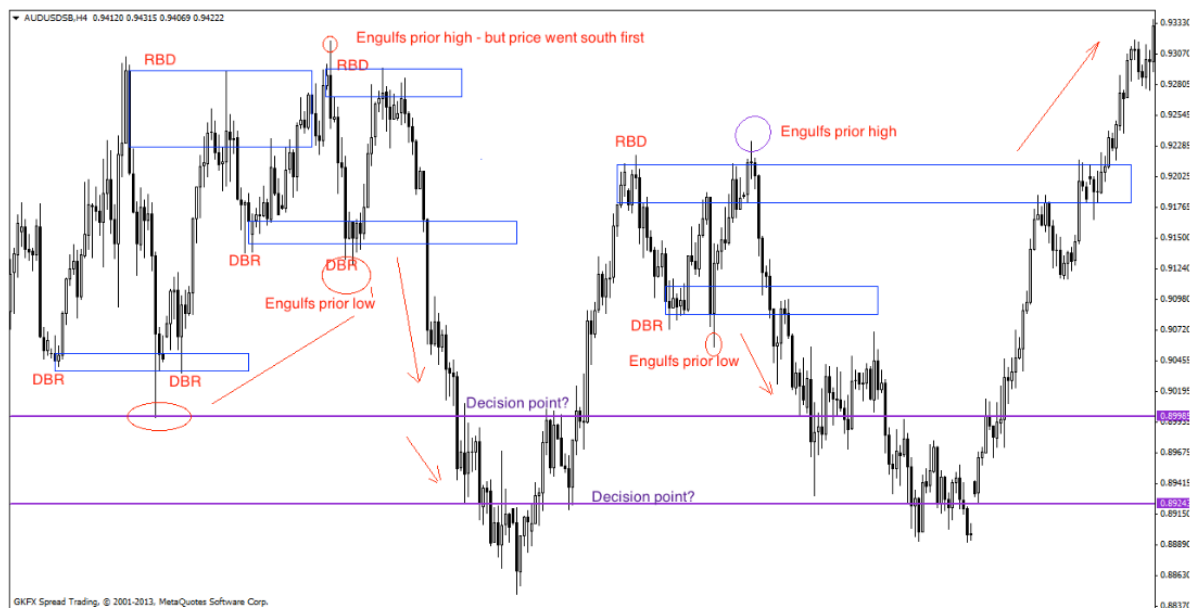
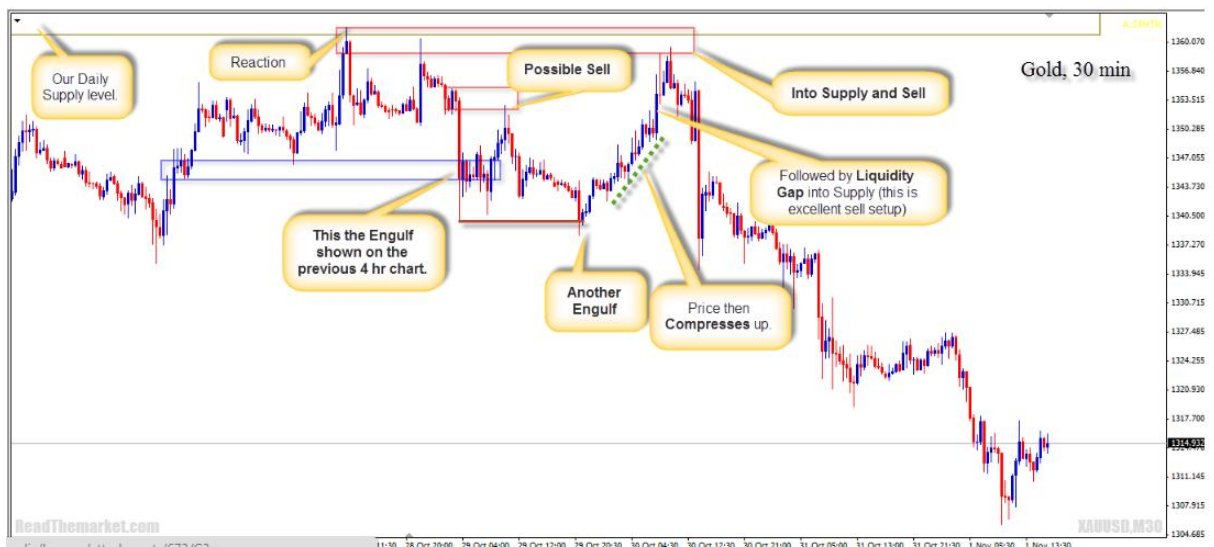




مثالی دیگر از ایشان :

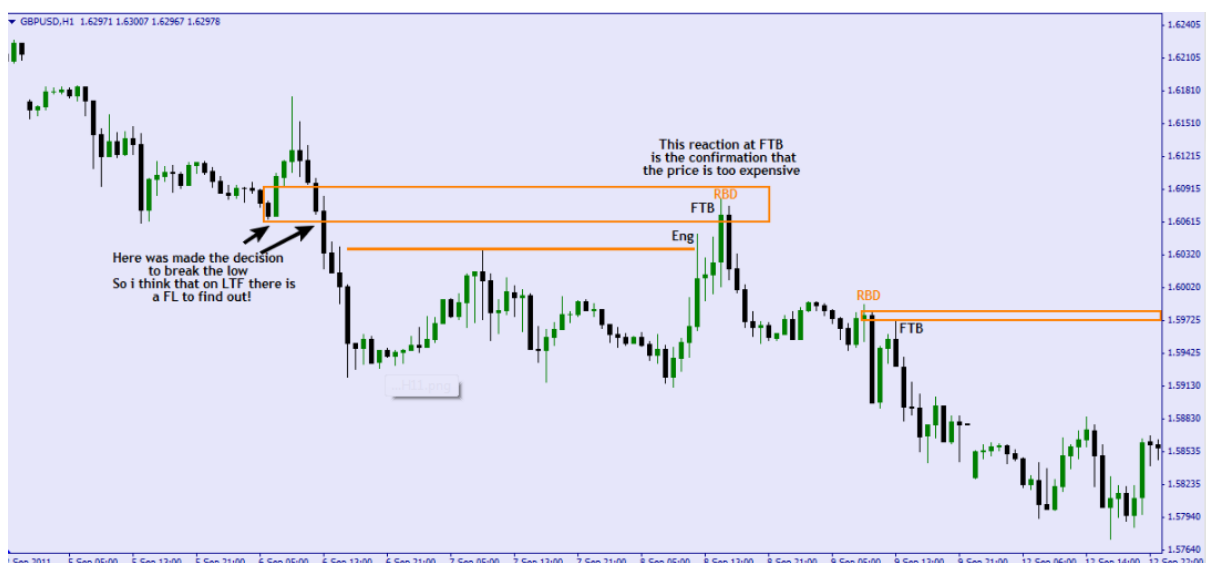
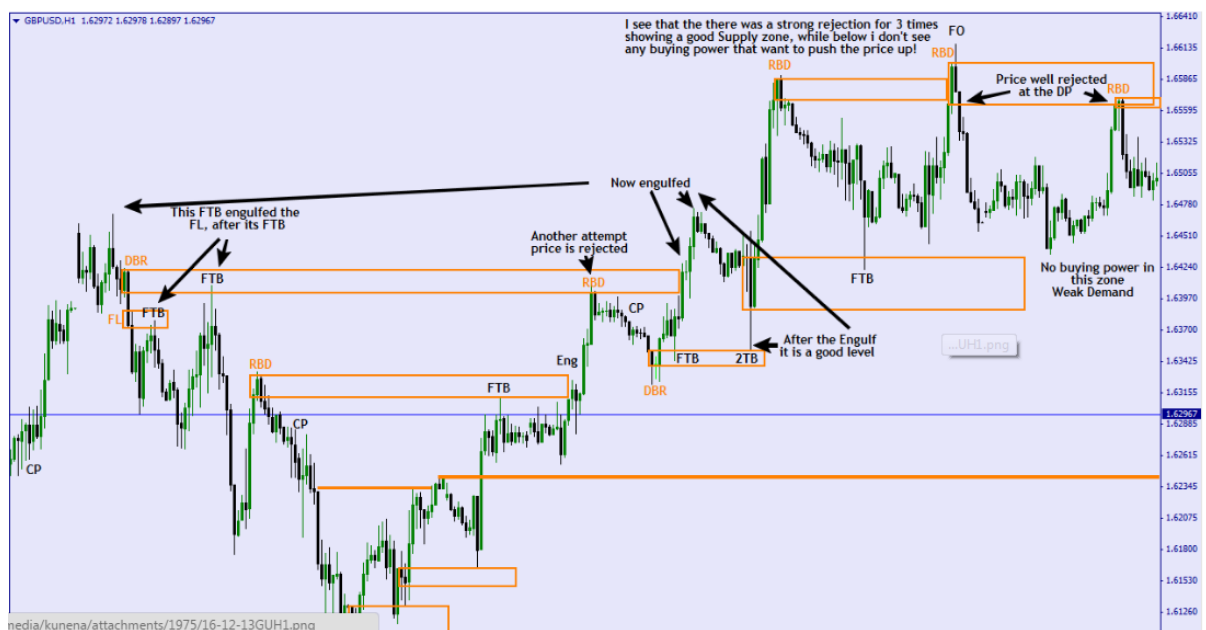


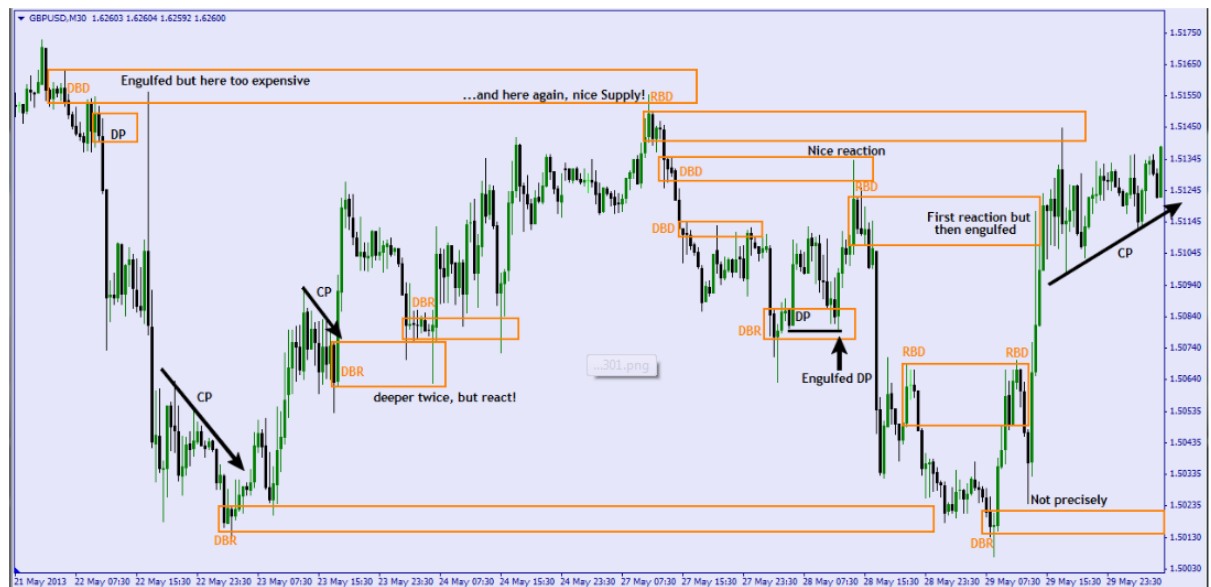


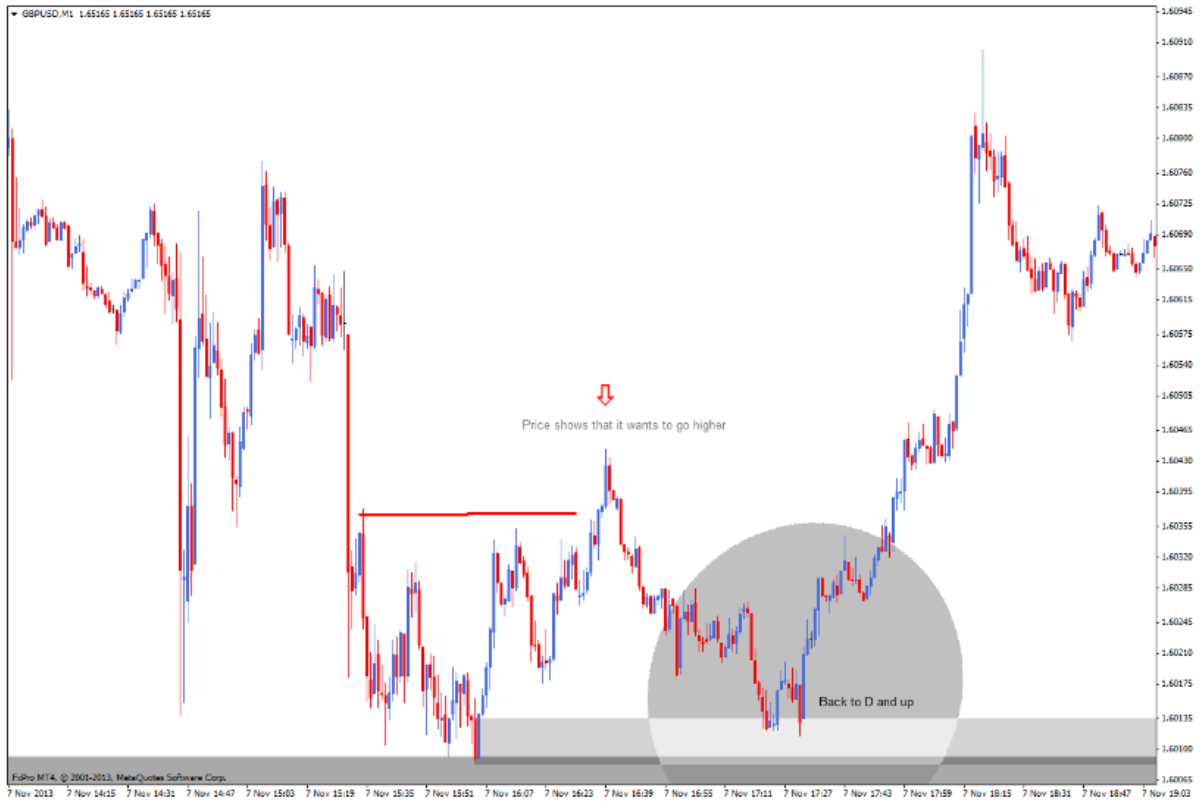


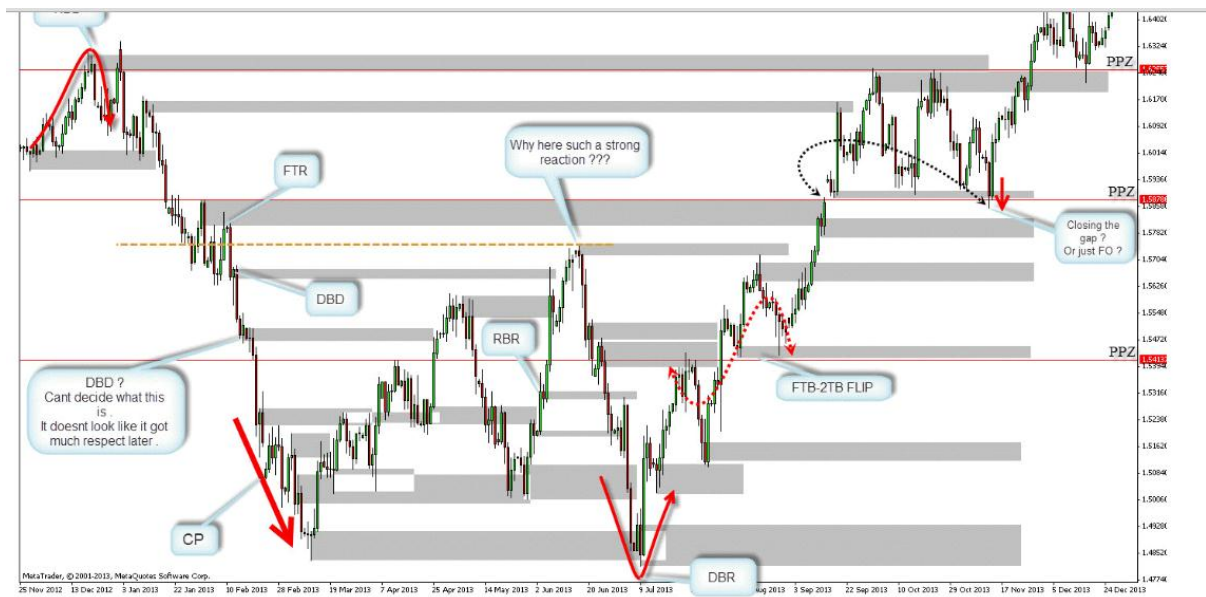


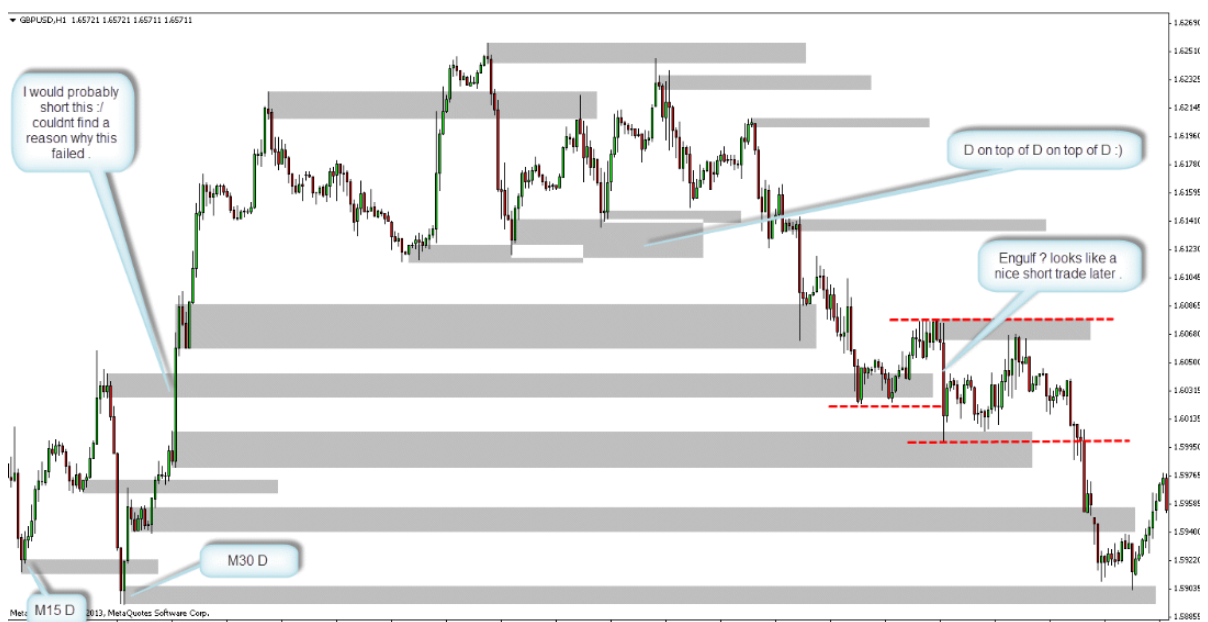
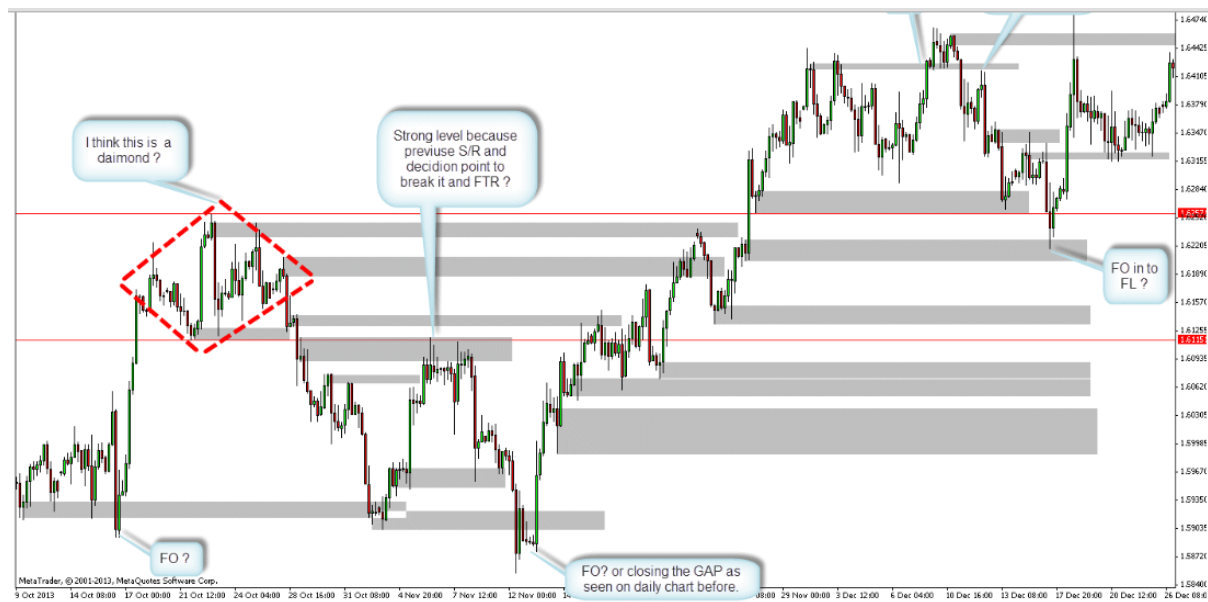
زمانیکه یک ناحیه توسط یک باکس از انواع RBD, DBR نادیده گرفته می شود پس از نادیده گرفته شدن در آن ناحیه دنبال یک FTB باشید و سپس FTB که قیمت دوباره به آن واکنش بدهد .

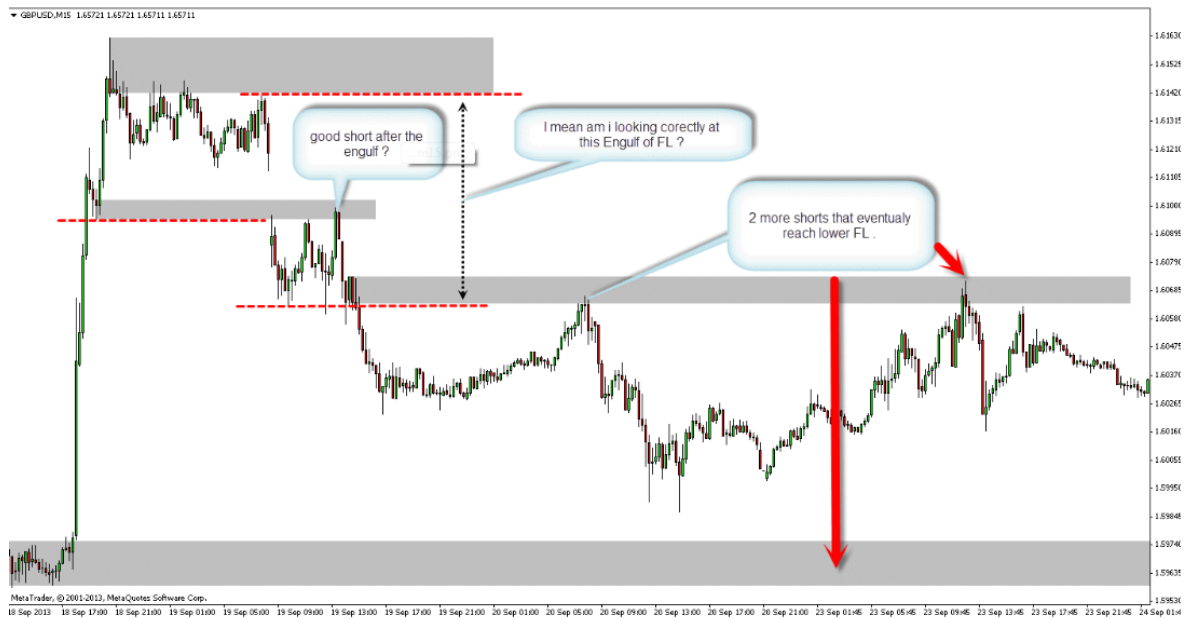












از نظر آقای IF :

RBR,DBD ها مکانهایی هستند که مارکت به قیمت می گوید : بله بیشتر پیشروی کن .

در ادامه :

DBR(تقاضا) و RBD(عرضه) نوعی از CAPS ON PRICE هستند که در اطراف خود واکنش هایی را ایجاد میکنند و قیمت در اطراف آنها می باشد .

هر دوی اینها و FL ها به عنوان نواحی عرضه و تقاضا عمل میکنند . وقتی قیمت RBD را تاج میکند ما انتظار داریم که فرو بریزد به ناحیه ی تقاضای قبلی یعنی DBR قبلی . وقتی قیمت DBR را تاج میکند ما انتظار داریم که به ناحیه بالای رالی شود یعنی RBD قبلی خود برسد .





این مثال بسیار عالی نحوه ی به دام افتادن معامله گران BO را تشریح میکند :



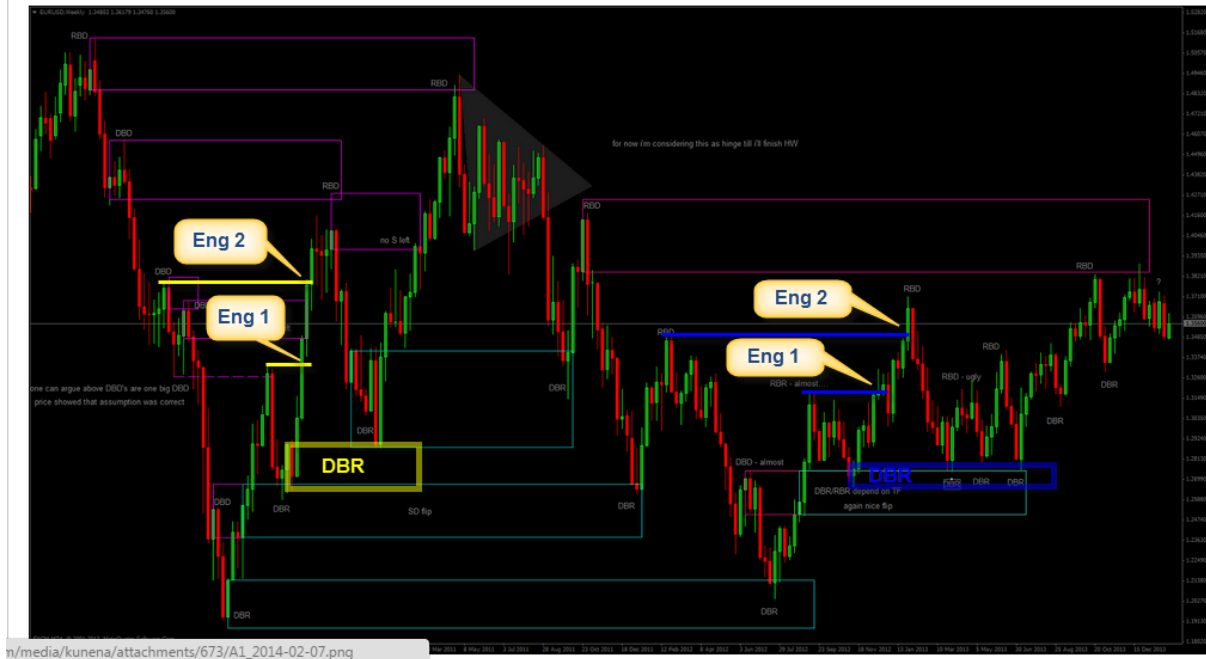


im/media/kunena/attachments/958/DBR-RBD-5.jpg

Something else to consider.

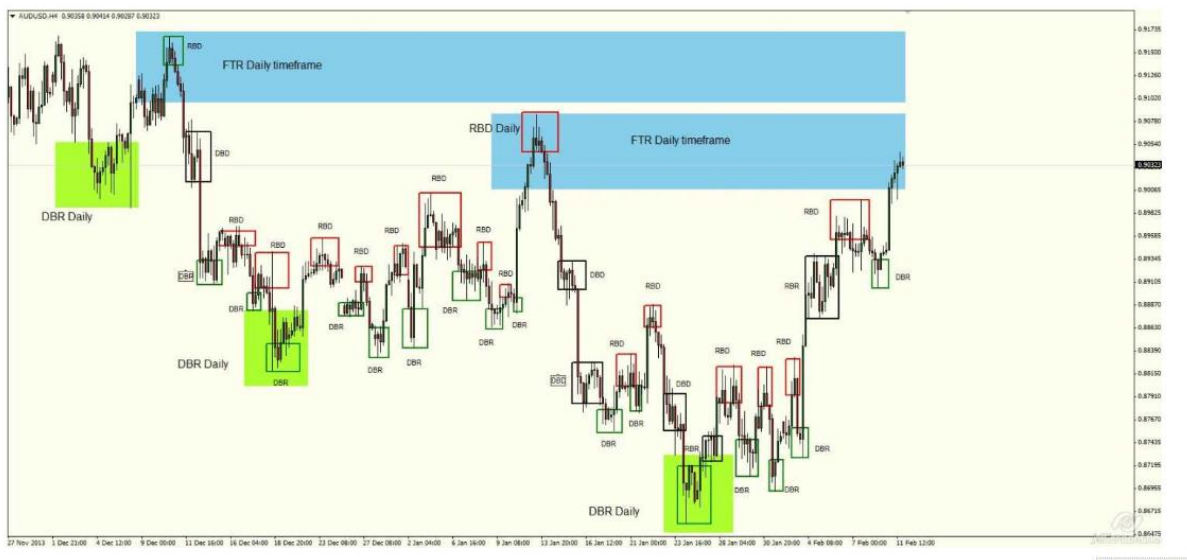
Notice the structure of the YELLOW and BLUE DBR.

> The Rally had enough buying pressure (momentum) to make 2 consecutive engulfers.



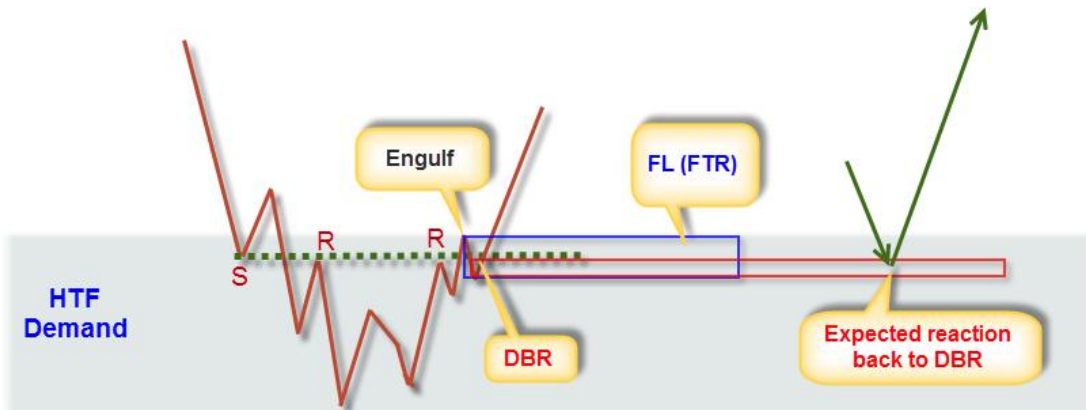
n/media/kunena/attachments/673/A1_2014-02-07.png





موضوع دیگری که در ارتباط با DBR/RBD ها وجود دارد انواع کوچکی از آنها هستند که تحت عنوان FTR می باشند زمانیکه از قبل یک مانع را بر سر راه خود اینگلف نموده اند . این نوع از DBR,RBD ها بسیار حائز اهمیت اند و یکی از دلایلی که استفاده از اندیکاتور در روش RTM ممنوع شده است این مسئله است که اندیکاتور ها به سادگی از کنار این موضوع می گذرند . مثلا شما از اندیکاتور ZIGZAG در تصویر بالا که استفاده میکنید از این موارد به سادگی چشم میپوشد . به همین خاطر است که بهتر است نمونه ی خام قیمت را مشاهده نمود .

در شکل زیر به این موضوع که مثالی از آقای IF است به صراحت پرداخته شده :



Harry در این رابطه میگوید:

این کاملا درست است وقتی یکی اینگلف می شود اغلب اوقات یکی دیگر به وجود می آید در یک FLIP .
 این تنها تمرینی است که چشمان شما باید به آن عادت کند . ترکیب این شکل با موضوع اینگلف بسیار چیزی مهمی است .





موضوع مهم دیگر در این مبحث اینست :

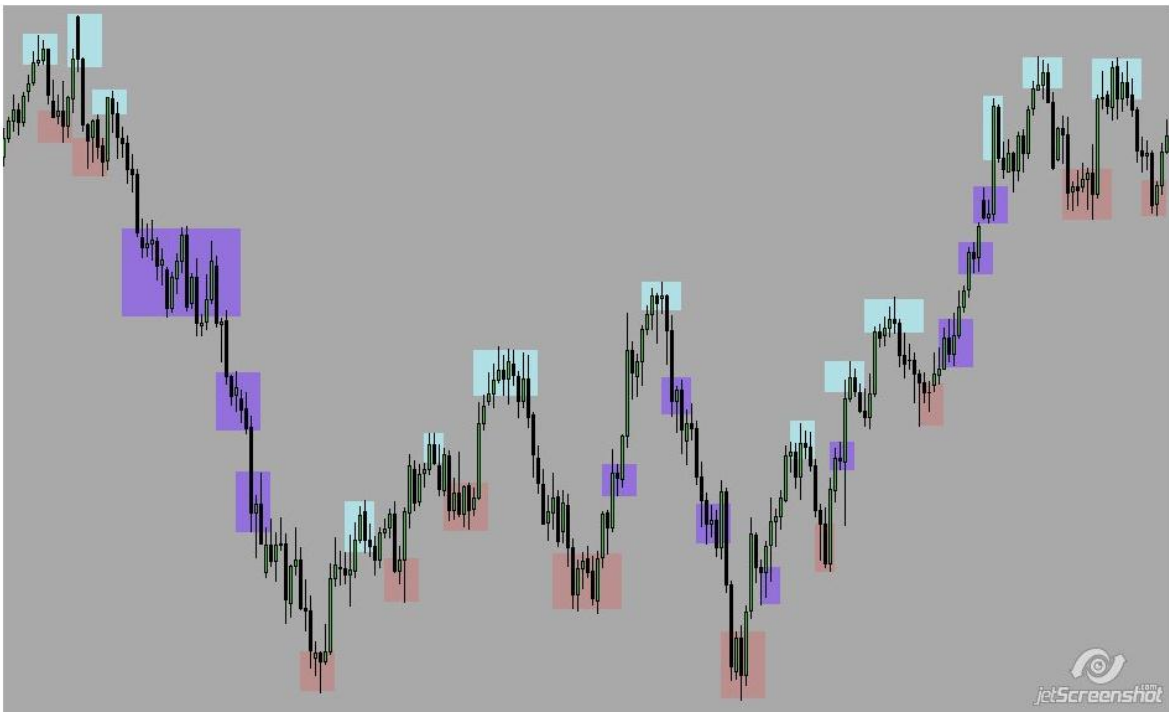
در تمامی چارت ما RBD, DBR هایی داریم که بسیار بزرگ هستند و وسیع می باشند لذا می توانید در درون این مناطق وسیع مناطق کوچکتری از این انواع را بیابیم و هرچه ریزتر شویم میتوانیم دقت سفارشات را که در آن ناحیه برای واکنش های آینده قرار میدهیم را بیشتر کنیم .





بنابراین ما میتوانیم یک مجموعه از RBD, DBR ها را مشاهده کنیم که یک RBD, DBR وسیع را برای ما در تایم فریم بالا می سازد . من مطمئن نیستم که این ربطی به تعریف MINOR/MAJOR داشته باشد







در اینجا به طرح موضوع دیگری به نام FL و اینگلف می پردازیم :

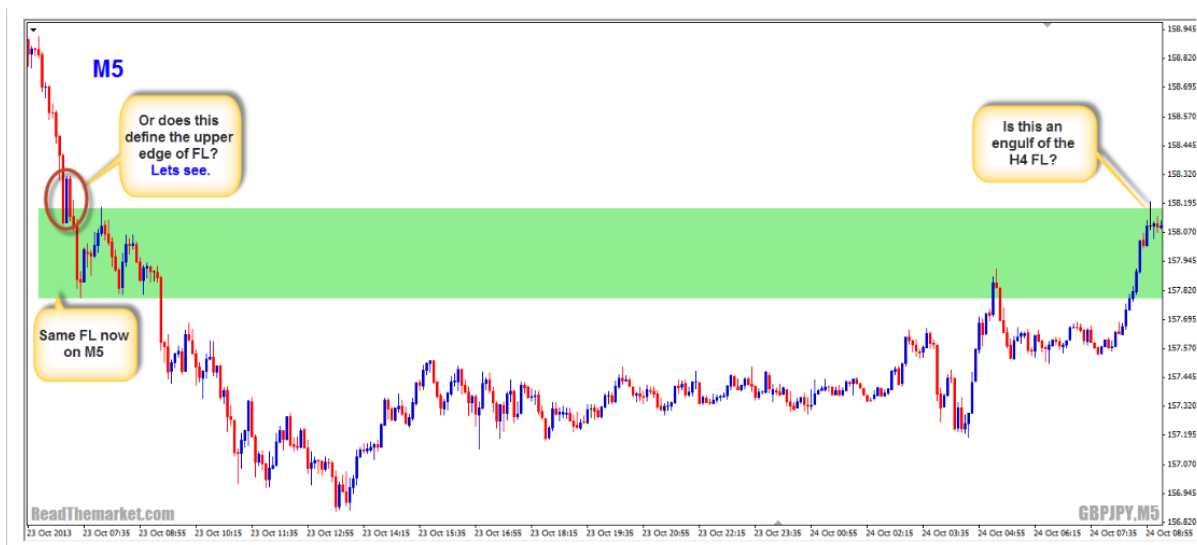
آقای Harry نکته ی بزرگی را در اینجا بیان میکند و الان زمان آن است که آن را بیاموزیم . من چارت های زیادی را در تایم فریم های بالا دیده ام که تحت عنوان FL در نظر گرفته شده اند و اینگلف آنها دیده شده است . گاهی اوقات اینگونه به نظر می رسد که اینگلف به خوبی عمل نمیکند اما اینگلف شده است . این به کار شما ارزش میدهد اگر به هر فلگی در تایم فریم پایین نگاه کنید و از خود بپرسید محدوده درست FL کجاست و از این رو چه سطحی از قیمت نیازمند نقض شدن است که مفهوم ENGULF در آن واقع شود . از آنجایی که ما اساس نحوه ی حرکت قیمت در آینده را بر اینگلف یک سطح قیمتی گذاشته ایم این یک تعمق و سنجش بسیار ارزشمند است برای پی بردن به موضوع فلگ .

این یک مثال است اما عالی نیست فقط برای نشان دادن موضوع است :





مثال بهتری :





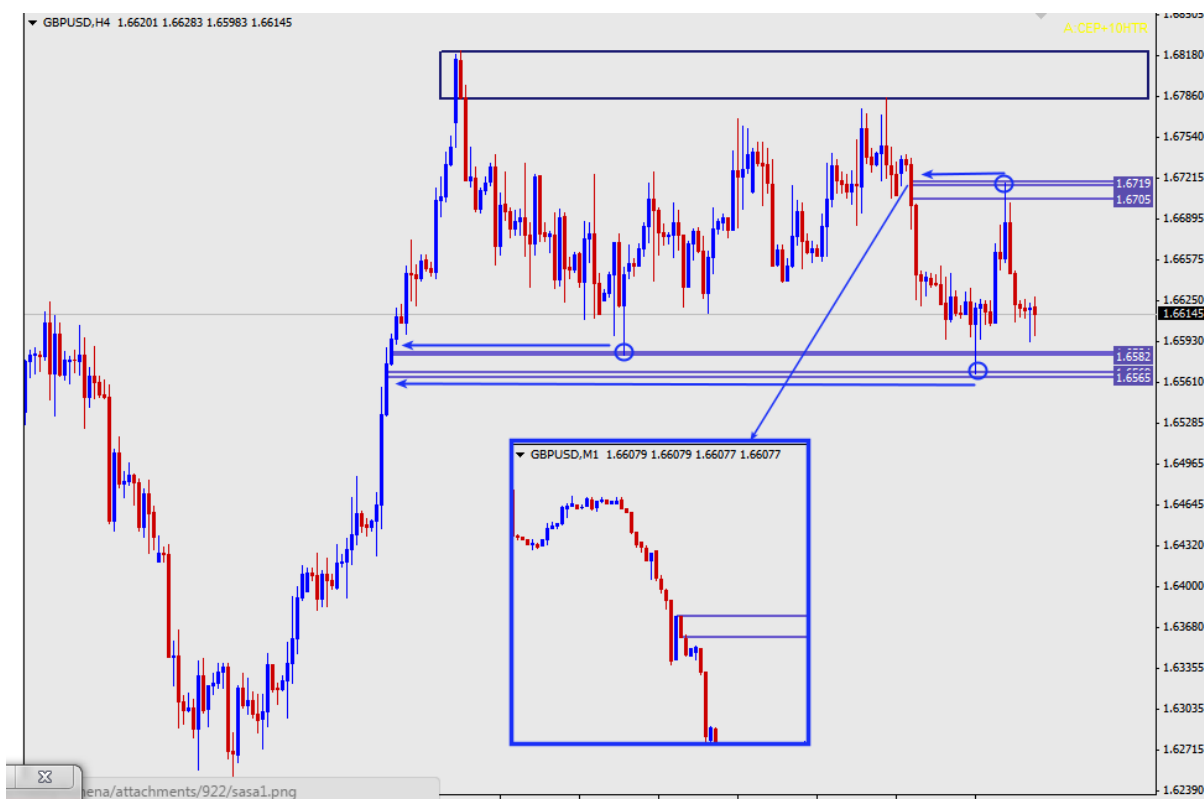
DRSWING! در ارتباط با سوالات مطرح شده در عکس میگوید :

این یک سوال عالی برای پرسیدن است. این مسئله بسیار اتفاق می افتد و پاسخ قطعی برای آن وجود ندارد. بنابراین برای حل کردن این مسئله در معاملات خود من به چارت تمیزی نگاه میکنم از نمونه ای هایی به فرم بالا صرف نظر مینمایم. اما این پاسخی برای سوالات تو نیست !

ery often what you see in the HTFs as an FL (in the shape of a rbr/dbd) is the reaction to the LTF original one.



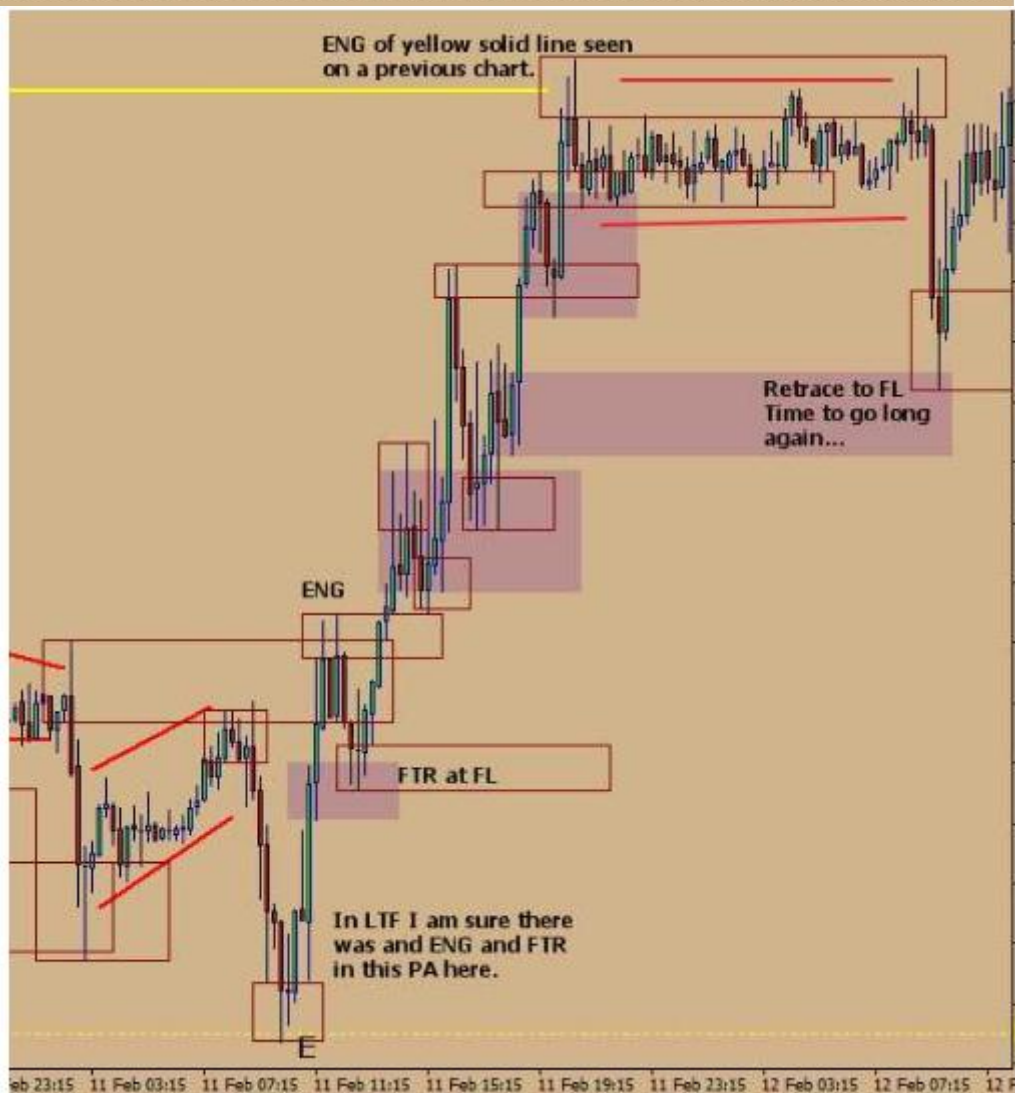
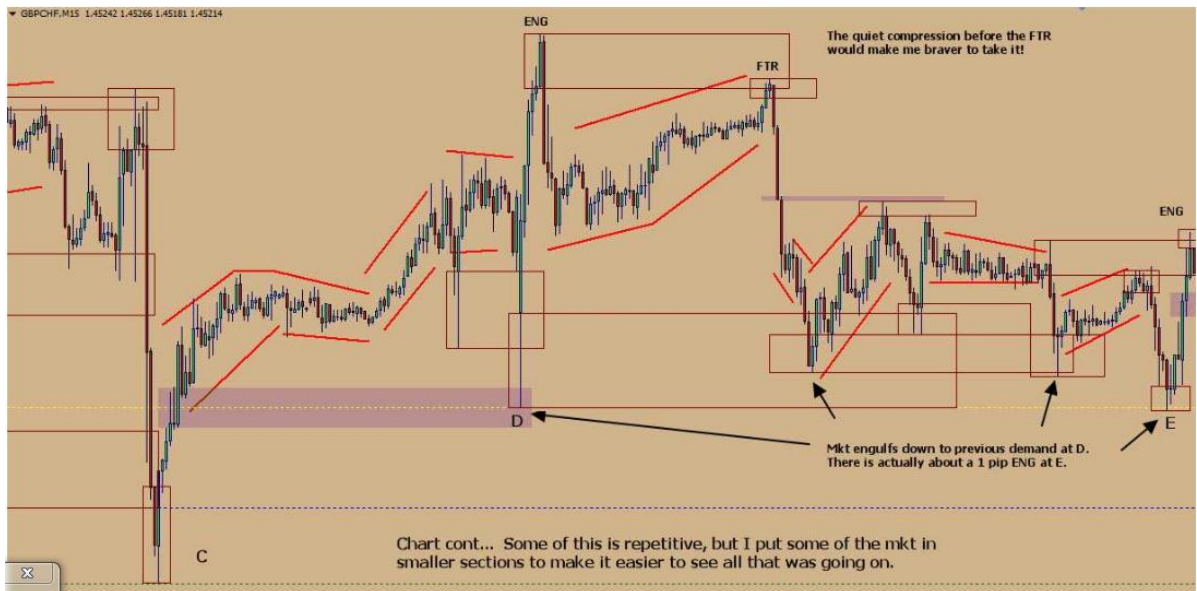
آنچه از اهمیت برخوردار است نه تنها خود RBD, DBR در حال حاضر چارت می باشد بلکه گذشته چارت هم مهم است که بدانید RBD, DBR حال حاضر چرا تشکیل شده است تا بتوان به خوبی در واکنش های آینده آن عمل نمود :



در تصویر بالا تمامی یک دقیقه را که مشاهده میکنید میتوانید یک سطح عالی FO برای قیمت در آینده پیدا کنید چراکه قیمت در گذشته خود اینگلف داشته است که با علامت دایره مشخص شده اند .







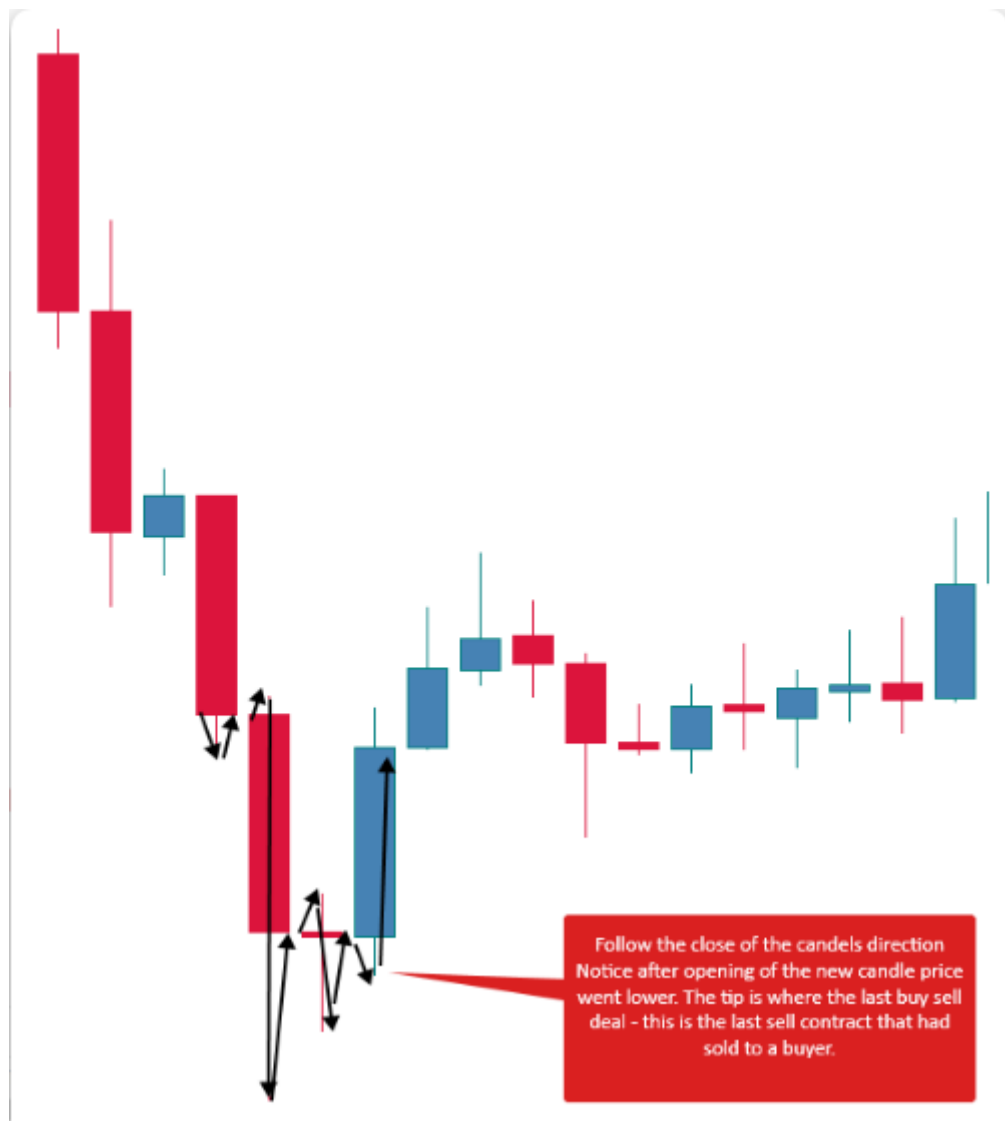
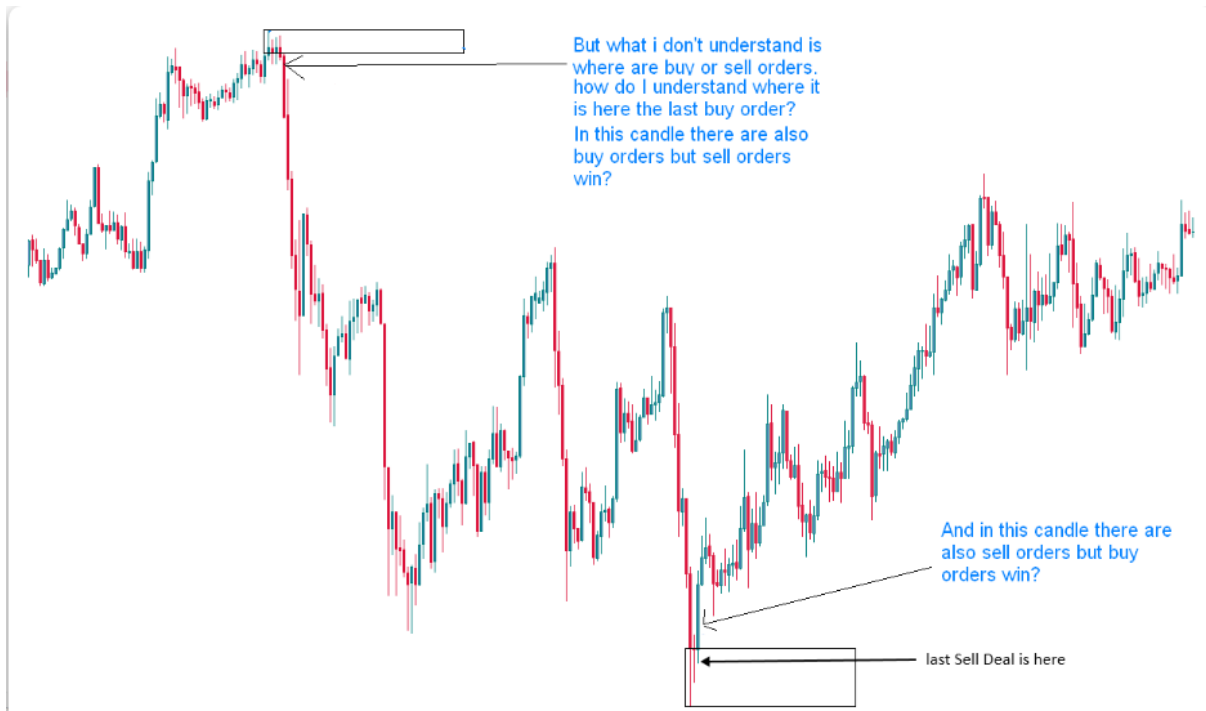




تصویر زیر مراحل اساسی یک تحلیل را ارائه میدهد :





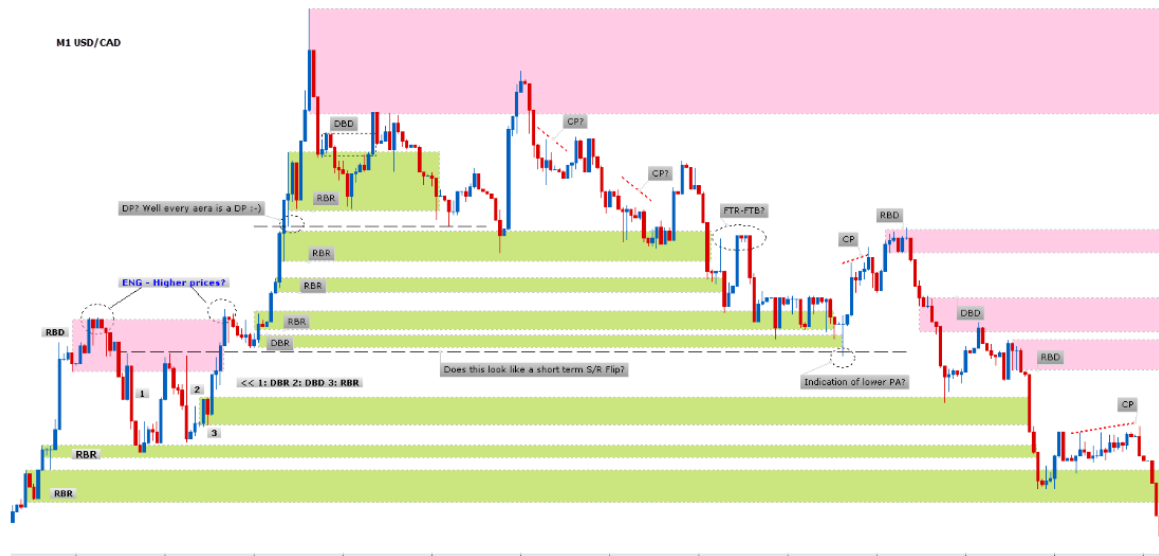


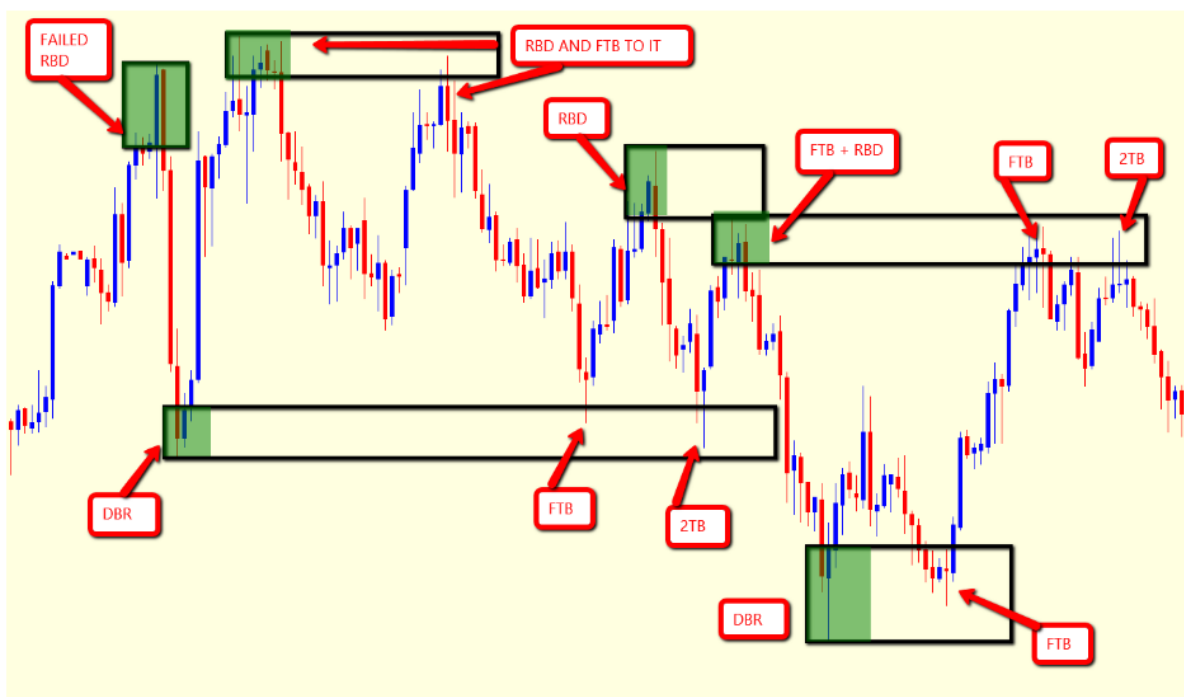
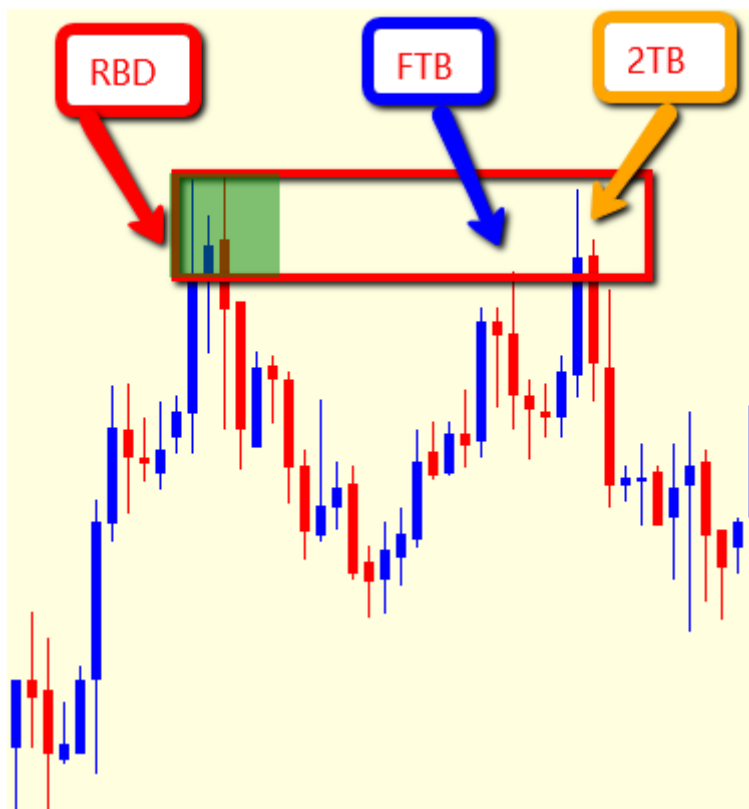
از دید مترجم تنها کاری که باید یک معامله گر انجام دهد یافتن نقاطی است که در آن تمامی مشاجرات بر سر قیمت تمام می شوند و سر انجام یک مبادله صورت میگیرد . و یافتن از نقاط بر اساس الگوهای DBR,RBD و به کمک سایر ابزارها مانند ENG,FTB,FTR امکان پذیر است . با استفاده از فهم درست موضوعات میتوان نقاطی را جهت TOUCH TRADING بدست آورد .

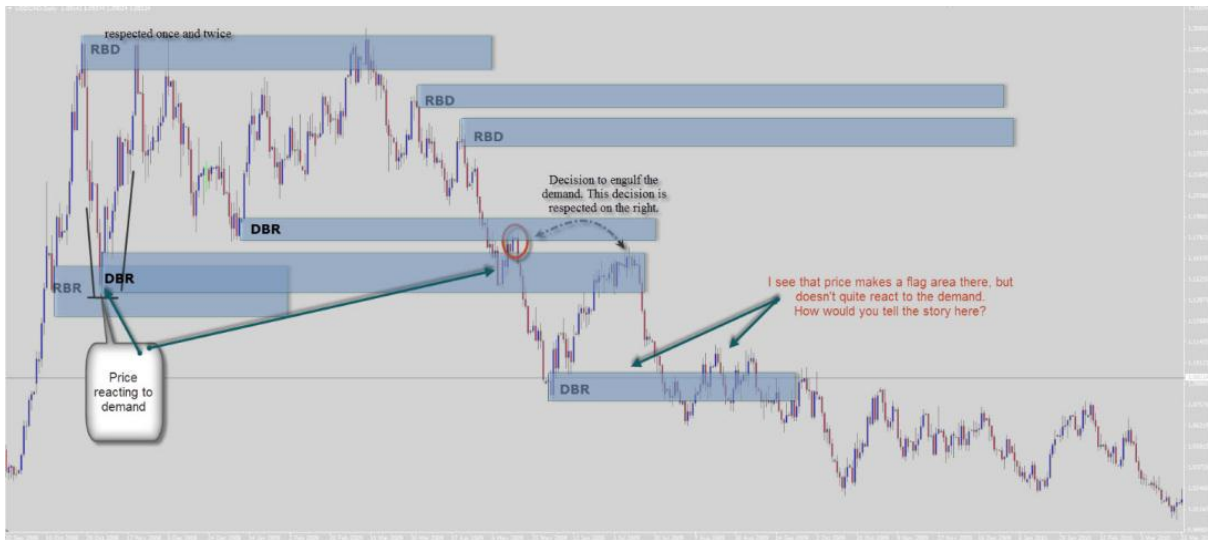
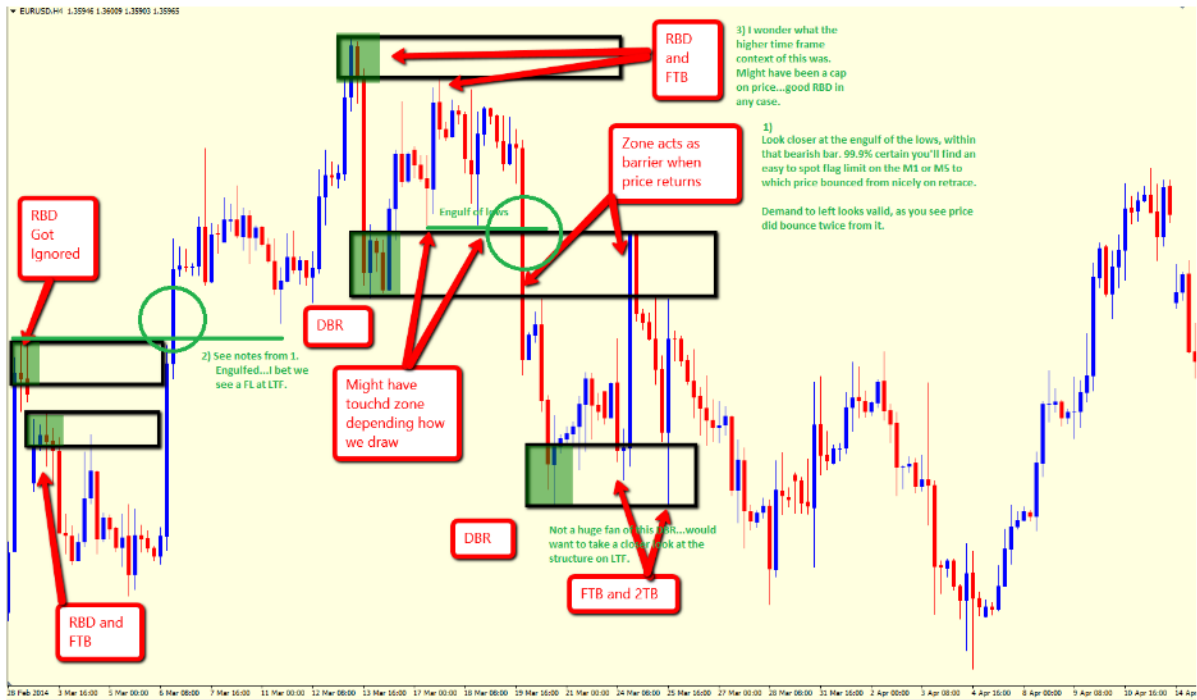
در ارتباط با اینگلف آقای Harry می گوید ما در RTM اصلا از اینگلف کندلی حرف نمیزنیم . منظور ما دو نوع اینگلف است :

(۱) اینگلف SWING یعنی اینگلف RBD قبلی توسط نوعی دیگر از RBD ؛-)

(۲) اینگلف FL LIMIT







"پایان"